

کارگران جهان متحد شوید!

۱۰۵

سنگار

سازمان پیگارد راه آزادی طبقه کارگر

سال سوم - دوشنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۶۰ بهاء ۳۰۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- اعتصاب غذای زندانیان سیاسی انقلابی در قهرمانشهر صفحه ۱۰
- تور و بجرم فروش نشریه بیکار صفحه ۱۰
- بایی سناز: عشت برافراشته ویرکینه خلق ایرلند صفحه ۱۵
- مجاهدین: باز هم تزلزل در راه انقلاب صفحه ۲۴
- شبه‌های کمونیستی: درجه‌ای بسوی دنیای زیبای کمونیم صفحه ۳۱

نگاهی به تجارب و درس‌های یک اتحاد عمل

نگاهی به همکاری مشترک ما و رفقای فدائی در اول ماه مه

۱۷ صفحه

سرمقاله

چماق و نان شیرینی دوروی سکه سیاست جدید رژیم

ارمان آغا رسال جدید، کسه آیت‌الله خمینی پیام سوآوری خود را منتشر کرد و روشن بود که رژیم جمهوری اسلامی در سال جدید "درس‌گیری" از "تجارب" خود در سال گذشته، سیاست جدیدی را در مسائل اساسی و سروه‌های سیاسی در پیش می‌گیرد. آیت‌الله خمینی در آن پیام، وعده داده بود که سروه‌های سیاسی در صورتیکه گذشته خود را از دشمنانی نماند و دست از "ممالکیت مسلحانه" سر علیه جمهوری اسلامی بردارند، مستوا سنده، آغوش اسلام را بگردند. سنی صدر سردرهمان زمان و بی‌ازملانی با خمینی، در یک مصاحبه گفت که آیت‌الله خمینی "بحث آزاد" با سروه‌های سیاسی را ناشد کرده و "تصمیم قانونی" برای حفظ آنها در هنگام "مصاحبه" را لازم شمرده است!

صفحه در صفحه ۲

اطلاعیه اعلام هویت بخشی از "وحدت انقلابی برای آزادی طبقه کارگر"

سرا با متشکلات وحدت انقلابی که کوشش شده بود علیه ای از گرایشات مختلف ایدئولوژیک را در یک سازمان واحد گرد آورده، بنا بر عدولش از موارد م - ل - ل تشکلاتی از هم پاشد و گرایشات مختلف موجود در آن سازمان هفت ایدئولوژیک، طبقه‌بندی شان بر طبق خوش حرکت نمودند. اطلاعیه رسیده اعلام هویت بخشی از وحدت انقلابی است که سوری سازمان سنت‌گرای سوده و در حال ادعا می‌آید هستند، بیان هویت سیاسی - ایدئولوژیک یک جریان مشخص از آن وما حاصل سازده ایدئولوژیک است که بصورت قاطع با احزاب راست رولسویستی حاکم و وحدت انقلابی و تشکلات دوران گذار و ذات انحلال طلبانه آن، بصورت گرفت، ما غنی ترسک به این معنا در طردوسی کامل انحلال طلبی و بصورت ایدئولوژیک آن، بصورتی این رفقا در تشکستن و فرورسختی آن طرف تشکلاتی که معنای فراوانی را به ما می‌دهد و انحلال طلبی سوق داده سوده، بصورتی بار هم بیشتر آنها را در سازمان ارتباط و امیرا لیسیم در سگر دیده و همچنین سازمانها را بر اساس تئور و لتری در جنبش کمونیستی آرو می‌کنیم.

سازمان پیگارد راه آزادی طبقه کارگر

بقیه در صفحه ۲۷

حداقل دستمزد براساس آمار رسمی رژیم چقدر باید باشد؟

۳ صفحه

هراس مهندسان بزرگان از چیست؟

۱۱ صفحه

اشتغال فلسطین و ۳۳ سال مقاومت خلق

۷ صفحه

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سر مقاله

مرانجام، "دادستانی انقلاب" با صدور اطلاعیه ۱۰ ماده‌ای خود، این سیاست را تفسیر مادی بخشید و با انتشار آن قول داد که از این پس "قانون" می‌بایست در کشور حاکم شود. در پی این سیاست، رژیم جمهوری اسلامی گام‌های شایسته‌تری را در جهت اجرا و عملی کردن آن برداشته است که نمونه برجسته آن را میتوان در روز اول ماه مه مشاهده نمود. روز اول ماه مه، عرصه روشنی‌ها و دینیت یافتن سیاست جدید رژیم در بر خورشید به نیروهای سیاسی و تشکلهای موجود بود. این روز، آشنیتهای بود که بخوبی چهره واقعی و ابعاد مختلف این سیاست را بروشنی منعکس میکند. که در مطروبا شین به آن اشاره خواهیم کرد.

ظا هر قضا یا بسیار رسا به نظر میاید رژیم سال جدید را سال "قانون" اعلام کرده بود و اکنون می - خواهد این "قانون" را برپا دارد و بر تمام "گشا کش"ها و "خدا"ها نقطه پایان گذارد تا در سایه آن رژیم جمهوری اسلامی بخواند بنیاد حکومت خویش را مستقر سازد. رژیم حاکم، خود را "تجادی برآمده از دل انقلاب" میداند که در پی سرنگونی رژیم شاه به قدرت و حاکمیت رسیده است. بنا بر این، "طبیعی است که بخواهد خود را قانونیت بخشید و "قانون" خویش را جاری نماید. رژیم بر این اساس و به نحوی فربگرا و نه و سیاسی قیامهای حق به جانب، هم آنها را که "محرّم" "قانونیت" رژیم را به رسمیت بشناسند، "محرّم" شمرده و گمانی را که بخواهند، به فدیت با این "قانون" رژیم حاکم بپردازند، دشمن شمرده و خواستهای آنها و در بیک کلام "فدا انقلاب" میداند. این صورت ظاهری سیاست جدید و رسمی رژیم، در عین حال جوهر آن الفاظی است که هئیت - حاکمه بدین طریق میخواهد در ذهن هرانسان سا ده اندیش و نا آگاه موجود آورده.

اما باین قضیه چیست و جوهر واقعی این سیاست کدام است چه اهداف خائنه ای در پی آن نهفته است و این سیاست ریشه در کدام واقعیت های اجتماعی و سیاسی جا میدهد و در سرانجام نتایج حاصل از آن چه میباید شد؟ پاسخ دادن به این سوالات از آنرو اهمیت دارد که بهر حال رژیم جمهوری اسلامی، در هفته های اخیر، با بوق و کرنا به تبلیغ این سیاست مشغول است و در جهت عملی کردن آن خویش را بسیار رانغب نشان میدهد.

ما در شماره های گذشته "پیکار" توضیح دادیم که سال "قانون" رژیم از کجا منشاء میگیرد و "انحطاف" های جدید رژیم، چه مبنا و اساسی دارند. در اینجا اشاره ای به این مسئله میکنیم.

سال گذشته، سالی بود که دورشته تفاق دینی به موازات هم در آدا به عملگردید از قیام، رو به گسترش و تعمیق نهاد. از یکسو تشاد میسبان توده های مردم، کارگران و زحمتکشان و خلقهای

تحت ستم با ارتجاع حاکم، و دیگر تشاد میسبان جناح های مختلف رژیم، و این دورشته تشاد، در بستربحران اقتصادی عمیقی که مجموعه ای از عوارض ذاتی سرمایه داری وابسته را در یک آن در کنا و هم به نمایش گذاشته بود، با تداوم خویش آنچنان بحران درجا معزایکسو و در درون رژیم حاکم زسوی دیگر بوجود آورده بود که زنگهای خطر را برای همه نمایندگان "دوران دیش" و "فکور" بورژوازی بمدا در میاورد. با پایان سال گذشته، آغا زنگل گیری این سوال در ذهن نمایندگان بورژوازی و رهبران رژیم شد انقلابی حاکم بود که "پایان کار" به کجا خواهد انجا میدوید چگونه میتوان بر این "بحران آنچنان نقطه پایانی گذاشت که همه منازعات را به بی قدرتترین شکلی به نفع تشبیت پایه های قدرت بورژوازی - در کلیت خویش - خاتمه بخشد. بورژوازی احساس خطر میکرد، منازعات درونی خود آنها، که در پایان سال گذشته به نقطه اوج خویش رسیده بود، بیش از آنکه به مجرای تسلط کامل این با آن جناح تبدیل شود، به بستری برای افزایش آگاهی توده ها تبدیل شده بود. نمایندگان ناندان بورژوازی هیچ اباشی نداشتند که در عرصه رقابت و قدرت - طلبی خویش، به دریدن چهره نیروی رقیب در بند مردم بپردازند و چنین بود که با پایان سال گذشته، در واقع، نقطه افول زندگی سیاسی بسیاری از سردمداران رژیم بود که تاکنون ارگان قدرت و "محبوبیت" خویش را بر توه توده ها استوار کرده بودند. به موازات همه اینها، سال گذشته سال رشد چشمگیر مبارزه طبقاتی و فریاد بی شتر توه مات مردم حداقل نسبت به جناح غالب آن و رشد نسبی آگاهی سیاسی آنها بود. سال گذشته سالی بود که کمتر نقطه ای در ایران در توقف و سکون سر میبرد و هر روز توده های بیشتری به میدان مبارزه روی میاوردند و به شکل ممکن به صف مبارزه با ارتجاع می پیوستند.

علاوه بر اینها سال گذشته سالی بود که تحولات بسیاری در نیروهای سیاسی جاسمه بوقوع پیوست. انحکاس مبارزه طبقاتی در درون جنبش انقلابی، بخشی از نیروهای طرفدار انقلاب و طبقه کارگر را به صف دشمنان طبقه کارگر و انقلاب سوق داد و در کنا رآن، نیروهای انقلابی و کمونیست، نیز توده بیشتری را به گرد خویش جمع کردند و بدین طریق بر توه مای و نفوذ خود در میان آنها افزودند.

سال گذشته سال نیکل گیری روشن ترقطیهای سیاسی و روشن تر شدن مرزهای طبقاتی بود. روند این قطب بندی بگونه ای بود که به جرات میتوان گفت کمتر توده آگاه شده ای را میتوان سراغ کرده که به سمت این با آن قطب گرایش نیافته باشد. این ویژگی، همچنان که در یادداشت های سیاسی هفته گذشته نیز اشاره کردیم،

سرنوشت سیاسی جنبش توده ها را به سروسشت سیاسی نیروهای سیاسی پیوند زده است. بدین معنی که هم اکنون مبارزه طبقاتی درجا معز، یکی از مهمترین عرصه های ظهور و تبلور خویش را در منازعات میان نیروها و احزاب سیاسی انقلابی و فدا انقلابی بازمیابد. رشد این منازعات و درگیری های سیاسی، انحکاس و نمودار واقعی رشد و اعتلای انقلابی جنبش توده ها است. این واقعیتی است که نمیتوان از آن به سادگی گذشت. و درست همین واقعیت است که در کنا رهبر و گروا قضیت ها ش که بدان اشاره کردیم، رژیم جمهوری اسلامی را به سمت انحطاف و سیاست جدیدی سوق میدهد.

رژیم جمهوری اسلامی، از همان ابتدای سال راه بیرون رفت از بحران پیش روی خود را در این دیدگاه و لا مرز میان دوستان و دشمنان خود را بروشنی ترسیم کند و از تمیز میبهد و با دوستان دروغین انقلاب و دشمنان واقعی آن دست بر - دارد. تا نیا نیروهای متزلزل و ناپیگیر را با خنثی نماید و با جذب خویش سا زد و تا لثا بدین ترتیب با تقویت پایه های اجتماعی و سیاسی خویش و متقابلا تضعیف پایه های جبهه انقلاب شرایط سرکوب انقلاب و نیروهای سیاسی انقلابی را بطور مستمر گزمیها تر سازد.

این سیاست، در واقع، همان سیاست معروف "چماق و تان شیرینی" است که اینها را از جانب کل رژیم، در پیش گرفته میشود. لیکن در این میان هر یک از جناح ها - لیبرالها از یکسو و جناح حزبی از سوی دیگر - استنباط خاصی از آن را شده میدهند و در اجرا و عملی کردن آن، دارای اختلاف نظر مشخص هستند. آنچه که پیدا است، این سیاست جدید، عمدتاً سیاست جناح حزبی حکومت - بخش غالب آن - را تشکیل میدهد و این خود نشانده این واقعیت است که سردمداران جناح "مکتبی" رژیم، بر آنجا میسازند و سال سرکوب عربان و بی وقفه و بعد از مدت ها تجربه اندوزی از اهراتیک فدا انقلابی خود آموخته اند که در رویا روشی با انقلاب و سرکوب آن ضروری است که گاه، پس عقب نشینی های محدود، امتیاز دادن ها، انحطاف ها و... بیکار گرفته شود.

بیا نیه ۱۰ ماده ای "دادستانی"، نقطه آغاز عملی کردن این سیاست توسط رژیم جمهوری اسلامی و بویژه جناح حزبی آن بود. آنچه که در این بیانیه، جلب نظر میکند و چهره واقعی سیاست "چماق و تان شیرینی" رژیم را نشان میدهد، این است که رژیم میکوشد برای اولین بار، متحدین و عمال خویش را در درون جنبش کارگری، که تا دیروز با کودنی تمام، احرانها را بی موجب میگذاشت، به تکیا بپوادارد و فدا لانه به عرصه نبرد رویا روشی ایدئولوژیک - سیاسی با جبهه انقلاب بکشانند و در مقابل شرایط

بقیه در صفحه ۶

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها!

جنبش کارگری



از اخراج نماینده رانندگان اعتصابی شرکت واحد جلوگیری کنیم

اخیرا اطلاع پیدا کرده‌ام که نماینده رانندگان اعتصابی شرکت واحد که در حرسان دستگیر شده بود، از زندان اوین آزاد شده است اما روسای مرتجع شرکت واحد قصد اخراج وی را دارند. رژیم که در این مدت ما گذشته اعتصاب رانندگان را با تملقات مسموم و ضرب و شتم و دستگیری و زندان، به شکست کشاند، این بار قصد دارد تا با اخراج نماینده رانندگان اعتصابی جلوی هرگونه حرکت اعتراضی آنان را بگیرد.

رانندگان مبارز شرکت واحد، با تمام قوا و متحدان را اخراج نماینده خود طبقوگیری کنید!

مبارزه کارگران در شرکت ساختمانی "خانه کستر" ایرانشهر

رژیم کم‌کم که برای انتقال فشار حرسان اقتصادی موجود بر دوش کارگران و زحمتکشان، از هیچ اقدامی کوتاهی نمی‌کند، هرگونه فریاد حق طلبی و اعتراض کارگران را سرکوب و حشیا به پا می‌کند. از جمله برای حذف کردن مسازرات کارگران شرکت ساختمانی خانه کستر ایرانشهر که تحت شرایط وحشیانه‌ای استخراش شده و خواهان بکسری خواسته‌های رفاهی (استخدام دائمی، افزایش دستمزد، شرایط آسنی کار و...) می‌باشند، رژیم دوتن از مزدوران خود را بعنوان رئیس کارگاه و کارگاه‌اشته است تا هر حرکتی را با توسل به بیاباداران در نطفه سرکوب سازند. اما همچنان که ما بهت خدمت‌مندی ای که روز بروز برای توده‌های وسیعتری افشا می‌گردد، نبرنگها پیش می‌زنند و می‌شنوند کارگران مسازرات شرکت بی به ما بهت مزدوران برده و خواهان اخراج آنها می‌گردند.

همچنین کارگران خواهان بازگشت بکار نماینده‌گان و کارگران مسازرات اخراج شده توسط مزدوران رژیم می‌باشند. آنها در می‌باشند که تنها در سایه اتحاد و همبستگی خود خواهند توانست مسازرات خویش را به نتیجه برسانند و در این راه حمایت سا بکارگران و توده‌های زحمتکش بخصوص در ایرانشهر بسیار تعیین کننده است

حداقل دستمزد بر اساس "آمار رسمی رژیم"

چقدر باید باشد؟

رانده است. شناخت راهها و وسایل رژیم و طبعه سرما به دار برای حمله به سطح زندگی و معیشت کارگران و زحمتکشان و مقدار کاهش سطح زندگی کارگران از این طریق، به ما اجازه می‌دهد تا با اینکه به واسطه تغییر قابل انکار، اهداف خود را در مبارزه‌ان که برای افزایش دستمزد در پیش رود، رژیم بطور روشنتر و مشخص تری تعریف کرده و شناختن وسایلی که آگاهی و آمادگی بیشتری به استقبال این مبارزه برویم.

اشکال مختلف پائین آمدن سطح زندگی کارگران!

۱- گران شدن روزافزون کالاها و وسایل زندگی؛ حتی اگر اعدای خود رژیم و ارگانهای آن را ملاک قرار دهیم، با سرآمار بانک مرکزی ایران درده ماهه اول سال ۱۳۵۹ شرح شورم در عقبه در صفحه ۴

بحران سیستم سرما به داری وابسته ایران بیش از پیش تشدید می‌شود و رژیم جمهوری اسلامی ایران نیز هر روز بیش از پیش می‌کوشد تا با این بحران را بر دوش کارگران و زحمتکشان ایران خراب کند و به بیخای فقر و فلاکت، در سدری و آوارگی، بی‌مباری و گرسنگی کارگران و زحمتکشان سرما به داری وابسته ایران را حط و بحرمان نظام را به نفع سرما به داری و امیربالیستها حل نماید.

در اسطابق با جنس سیاسی، در طی یکسال گذشته نیز همچون سال ۵۸ کارگران ما شاهد پائین آمدن روزافزون سطح زندگی خود بوده‌اند. اجازه دهید سیستم رژیم جمهوری اسلامی ایران که از بلندگوهای تبلیغاتی شب و روز، حمایت خود را "مستضعفین" را تبلیغ میکند، چگونه و از چه طریقی به سطح زندگی کارگران حمله کرده و آنرا به سطح بمبارت با زلزلگی

گشتار کارگران پیکار سندیچ توسط پاسداران سرمایه

تعدد گرسنگی می‌شوند که حال دوتنشان و حجب است. مزدوران رژیم در توجبه جناس و حشیا به خود ما ننده همیشه کارگران بیکار را "فدای انقلاب" و وابسته به گروههای سیاسی خوانندند. اما با نظر وحشت از چشم مردم، سعی در پاک کردن این لکه ننگ از دامنشان کرده و مجلس طرحی در مجلس "جهاد سازی" گذاشته و اعلام میکنند که مقصد بکنند که شده که آنهم سوسپله "فدای انقلاب" بوده است! اما این جنابیت رژیم همچون اغلب جنابیت متعددی که تا کنون مرتکب گشته و در نزد توده‌ها افشا گردیده و تلاتنهای مذسوحانه رژیم برای عوام مغربسی بخصوص در میان خلق رزمیده کزد که بیش از دو سال سابقه مبارزه رودر روسا مزدوران سرکوبگوش را دارند، بی نتیجه ماند.

کرامی با دبا دشمنای کارگران!

بیکار و دیگر جبهه کربه و فداکاری رژیم جمهوری اسلامی، با سرکوب و حشیا به کارگران بیکار سندیچ، عربان ترکیه دیده در شرایطی که بحران عمیق اقتصادی، توده‌های زحمتکش جامعه ما را بیش از پیش به فقر و سه روزی می‌کشانند و در شرایطی که رژیم سرما به داری حاکم با ولخرجی‌هایش (که یک نمونه آنرا در هردادن ۴۰۰ میلیون تومان برای خرید سلاح شخصی مشاهده می‌کنیم)، ضربه‌ان کارگران و زحمتکشان را صرف برگردن حجب سرما به داران داخلی و خارجی کرده و وسایل لازم را برای سرکوب مسازرات توده‌ها خریداری می‌نماید، اجتماع کارگران بیکار سندیچ و خانواده‌هایشان که روز ۲۵/۶۰ در محل "جهاد سازی" شکل گرفته بود و در شرایطی که کارگران خواهان کار بودند، با رگبار گلوله افراد مسلح جهاد سبیا به داران مواجه می‌شود. در نتیجه ۳ کارگر زحمتکش شهید و ۹

پیش سوی ایجاد حزب طبقه کارگر



بقیه از صفحه ۳ حداقل

ایران بطور متوسط ۲۲٪ بوده است. نرخ تورم در تمام طول سال و بخصوص پس از شروع جنگ با بین سرما به دوران ایران و عراق، بطور مداوم افزایش پیدا کرده است. بطوری که این نرخ که در ماه فروردین ۱۳۵۹ نسبت به فروردین سال ۱۳۵۸، ۱۲۰٪ بوده در دیماه سال ۵۹ نسبت به دیماه سال قبل به ۲۵٪ رسیده و در حالی که متوسط نرخ تورم در شش ماه اول سال نسبت به مدت مشابه در سال ۵۸، نزدیک به ۲۰/۵٪ بود. در چهار ماهه مهر تا دی - یعنی پس از شروع جنگ - بطور متوسط به ۲۵٪ ترقی کرد. با توجه به اینکه در ماههای بهمن و اسفند نیز ما شاهد افزایش سرما و افزایش قیمتها به نسبتی حتی بیش از گذشته بودیم میتوان با تکیه بر آمارهای خود رژیم و بانک مرکزی آن نرخ تورم را در سال ۵۹ بیش از ۲۵٪ حساب کرد. یعنی در سال گذشته حداقل ۲۵٪ بر قیمت کالاها و وسایل زندگی افزوده شده است. بنابراین حتی اگر ایستادگیتان را در نظر بگیریم که افزایش واقعی قیمتها بسیار بیشتر از آنچه رژیم و بانکها آن ادعا میکنند بوده است و با توجه به اینکه در طی یکسال گذشته حتی پیش از برداشتن ماکارون و زحمات ایران افزوده نشده است. میتوان نتیجه گرفت که در طی سال گذشته حداقل ۲۵٪ از درآمد کارگران و در نتیجه از سطح زندگی آنان کاسته شده است.

۲- حذف سود ویژه: شورای انقلاب جمهوری اسلامی در تیرماه ۵۹ قانونی را که بنا بر آن قسمتی از دستمزدها کارگران تحت عنوان "سهم شدن کارگران در سود ویژه کارخانجات" بدان پرداخت میشده با اصطلاح ظاهری نامیدن این قانون لغو کرد و بر وزن جنگ که دست رژیم برای سرکوب و عوام فریبی بیشتر با زکرونیز کمبود آگاهی و تشکل کارگران و فعالیت ناگامی کمیونیتها، به رژیم کمک کرد تا این توطئه ننگین و ضدکاری را به مرحله اجرا بگذارد. و بدین ترتیب به انداز دوم دستمزدهای کارگران از درآمد آنان بزدود. از این طریق نیز حداقل به مقدار ۱۶/۵٪ دستمزدهای از دستمزدهای واقعی کارگران که مشمول قانون پرداخت سود ویژه میشدند کاسته شد. با در نظر گرفتن اینکه تمامی کارگران مشمول قانون فوق الذکر نمیشدند و نیز با توجه به اینکه دستمزدهای رسمی بعضی از دستمزدهای واقعی کارگران است، میتوان تخمین زد که با اجرای تصویب نامه شورای به اصطلاح انقلاب، قریب ۱۰٪ از دستمزدهای واقعی کارگران و بنا بر این قریب ۱۰٪ از سطح زندگی کارگران کاسته شده است.

۳- افزایش بیگاری: بیگاری نیز در طی یکسال گذشته بیش از پیش افزایش یافته است و

بخصوص با شروع جنگ پس از زمیهای سرما به داری و فساد نظامی ایران و عراق، اسلحه ها و بمبها را به سرعت و وسعت گرفت بطوری که مقاصد رژیم و از جمله نخست و زرو و وزیر کار آن سبب مجبور به اعتراف به ایجاد وسیع بیگاری شدند و محسوس شدند. بدین ترتیب که تا قبل از آغاز جنگ حداقل ۵۰۰ هزار نفر بوده اند که هیچگونه درآمدی نداشته اند و این تعداد در سال جنگ نیز به مراتب افزایش یافته است و این در حالی بود که حتی در روزهای و مسایع و استهلاک رژیم با بیگاری را بسیار بیش از این ارزیابی میکردند و مثلا روزنامه که بیان تعداد بیگاران را بیش از ۳ میلیون نفر اعلام کرده بود. ۹۰٪ بیگاری آنچنان بود که مقاصد رژیم را وادار کرد تا اعتراف کنند که بیگاری آتش زبرخا کثرت است و برای جلوگیری از شعله ور شدن آتش و سرور بیگاری شکل اعصاب و ذهن و تطاهرات بدست و یا افتادند. از آنجا که در ایران هیچگونه بیمه بیگاری و هیچگونه تا مینی برای زندگی بیگاران وجود ندارد، روشن است که خرج کارگران و زحماتشان بیگاری بوسیله کمی جزو خواران و برادران ناغل آنان تا مین نمیشود و بنا بر این اگر در ابتدای سال ۵۹ خرج کلیه کارگران و زحماتشان ایران بوسیله مثلا ۴ میلیون کارگر و زحماتشان تا مین میشد و در استهای سال خرج همان مقدار از کارگران و زحماتشان تنها بوسیله ۳ میلیون نفر و آنان می باست تا مین گردد.

۴- اگر تعداد بیش از ۱ میلیون آوارهننگی را در نظر بگیریم و اگر به زود وسیع بیگاری بخصوص در اثر جنگ بین سرما به دوران توجه کنیم - توانیم در نظر آوریم که در سال گذشته از این راه نیز سطح زندگی کارگران به چه مقدار رسد و این کا هت با فته است.

۵- جمع آوری کمک برای جنگ سرما به داران: رژیم همچنین در حالی که میلیاردها تومان خرج خرید سلاح و نیروهای سرکوبگرش میکنند با جنگ و سرکوب انقلاب کارگران و زحماتشان را به پیش برده، به بهانه جنگ و وجود آوارگان جنگی تشره گدا شش را در هر کارخانها و سرسره کوی و سرزنی پهن نمود تا از این طریق نیز بخشی از دستمزدها کارگران و زحماتشان را بزدود.

۶- سرمنظرات کمکیهای حسی و بولی ای که رژیم از طریق مساجد، مدارس و... در محلات کارگری جمع آوری نمود، در کارخانجات نیز تا حد آن بودیم که رژیم با احیای عوام فریبی، ممالک چند روز - حداقل یک یا دو روز در ماه - از دستمزدهای کارگران را برای با اصطلاح کمک به آوارگان جنگی و رختن به سایرین رنگارنگ گستر نمود و از این طریق نیز چند درصد از دستمزدها کارگران را کاسته داد.

۷- کاهش یا حذف قسمتهای دیگر: از دستمزدها کارگران: رژیم همچنین به بهانه جنگ، محاربه اقتصادی و... در طی یکسال گذشته و بخصوص پس از شروع جنگ، بخشهایی از دستمزدهای غیر رسمی کارگران را که بشکل اضافه کاری،

حق سبک، حق خوار و رواری و... و بطور کلی شکل مزایا بدانان پرداخت شدند، حذف نمود و با کاهش داد. در بسیاری از کارخانجات و مسایع، مزدها کاهش کارگران را بر حساب سود و منافع، به کاری را که به کارگران در کارخانجات داده میشود، حذف نمود و با از مقدار آن کم کرد. قسمتی از دستمزدها که معمول با دانش و سعی به کارگران پرداخت میشد حذف کرد و مدعی شد که آنها را همراه با اصطلاح سود ویژه برداشت نموده است و... بدین ترتیب از این طریق نیز دستمزدهای واقعی کارگران و در نتیجه سطح زندگی آنان به مقدار چند درصد کاهش یافت.

از افزایشات منحص و عمده قابل انکار حقوق در مورد افزایش دستمزدها کارگران و مقدار آن چه نتایج اولیه ای مسوان گرفت؟

اگر تنها موارد اول و دوم یعنی تورم و حذف سود ویژه را در نظر بگیریم تا حده میگویم برای حیران کا هت سطح زندگی کارگران مبنایست حداقل ۲۵٪ سردر آمدود دستمزدهای واقعی کارگران افزوده شود تا سطح زندگی کارگران در سطح اسنادی سال ۵۹ تثبیت شود.

سلاوه اگر تثبیت سطح زندگی کارگران در تمامی طول سال ۶۰ را در مدنظر قرار دهیم و نخواهیم حداقل دستمزدها طوری تعیین کنیم که سطح زندگی کارگران در طول سال ۶۰ کاهش پیدا نکند. ما بدینخواهیم تا با توجه به بالا رفتن روزافزون قیمت کالاها و خدمات مورد نیاز کارگران و زحماتشان، با برداشتن ماکارون در مراحل گوناگون مدت و حداقل ۳ ماهه ۳ ماهه بر اساس نرخ تورم افزایش با سود در همین اسنادی سال مقدار دیگری برداشته شود و کارگران افزوده شود تا این مقدار افزایش دستمزدها، بطور متوسط با شیب آمدن سطح زندگی کارگران را بر اثر بالا رفتن قیمتها خنثی کند. در صورتی که همان مقدار روچگونگی افزایش قیمتها در سال ۵۹ را در نظر بگیریم - که اگر نرخ تورم در سال ۶۰ کمتر نشد، مطمئنا بیشتر نخواهد بود. در این صورت تا ما را تا یک مرکز رژیمشان میدهد که سطح قیمتها در اردیبهشت ۱۰٪، در تیر ۲۲٪، در مهر ۵٪، در دی ۱۳٪ و در اسفند قریب ۲۱٪ نسبت به سطح قیمتها فروردین افزایش پیدا کرده است. که اگر متوسط این افزایشها را حساب کنیم، نتیجه میشود که مبنایست حدود ۲۷/۵٪ دیگر دستمزدها افزوده شود تا سطح معیشت کارگران در طی سال ۶۰ ثابت بماند.

به این ترتیب و تنها بر اساس آمارها و آنچه خود رژیم میگوید و تا نکه سروا قیمت غیر قابل انکار موجود، مبنایست حداقل شش از ۲۲/۵٪ دستمزدهای واقعی کارگران - یعنی به مجموع دستمزدهای و ثابت روزانه اصطلاح مزایای مختلفی که تحت عنوان منصرف به کارگران پرداخت میشود - افزوده گردید تا سطح زندگی آنان ثابت بماند. اس مقدار

خلق ها و مسئله ملی



بسم زهرا چرخ اندازشهادت میرسد. (از اطلاعیه شماره ۳ کومله)
بدنبال این درگیریها که بدون تردید موجب خوشحالی فراوان رژیم جمهوری اسلامی و دشمنان خلق گردیده است، نشستی با شرکت نمایندگان کومله و حزب دمکرات، ما موستسا و سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) انجام گرفت. جهت آتش بس و خامه درگیری توافق نامه چهار ماده ای به امضای طرفین درگمرونا طرفین درجلسه رسیدن کامل توافق نامه مذکور رسد شرح زیر است:

گسترش توطئه های حزب دمکرات، تعرض انقلابی پیشمرگان کومله و توافق برای آتش بس

بدنبال درگیری تا صاف آواز خیربین حزب دمکرات و کومله، نشستی بین نمایندگان حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) درنا ریخ ۲۰/۲/۴۰ عویا نظارت نمایندگان ما موستسا شیخ عزالدین حسینی و نمایندگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) انجام پذیرفت و موارد زیر مورد توافق قرار گرفت که بدینوسیله به آگاهی عموم میرسد:

- ۱- از ساعت ۲۳ روز ۲۰/۲/۴۰ به درگیری بین پیشمرگان حزب دمکرات و کومله خامه داده میشود و آتش بس اعلام میگردد. طرفین از پیشمرگان میخواهند که آنرا دقیقاً مراعات کنند
- ۲- طرفین موافقت کرده اند که دستگیرشدگان و اسرا را بکدیگر طرف ۴۸ ساعت زیر نظر یک هیات مشترک چهار جانبه مساعده نمایند.
- ۳- طرفین بر روی لزوم رعایت آزادیهای دمکراتیک و عدم تعرض نظامی بیکدیگر تاکید میورزند و برای تضمین آن میکوشند.

در همین حال طرفین اعتقاد خود را مبنی بر اینکه با پیدا اختلافات تنان را بشیوه سیاسی و مسئولانه حل کنند اعلام میدارند و از همه مسئولان اعضا و هواداران خود میخواهند که از چهار چوب سیاسی تبلیحی حزب و سازمان مربوطه خود خارج نشوند.

- ۴- طرفین علاقه خود را به مذاکره در سطح رهبری بین حزب دمکرات و کومله برای حل مشکلات احتمالی سیاسی و تبادل نظرهای سیاسی و همچنین مذاکره در سطح ناحیه ها در محله و خود اعلام میدارند.

در پایان طرفین از کوششهای دفتر ما موستسا شیخ عزالدین حسینی و سازمان چریکهای فدائی در جهت برگزاری این جلسه و رسیدن به نتایجات موفق قدر دانی مینمایند.

- ۱- نماینده حزب دمکرات کردستان ایران.
- ۲- نماینده دفتر ما موستسا شیخ عزالدین حسینی (ناظر)
- ۳- نماینده سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله)
- ۴- نماینده سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (ناظر)

۱۳۴۰/۲/۹

پیشمرگان کومله اعلام داشتند.
۳- یک مینی بوس و یک کفپوشی از افراد مسلح حزب که میخواهند بنده محل درگیری نفوذ کنند به کمین پیشمرگان ما افتادند طی این درگیری ۲۳ تن از افراد دستگیر و خلق سلاح و ۳ تن کشته شدند.

۴- یک مقر حزب در دهات اطراف توسط پیشمرگان ما خلق سلاح شد.

۶۰/۲/۴۰ - همزمان با مذاکراتی که با دخالت دفتر ما موستسا شیخ عزالدین حسینی و سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) جهت برقراری آتش بس در جریان بود، حزب دمکرات توافق طرفین را زیر پا گذاشته و با توبیخ روستای حاجی آلی آکندرا مورد هدف قرار میدهد که در اثر آن حداقل یک خانه ویران و زنی حامله

بس از حمله عوامل حزب دمکرات (۸) برای خلق سلاح پیشمرگان انقلابی کومله در رور ۶۰/۲/۵ به روستای قم قلعه در اطراف مهنااد حزب دمکرات که در اجرای توطئه های خود - شکست مواجه بود، حملات خود به پیشمرگان کومله را گسترش داد و با ردگری طی اقدامات جنابکارانه ای دوتن از پیشمرگان کومله را شهادت رسانید. سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران (کومله) طی اطلاعیه هایی، و تالیف روسا های اطراف مهنااد و توطئه های حزب دمکرات را به اطلاع خلق رزمنده کرد و خلقهای سراسر ایران رسانده است. خساری که ملاحظه میکنید از اطلاعیه های کومله نقل شده است:

۶۰/۲/۶ - روستای عیسی کند: "افراد مسلح حزب دمکرات یکی از پیشمرگان کومله بسم کاک "یوسف حسینی" را که بدون سلاح و سه شهادتی از روستای عیسی کند عبور میکرد سر کرده و پس از اسارت در شهادت با حواش بردی و قساوت او را بشهادت رسانده است." (اطلاعیه شماره ۲)

۶۰/۲/۷ - روستاهای اطراف مهنااد: کومله - مهنااد طی اطلاعیه ای ستا ریخ ۶۰/۲/۷ درگیری های روسا های اطراف مهنااد را چنین توصیف کرده است:

۱- حمله حزب به مقرهای مادر دور روستای اطراف مهنااد دفاع قهرمانانه پیشمرگان ما خنثی شد.

۲- خمپاره باران سگهای مادر اطراف روستاهای مزبور از طرف حزب آغاز شد و چون نتیجه ای نخبید، حزب اهالی یکی از دهات مزبور را تهدید به خمپاره باران نمود. اهالی این روستا قهرمانانه در برابر سراسر تهدید ایستادگی کرده و حاضر به ترک ده خود نشدند و پشتبسی کامل خود را را مقاومت و مبارزه

۳ - مشروح جریان حمله عمال حزب در یکبار ۱۵۴ درج شده است.



حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

پسبانه از صفحه ۲ سر مقاله ...

"قانونی" فعالیت رفرمیستی و فدا نقلی آنان را تا مین نماید. این تا کتیک، به رژیم اجازه میدهد که موزرانه و با کیندن بردهای از دمکراسی دروغین سرچهره گریه سرکوب، اخناق و تروریسم خویش ذهن توده ها را نسبت به خود آشفته سازد. رژیم در این بیانه آشکارا کسان را که به مبارزه طبقاتی و منافع کارگران و زحمتکشان پشت کرده اند مروت میکند تا با دفاع از قانونیست و مشروعیت رژیم، از "بهشت سرینی" که بورژوازی حاکم وعده میدهد، استفاده نمایند. بورژوازی در این بیانه برای اولین بار، بشکل رسمی نوکران و کسان را به عنوان خویش را بر سر "سفره" خویش فرا میخواند. اما این یکمانند است سیاست است رویه دیگر که این سیاست، همان سیاست معروف "چماق" است؛ چماقی که رژیم در برابر جنبش خلق و نیروهای انقلابی و کمونیست بلند میکند. آن چیزی که جناح مسلط رژیم حاکم، یعنی جناح "حزبی"، از چماق افاده میکند، تنها به تمسیر لبرها از این عبارت یعنی سرکوب از طریق "تندهای قانونی" یعنی ارتش و پلیس و... محدود نمیشود، بلکه همچنین باندهای سیاه تزرورده های ظاهرا خودمختار و مسلح تروریستی را نیز در بر میگیرد. درست به همین دلیل است که می بینیم در کناره های سیاست "نان شیرینی" و فریادهای "قانون طلسمی رژیم، فعالیت سازمان یافته دسته ها و باندهای ارتجاعی تروریستی نیست شدت میگیرد. عناصر مبارز و انقلابی تروریستی شوند و در میان آنها بمب و نارنجک پرتاب می شود. سیاست واقعی رژیم جمهوری اسلامی چنین است.

هفته های اخیر بویژه روز اول ماه مه و حوادث واقعه در آن، نظا هر روشن این سیاست رژیم بود. در این روز رژیم با دادن آزادی اجرای میتینگ به رویزیونیست های طاش حزب توده و "اکثریت" برای اولین بار، اتحاد رسمی خویش را با آنها و به بیان دقیق تر اتحاد رسمی دوستان دروغین انقلاب و طبقه کارگر، یعنی رویزیونیست ها را با بورژوازی حاکم، عربان و برجسته نمود. رژیم میکوشد تا با چنین نمایشی اول چنین جلوه گر سازد که با صلاح طرفدار دمکراسی است و تا نیا در برابر طبقه نیروهای انقلابی و جنبش کمونیستی، طبق رویزیونیستی را علم نماید و حمایت آنان را که با صلاح تحت نام ما رکسیم - لنشینیم فعالیت میکنند، ما در واقع به آنان خیانت میورزند، به وسیله ای جهت کسب اعتبار حکومت خویش تبدیل نماید. از طرف دیگر، رژیم در کنار حمایت از رویزیونیست های فدا نقلی به مقابله با جنبش حرکت مستقل و مشترک سازمان ما و سازمان چریکهای فدائی خلق پرداخت و پس از تبلیغات و تهدیدات فراوان در روزهای قبل از آن در روز موعود، نیروی وسیعی را - از دسته های مسلح رسمی خود گرفته تا باندهای سیاه و دسته های فالتز - بسیج و در محل اجرای

نظا هرات فوق، متمرکز نمود. فصل از آن نیرو مزدوران رژیم، با فعالیت های تروریستی خود در تهران و شمال بصورت پرتاب نارنجک و سه راهی به میان صفوف تظا هرکنندگان سازمان ما و سازمان ما هدین، این جنبه از سیاست خود را بروشنی نشان داده بودند. در طی این مدت رژیم جمهوری اسلامی، با تبلیغات وسیعی برای سیاست خویش پای می - فشا رد و فریبکاران آنرا است با "آب حیات" برای زنده کردن آزادی ها و فعالیت های دمکراتیک جلوه گر میسازد. رژیم می کوشد، تا در پس امتیازات و خرده آزادیهای محدودی که به دوستان دشمن نمای خود، یعنی رویزیونیست ها میدهد خویش را مدافع آزادی های دمکراتیک جلوه گر سازد تا در پس آن، ما نیستی - ترین شیوه های سرکوب و ادرحق توده های مردم و نیروهای انقلابی و کمونیست اعمال نماید. رژیم این سیاست خویش را گام بطور تلویحی و از زبان سخنگویان "واقع بین" خویش و گناه آشکارا از زبان سخنگویان مریخ اللهم و در عین حال نادان خویش بازگو میکند.

البته این سیاست رژیم، همچنین برجذب و با خنثی کردن نیروهای متزلزل نیز نظارت دارد. بطور مثال در روزهای اخیر رژیم و ارگان های تبلیغاتی اش شدت میکوشد که تا در کنار فرود آمدن "چماق"، زبان فریب را هم در برابر مجاهدین از دست ندهند. بسیاری از روزنامه های "مکتبی" رژیم، هم اکنون به عرصه "تمایش بدرانه" و با صلاح دلسوزانه رژیم به هوا داران "مادق" و "آزاد اندیش" این سازمان و حتی گاه

بیماری و مرگ، سرنوشت آوارگان در رژیم جمهوری اسلامی

در تاریخ ۶۰/۲/۲ - دختر دوازده ساله ای از آوارگان مستقر در "نوشتر" به علت عقرب زدگی در بیمارستان جان سپرد و بدین ترتیب سرگسی دیگر سرگران نامه ننگین رژیم فد خلقی جمهوری اسلامی آفانند.

هم اکنون بیمارستان "سوانح" نوشتر مملو از آوارگانی است که به علت بیماریهای حصبه و اسهال و استفراغ و ما روعقرب زدگی در آنجا بستری شده اند. آوارگان زحمتکش در اعتراض به شرایط غیرقابل زندگی، جلوی استا نسداری اجتماع کرده و با شمار "آزاد دینی" غذائی فریاد - مان بلند است "مسئولین رژیم را آفنا کردند اما مسئولین مزدور با عوام فریبی تمام این معاشب را به حساب اوضاع بد طبیعی گذاشته و از دادن هرگونه کمک خودداری میکنند.

سبازره بر طبقه ما شجنگ ارتجاعی را به اهرمی برای گسترش انقلاب تبدیل کنیم!

رهبران آن تبدیل شده است آنها ضمن حملات شدید به سازمان ما هدین و ترساندن آنها از نزدیکی به کمونیست ها، بزعم خود میکوشند تا جوانه های تزلزل را در آنها با رورما زند و حداقل آنان را به یک نیروی ضروری سیاسی تبدیل نمایند. و این در حالی است که در خیابان و در عرصه واقعی زندگی و مبارزه سرکوب رادرمه اشکال و حمله ها پیش بر آن، همچون دیگر نیروهای انقلابی اعمال میکنند.

بدین ترتیب رژیم جمهوری اسلامی، اکنون مجبور است که تا با بهره گیری از تظا هر و دیوبند بورژوازی در طی سالهای سیاه حاکمیت ضد انقلابی خود تا مدتها شراطی و فرعی را در عرصه مبارزه سیاسی بکار نندارد. او اکنون سسون پنجم خویش را در درون حش کارگری بمشابه نیروی ذخیره مریخی رژیم در مبارزه فدا نقلی - اش، به خدمت گرفته است. او اکنون میکوشد تا رنگارهای توهم را از اذهان همه گسائی که هنوز از تمسیر آرایش واقعی نیروهای سیاسی در لحظه حاضر، خود را عا حرمی بینند، برداشد و خود بیست پیش سرروا قنی نیروها و با بگا ها واقعی نیروهای سیاسی را تمسیر نماید. دوستان واقعی خویش را که بطور کاذب در برابرش قرار داشتند، در کنار خویش تنها سد دشمنان واقعی خویش را برجسته نموده و در مرکز حملات سرکوب - گران خویش قرار دهد. سیاست جدید رژیم، به همان میزان که مریبند است، خطرناک نیز هست. رژیم این بار را با "قانون" به پیش آمده تا قانون شکنی واقعی خویش را از دیده ها پنهان سازد. رژیم اکنون میکوشد دستکش سفیدی بردست های خونین خود فرو گذارد تا حشونت چنگال - حال سرکوب خویش را در لظافت کاذب دمکراسی دروغینش پنهان سازد. رژیم در آینده و بر اساس این سیاست بدون شک فشا ر و خفان خویش را بر نیروهای آگاه و انقلابی و توده های مردم، فزونی خواهد بخشید. و هرندی حق طلبان را با خشونت پاسخ خواهد گفت. مبارزه توده ها و نیروهای آگاه را بیش از گذشته در معرض تعرض ضد انقلابی خویش قرار خواهد داد. دوبا لافره دسته های تروریستی باندهای سیاه را بیشتر و گسترده تر سازمان خواهد داد. دوستقا بلا به نیروهای خیانت گساری چون حزب توده و "اکثریت" پروبال خواهد داد تا با مشاطه گری خویش، چهره رژیم را تزشین نمایند. اما از هم اکنون روشن است که نه آن سرکوب و خفان و نه این جست و جویهای خیانت کارانه و فدا نقلی رویزیونیست ها هیچیک نخواهد توانست آن نظم مطلوب و قانونی رژیم را به جا مع با زگردا ندور و ندهد. عتلا مبارزه طبقاتی سیاسی توده ها را در حاصه جلو گیرد. لوزنی که بر بهر رژیم سیاسی و نظا ما قمتا دی - اجتماعی حاکم مسئولی شده است، از انفعارهای ذاتی و درونی جا معهای بر میخیزد که در آینده ای نه چندان دور تبدیل به زلزله های ویرانگر این نظم کهن تبدیل خواهد شد. واقصیت های جا معه، هر روز بیشتر صحت این نظر را عیان و آشکار میسازد.

اشغال فلسطین و ۳۳ سال مقاومت خلق

مهاجران که اغلب آنان در جنبش صهیونیستی نام -
نویسگر بوده‌اند، بران از انقلاب ۱۹۰۵ روسیه
عازم فلسطین شدند.

- از ۱۸۸۲ تا ۱۹۴۸ حدود ۲۵ هزار مهاجر
که عموماً از امریکای غربیه و صهیونیستهای آموزش -
دیده تشکیل شده‌اند، بی‌ار "عاده بالعمور" و
اشغال فلسطین توسط انگلیس عابین سرزمین
سرار بر شدند.

- از ۱۹۴۸ تا ۱۹۴۹ حدود ۸۲ هزار مهاجر
یهودی ارضیات متوسط لهستان در نتیجه
اوضاع نداشتن و بدلیل آنکه نمی‌توانستند
به امریکا مهاجرت کنند به فلسطین فرستادند.

- از ۱۹۴۸ تا ۱۹۴۸ حدود ۲۱۷ هزار مهاجر
که غالباً مسلمان متانل آزادسوده و از دست
ناربیهای آلمان فرار کرده بودند را هم فلسطین
دند.

- از ۱۹۴۹ تا ۱۹۴۵ یعنی طی جنگ جهانی
دوم حدود ۹۲ هزار مهاجر که عموماً از اعضای
جنبش صهیونیستی بودند از دست ناربیها به
فلسطین گریختند.

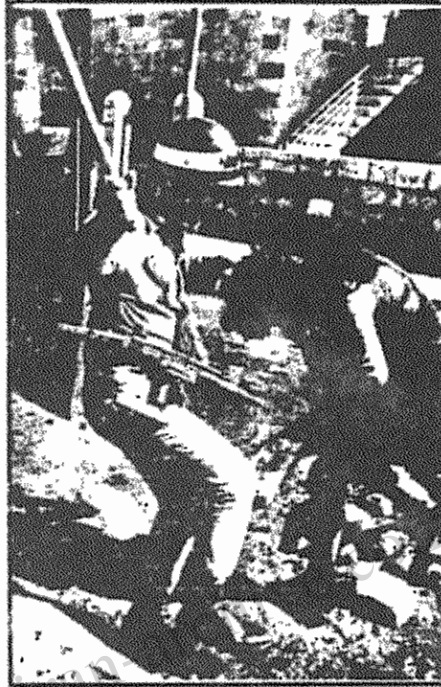
- و بالاخره طی ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۸ تعداد ۶۱
هزار یهودیه مهاجرتی فرود آمدند.

مقاومت فلسطینی هاد بر اثر طرجهای امپریالیستی
و صهیونیستی

از ابتدای بنا نه شدن طرح امپریالیستی
"بالعمور" (۱۹۱۷) که توسط آغا زینطونه هادی
وسیع دنگر بود، خلق فلسطین به مقاومت و
تیرسانا به خود ادا می‌دادند است، بر وجه بنا و
اس خلق سال ۱۹۴۸ که فلسطین اشغال شد
و صهیونیستها توانستند با پشتیبانی همه جانبه
انگلیس و امریکا و حمایت سران مرتجع کشورهای
عربی با اصطلاح دولت خود را برپا کنند به شرح
براست:

- اعتراض و مقاومت مسالمت آمیز علیه
"عاده بالعمور" و افتای هدفهای آن که حقوق
خلق فلسطین را در میهنش نادیده میگردانند
شبهه سازه چون به نتیجه نرسید شورشهای توده
- ای متعددی در سالهای ۱۹۲۰ و ۲۱ و ۲۴ و ۲۹
برپا شد.

- در ۱۹۳۰ به تشکیل کنگره‌های متعدد
وازنما سئگان کشورهای عربی و اسلامی
برداشته گالاهای صهیونیستی را تحریم نمودند
برای بیرون کشیدن رمنسهای عقب نشین از دست
یهودیان به تاحس شرکسی دست زدند. کنگره
حوانان عرب نیز طی یک منشور ملی اعلام کرد که
"میهن عربی یک کل تجزیه ناپذیر است و هر
کوششی برای تجزیه آن مردود میباید."



عربانوسی به فلسطین گسیل شده بودند.
فواصی مالکب اراضی به دفع صهیونیستها
بعبریا رفت و یهودان که در آنجا حدود ۲ دره
ارمجموع اراضی را در احسار ادا شدند حدود ۶
دره در مالک کشیدند. انگلیسها علاوه بر اراضی
امناز بهر برداری ارمناح طبیعی و نولد
اسرزی را به صهیونیستها واگذار کرده رستان
عربی را سردر کنار رربانهای عربی و انگلیسی
به رسمت شناختند.

مهاجرت صهیونیستها به فلسطین از ۱۸۸۲ تا
۱۹۴۸

یهودیان بر اساس تاریخی که حدود ۲ هزار
سال پیش و دوران موسی و اسادناهی طلمسان
بر مگره دریای خود در فلسطین "حق تاریخی"
ثائل اند و جنبش صهیونیستی با سنگ ترا
دادن اس با اصطلاح حق تاریخی، یهودان جهان
را که در بسیاری از کشورهای سموان یک اقلیت
مذهبی (و نه ملی) تحت فشار رژیمهای متوالی
وسرمایه داری سودبده مهاجرت به فلسطین
شروع کردند و از این رهگذر اجرای هدفهای
ممن شده در قالب مانع امپریالیسم جهانی
را منظور داشتند و بدین ترتیب:

- از سال ۱۸۸۲ تا ۱۹۰۳ بین ۲۰ تا ۳۰
هزار مهاجر روسیه تزاری به فلسطین رفتند
آنها در سال ۱۸۸۱ در معرض کشتارهای دسته -
جمعی فرار گرفته بودند.
- از ۱۹۰۴ تا ۱۹۱۴ حدود ۳۵ تا ۴۰ هزار

مهاجران ۱۵ ماهه (۲۵ اردیبهشت)
۳۳ سال از اشغال فلسطین در سال ۱۹۴۸ مگرد
حرکت صهیونیستی که خود را دها امپریالیسم جهانی
سودا مل احرای توطئه‌های علیه خلق فلسطین
و دیگر خلق های عرب ندکه امروز سرنا هداش -
امروزیها و حاسیهای آن علیه خلقهای منطقه
خا و رمانا به هستیم. تا کندهما بر میوند ما رراسی
و انقلابی مشترک بین خلقهای ایران و عرب
امری ساز دست و خلقهای قهرمان ایران و
سروهای کمونیستی و انقلابی آن همواره خود را
با خلق فلسطین در یک سنگردیده می شنند و تا
آخرین مرحله بروری بر امپریالیسم صهیونیسم
و ارتعاج داخلی دست در دست نگذگره مبارزه
ادا به خواهند داد.

رای آنکه خوانندگان بنگار، صوسی -
مفسری ارنحولاتی که هاشغال فلسطین احابده
را در دست داشته‌اند فرارهای زبر را از مده
یک تقویم حسی منشور از سوی صهیون خلق برای
آزادی فلسطین ترجمه کرده ایم که میخوانند:

تقسیم فلسطین

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ
۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ طی قطعنامه‌ای فلسطین را به
دولت عربی و "یهودی" و یک منطقه بین المللی
(که همان بیت المقدس باشد) تقسیم کرد. سر
اساس قطعنامه مزبور، "دولت عربی" ۵۲۲ شهرو
روستای عربی و ۲۲ مهاجرین صهیونیستی را
ثامل میشد در حالیکه "دولت یهودی" (که
صهیونیستها تنها ۱۰ درصد از اراضی آن را مالک
بودند) ۲۷۲ روستای عربی و ۱۸۲ مهاجرین
صهیونیستی را در بر میگرفت. بیت المقدس به
خاطرا همیشی با نظارت بین المللی قرار سود
اداره شود.

توطئه امپریالیستی - صهیونیستی علیه اعراب فلسطین

پس از آنکه وزیر خا رجه بریتانیا در سال
۱۹۱۷ اعلام کرد که کشور او در راه ایجاد یک "وطن"
برای "یهودان" خواهد گشود صهیونیستها همه
ابجاد "کشور صهیونیستی" را سردا دادند و شروع به
شده کشیدن جهت بیرون راندن اعراب از سرزمین
خودشان (فلسطین) نمودند تا بحای آنها یک
"وطن ملی" برای خود برپا سازند. صهیونیستها
مسای کار خود را بر اساس بنا نه قرار داد که مانده
اکثریت قاطع جمعیت در فلسطین اریهودیان
تشکیل شود و اس ترتیب بر اساس بیرون راندن
اعراب و تصرف اراضی آنان و اعمال فشار بر خدند
امضای علیه آنها را به مرحله اجرا در آوردند.
انگلیسها، امریکاییهای صهیونیستی را در
اس امر جاری میدادند. آنها که پیش از جنگ
جهانی اول امپریالیسم را بر مراطوری عثمانی
نده وجود تیموت پر فلسطین را سر عهد داشتند
در واردها را بر روی بورس صهیونیستها بار
کدا رند بطوریکه بعد از یهودان که در سال
۱۹۱۸ تحت نفوذ ۴۵ هزار یهودی مسرمدنا سال ۱۹۴۵
به ۵۵۴ هزار نفر بالغ گردید علاوه بر آنها
صهیونیستهای مهاجرتی نیز سودند که ارضی

در ۱۹۴۶ و بخصوص پس از مهاجرت ۱۵۰ هزار یهودی به فلسطین، فلسطینی ها به بزرگترین نژاد خود علیه صهیونیستها و اشغالگران انگلیسی دست زدند. این نژاد متوجه ای که مسلحاً به سود و عزالدس قمار رهبری آنرا داشت توسط انگلیسی ها سرکوب شد. سران دست نشانده کشور های عربی از مردم فلسطین میخواهند که سه طرح های رفتمستی و خا نشان آنها اقتصاد کرده دست از فعالیت انقلابی بردارند. ما هیت دهفانی جنبش فلسطین وضع شدیدی گسسه در رهبری آن وجود داشت تا شیران فرسنگاری ها را در بین توده ها دوچندان میکرد و جنبش را از تحقق پیروزی باز میداشت.

دول عربی تحت فشار توده های خود در سال ۱۹۴۷ با شرکت ۵۰۰ نفر کنفرانسی تشکیل دادند و مقاصدت در برابر طرح تقسیم فلسطین را نایب کرده و با بیان قیصومت برستانیا بر فلسطین، و ابطال "معاهده بالفور" و صدور قانونی جهت طمانعت از انتقال مالکیت اراضی اعراب به صهیونیستها را خواستار شدند.

توده ها که خواستهای خود را برآورده نمیدادند می شوریدند ولی امپریالیستهای انگلیسی و دست نشانگان آنها با انواع حیلها

سمی در حاکم موش کوبن مردمدا شدند. در حالیکه طرح اسکان صهیونیستها در فلسطین و مقدمات سیاسی "دولت اسرائیل" را سرعت دادند. اما سران فلسطینی ها دادند که حقوق ملی آنها "محفوظ" خواهد ماند در فلسطین آرامی منی برقرار شود.

با اسبابان جنگ مسلسل مهاجرت صهیونیستها به فلسطین دوسا ره وسطم ترا ریبیش شروع شد. دستگاه های تبلیغاتی صهیونیستها با کمک سرمایه داران و بانکداران صهیونیست در آمریکا و اروپا به کار افتادند و "ترومن" رئیس جمهور وقت آمریکا خواستار مهاجرت ۱۰۰ هزار "یهودی" به فلسطین گروید و از ژانویه ۱۹۴۸ - فلسطینی یهودی که به ما زمان ندهی مهاجرت یهودیان به فلسطین مشغول بود حمایت رسمی نمود.

دستهای تروریستی صهیونیستی متعمله سناهای "هاگاس"، "آراگون" و "اشرن" گسسه اولی تحت رهبری مناحیم بگین فعالیت میکرد در فلسطین تشکیل توده کشتارهای از بسوع "درباسین" اقدام کرد.

دستجات محلی صهیونیستی اسبوع حیایات را علیه خلق فلسطین سازمان دادند. آنها با توطئه مودنیاه انگلیسیها حتی وانمود میکردند که علیه انگلیسی ها مبارزه میسازند و

علاوه بر سرور حندا اسرائیلی و انجمن ریحی موسسات حکومتی انگلیسیها دست زدند.

تا سال ۱۹۴۸ اسرائیل برای جنگی تمام عیار در راه همگس. ارتشورهای عربی تحت فشار بوده ها ما ررس به فلسطین گسیل شد و فلسطینی ها را برای در بر روی طرفین حساب سسران مرتجع عرب که از توده ها میخواهند سسلها را بر زمین گذارند و راه خطهای سیاسی و مذاکرات بین المللی دل بستند به شکست اعراب اخراج کردند که ادعای بیست به فلسطین بنا دارند.

فلسطین به دو قسمت با مطلق یهودی و عربی تقسیم شد در بخش یهودی "دولت اسرائیل" گسسه پایگاه مقدم و ترینی امپریالیسم در منطقه است بر بنا شد و قسمت عربی به رژیم دست نشانده "اردن" داده شد. هم اکنون ۲۲ سال از آن تاریخ میگذرد ما رره خلق فلسطین تنها مل سسار بافتنه و همچنان راه درازی با بروزی کامل در پیش دارد. راهی که با کاهای اسوار و برجم خویش انقلاب دموکراتیک صدا میرساند فلسطینی بیستامین دیگر خطهای عرب به پیش مسرود انقلاب فلسطینی حزبی از انقلاب پرولتاریسای جهان است و حمایت از آن و طبعه کمونیستها و دیگر انقلابسون ایران مساند.

بقیه از صفحه ۴

افزایش تا آنجا که به دستمزدر رسمی و تا روزانه مربوط میشود. به معنای آن است که حداقل دستمزد کارگران سراسر معیشت خود رژیم که حداقل دستمزد در سال ۵۹ به میزان ۶۳۵ ریال تعیین کرد. دست کم باید به معسدار ۹۰۰ ریال در روز تعیین شود.

همچنانکه معلوم است در این معاسیه سسار بیگاری وسیع و روز افزون کارگران را در نظر گرفتیم چرا که معتقدیم هزینه زندگی بیگاران نباید توسط بوسیله کارگران و زحمتکشان تا غسل و از درآمدنا چیز آنان تا میس شود و کارگران و زحمتکشان می بایست برای تحمیل تا مین این هزینه با سرمایه داران و دولت سرمایه داری مبارزه کنند.

ما این مساله را که سرمایه داران از راههای گوناگون، با سیردا ختن دستمزد اضا فکساری با جمع آوری کمک و اعا سه و... از دستمزد کارگران میدزدند را در نظر گرفتیم چرا که معتقدیم کارگران میبایست در مقابل چنین کارهایی با ستمدوبه سرمایه داران احساره جنبش اجتماعی رانندند.

ما در نظر گرفتیم که رژیم سرمایه داری و طبقه سرمایه دار بطریق گوناگون شدت کسار کارگران را افزایش داده اند بر سعات کسار کارگران افزوده اند. آنان را به بیسایه کسار تحریم اقتضادی و... به افزایش تولید و ازار نموده اند و در مجموع شدت استثماری کارگران را از این طریق نیز افزایش داده اند.

ما در نظر گرفتیم که با لافش سطح زندگی کارگران و افزایش درآمد واقعی آنها به سسای

کاستن از سود سرمایه - حق مسلم طبیعی کارگران است. با اینکه ما از همه این موارد چشم پوشیدیم، مساسات ما نشان داد که برای ثابت نگه داشتن سطح زندگی کارگران در همان حدی که در ابتدای سال ۵۹ بود. حتی بر اساس ادعاها و آمار و ارقام رژیم، درآمد کارگران تا بدیش از ۴۲/۵٪ افزایش یافت و حداقل دستمزد در راه او با حداقل به مقدار ۹۰۰ ریال تعیین شود.

تا اینجا حرکت و مساسات ما سراسر ادعا های طبقه سرمایه دار و سسار مظر کردن از خواستها و مطالبات سرحق کارگران بوده است. طبیعی و روشن است که ما نمیتوانیم و سسای خود را در چهار چوبهایی که طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داری تعیین میکند محدود کنیم. ما سراسر لازم است که مساله افزایش دستمزد را از زاویه دیگری از زاویه مسافح و مصالح کارگران و زحمتکشان مورد بررسی قرار دهیم. برای تعیین دستمزد کارگران از اس زاویه، ما بدین سسار یک کارگر برای داشتن یک زندگی معمولی، برای آنکه جهت تا مین مسافح اسبوعه و فرزندان مشهوره تن دادن به اضا فکساری نماند، برای آنکه بتواند سسار سسای سسای حفظ خود و خانواده اش را سسار و گرما نسجه کند و... و سسار لایحه برای آنکه حداقل آسایش حال و سلامتی جسمی برای سسار زده علیه نظام سرمایه داری بر حوردا رماند، درآمد او محدود رماند، برای تعیین مقدار دستمزد سسار سسای فوق لازم است که احتیاجات کارگران و خانواده نمان را تعیین کرده و سسای این احتیاجات را مشخص کنیم. مادر شماره های سساره اس مساله سسار خواهد هم گسسه.

خاطره که مونیست نشینید، رفیق مصطفی آفریده گرامی بان



- ۱ - دانشوری انقلابی استثنای سسار سسار سسار
- ۲ - هوادار سسار سسار سسار
- ۳ - ادامه مبارزه در صفوف سازمان سسار سسار سسار
- ۴ - بدسرس ما رگسسه - سسار سسار سسار
- ۵ - سسار سسار سسار سسار
- ۶ - فعالیت در بخش کارگری سازمان و کسار سسار
- ۷ - سسار سسار سسار سسار
- ۸ - سسار سسار سسار سسار
- ۹ - سسار سسار سسار سسار
- ۱۰ - سسار سسار سسار سسار

اخبار مبارزات توده‌ها



تهاجم گسترده رژیم به
نیروهای کمونیست
و انقلابی در آمل
و مقاومت توده‌ها

رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی که از معالست گسترده نیروهای انقلابی و کمونیست در آمل به وحشت امتناع نموده و در جستجوی سبانه و فرصت سیاسی بوده تا سورش و حشابه‌های را علیه آنها سازمان دهد. عمال رژیم استاده کمک سورخمی - های احسن اسلامی و دیگر مزدوران، سگس از کتاخانه‌های "فادی محله" راه‌آهن کشنده و سپس این عمل را به دور ع به محاهدین نسبت می‌دهند و ما را بهیمائی در شهر و حمل بلاکارد - در مخالفت با آنها هدس و بیگانه رژیم حمله و اجرای هدف سلبد خود، یعنی سرکوت سروهای کمونیست و انقلابی، را می‌چند. در روز ۲۱/۲/۶۵ بدسال اعلام می‌کنی از سوی هواداران محاهدین در دبیرسان حسسی به مساست با لگند نهادت سنان گذاران سازمان محاهدین طبق اساداران سرمایه‌ار صرح محوطه دبیرسان را اشغال کرده‌اند تا مانع سرگراری مسسگ شود. همور بدنی از اجرای مراسم گذنده بود که حمله اساداران و عالانها شروع و با نرا تارای آنها درگیری و مقاومت از دبیرسان به سطح شهر کشیده شد. مزدوران رژیم، مردم محلات "اسه کلا"، "ها روی محله"، "جاگر" و "فادی محله" را مورد سورشهای وحسانه خود قرار دادند. هرچاکه سوره حواران رژیم‌های مسها دند، با مقاومت مردم و سروهای انقلابی و کمونیست روبرو شدند و با همت گره رژیم هرچه سشتر افشا مکنند، مردم حاضر در خیابانها و محلات با شعارهای "مرگ سراجا" و شویس انقلابی و شرکت همه جا به در مقاومت انقلابی، منت محکمی سردها ن رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی کوسند و نرا تارای های مداوم با ساداران رژیم نتوانستند از مقاومت سوده‌ای در شهر آمل جلوگیری درگرمیا در سعی محلات، از جمله "فادی محله" تا ساعت ۲/۳۵ بعد از نیمه شب ادامه دادند. در آمل - در روز همدین سهر در نرا تارای ساداران، رخمی و تعداد زیادی هم دستگیر شدند. در آمل - نپا چهار تن ع به سوده‌ها و سروهای انقلابی و کمونیست، همگاری فعال جانشین اکثریتی و سوده‌ای "ساراجتگر بود که از طرف سروهای انقلابی و کمونیست شدت مورد اعتناگری قرار گرفتند.

۶۵/۲/۲ - در آمل روز همدین وجوددها و دستگیرها ادامه دادند و تا آمدن با ساداران

دستگیری کارآموزان بیکار اصفهان توسط رژیم

مازند "حمینی و همراست" کار حق مسلم ما ست" را درسی کارآموزان تبلیغ کنند. در تاریخ ۶۵/۲/۱ از طرف تشکلات اصفهان سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر اعلامه - ای در افشای سنان اسناد را اصفهان سن کارآموزان بخش مشوه که در ویرسوسه‌های جاش سرخی از اعلامه‌ها راجع کرده و آسسی می‌رسند. همسطور در روز ۶۵/۲/۳ اعلامه دستگیری از طرف سازمان بیکار در افشای روزبوسنهای جاش "اکثریتی" بخش می‌گردد. در روز ۶۵/۲/۵ تعداد زیادی با سنان و پاسدار تبلیغ به کارآموزان حمله کرده و حدود ۵۵ نفر از آنان را دستگیر ساخته و به دبیرسان می‌برند. سازمان بیکار در راه آزادی سینه به طرف رسدان حرکت می‌کنند و مص دادن شعارهای سیاسی سر محکوم کردن دستگیری کارآموزان، در دبیرسان مردم به افشگری می‌بردارند. کارآموزان می‌توانند برای سشتر در برابر خود علاوه بر طرفدارش روبرو نیستند، دست به تبلیغ خواسته‌های خود در سنان دیگر کارآموزان رده و سوا جلب آنها به صفوف خود، متا وقت خود را در مقابل رژیم فاشیستی ادامه دهد.

کارآموزان بیکار اصفهان از ورودن ماه ۶۵ به سده روز در مقابل اسناداری اجتاح کرده و خواهان تحقق خواسته‌هایشان که عبارتست از بازگشت به کار و برپاداحت حقوق عشا استفاده خود، هستند. لازم به یادآوری است که حدود ۶۰۰۰ تن از بیکاران در سال ۵۸ با شعارهای که سر رژیم متا و رند موفق سشتر در مقابل اسها سده ۱۵۰۰ تومان به کارآموزی در ادارات مختلف مشمول شونده، اما در سنان ۵۹ رژیم تصمیم به اخراج کارآموزان گرفته و با سیرداحتن دو ماه حقوق آنها را اخراج می‌کنند. اسناداری اصفهان در اطلاعیه‌ها بی‌گفته که اس کارآموزان با سده کارهای نولسیدی حدت شوند. همطورا و ارکارهای نولسیدی همان طرحهای دوماه به ما هد است که بی‌ساربان عدب آن سازمان آس خواهد سوده و همان کاسه، یعنی سگاری! در اجساع کارآموزان در مقابل اسناداری روزبوسنهای جاش "توده‌ای" و اکثریتی" فعالیت داشته و در به سارخ کتا شدن کارآموزان نقش عمده‌ای دارند. این جاشن سعی می‌کنند جلوی هر شمار انقلابی را گرفته و شعارها را سیاسی

از حرکت‌های اعتراضی خانواده‌های زندانیان سیاسی باتمام قوا پشتیبانی نماییم

مردم سارزاهدان، سروهای انقلابی! صدای اعتراض رسدایان سیاسی انقلابی را که در حال اعتصاب غذا هستند، بگوس مردم سرمایه‌دار، از خواسته‌های آنها پشتیبانی ما شد و در هر کجا که سسید امجالیس جا نوا دگی، محلات، محل کار (....) حسابات رژیم را افشا ما شد. محلات فاشیستی مزدوران ارتجاع را به خانواده‌های زندانیان سیاسی اعتنا نموده و از خانواده‌های زندانیان حمایت ما شد. زندانیان سیاسی انقلابی، به همت سوده‌ها آزاد ما سیدگردد! کمیته دفاع از زندانیان سیاسی انقلابی - سسان و بلوچسان . ۱۳۴۵/۲/۱۲

برای چندمین بار زندانیان سیاسی انقلابی در زندانهای شهساخته دست به اعتصاب غذا زده - اند. آنها حواران رسیدگی به پرونده‌هایشان هستند. آنها حواران خاصه تنگنجه در رسدان هستند و بعد از شروع اعتصاب غذا، خانواده‌های زندانیان برای روشن شدن وضعیت فرزندانشان بطور مرتب به دادسرای مراجه می‌کنند. و بعد از چند روز رفتی که ارکارشان نتیجه‌ای نمی‌گیرند، محبور می‌شوند مثل خود را با مردم در میان بگذارند. آنها ما گرفتاری بلاکارد در دبیرسهای خود در "چهاررا جکم" زاهدان می‌ایستند که ما استقبال شدیم مردم روبرو - ما سسند که با استقبال شدیم مردم روبرو می‌شوند .

به استقبال جنبش او جگیرنده توده‌ها بشتابیم

جمهوری اسلامی و ارت حق رژیم آریا مهری نیزخواهدتوانست .
سراخام مواج برتلاطم انقلاب طبقه کارگر ، سیستم سرمایه داری وابسته جمهوری اسلامی را به گورخا هدسپرد و بربرانه های آن جمهوری دمکراتیک خلق و سپس سوسیالیسم را بنهد .
زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد پیکار توده ها سر علیه رژیم جمهوری اسلامی!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!
ما زمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار تشکیلات گیلان - ۱۳۴۰/۲/۸

رئیس سپاه پاسداران کرج : مشتی است نمونه خروار

رژیم اشروزها دریا ره سپاه پاسداران زیاد تعریف و تمجید میکند ، برنا مه های تلویزیونی و امکانات و وسیع تبلیغاتی سکوشنده جبهه ایین جلادان که در کردستان قتل عام میکنند و در تهران و شهرستانها کارگران ، زحمتکشان و کمونیستها و نیروهای انقلابی را به خون می کشند رنگ - آسزی نمایند . آبت الله خمینی میگوید "اگر سپاه نبود کشور نبود" ، بوخا منهای اما محمسه قسم می خورد که ایها ازفداکاری چنین و چنانند ولی مردم آگاه ما که به عملکرد این سپاه جهل و سرما به آشنائی کافی دارنند آن دروغها را کمتر باور میکنند . ما بارها این نهاد فدا انقلابی و سرکوبگر را چه در کشتارها چه در حمله به جمعیت و خانه های نیروهای انقلابی و چه در راهبها ساد های اخلاقی که بدان دچارند افشا کرده ایم اینک اطلاعات زسرا در مورد رئیس سپاه پاسداران منطقه کرج که یکی از رفقای هوادار برای مسافرت داده میآوردیم :

این شخص که عیادی نام دارد در دوره رژیم گذشته رئیس حسابداری کاخ شاه کفش وین بود و سلطنتاً خنثی اموال و دزدی سوسپله حسن راده صاحب کاخ را به بازکاخانه اخراج گردید . هم اکنون ولانده دلیل اینکه مسافر مکتبی و "طرفدار مستضعفین" (۱) بوده رئیس پاسداران منطقه کرج میباشد ، او در کنار اقدامات ضد - انقلابی خود اخراج فرمان ویران کردن آلتونکهای گرمدره را در گردوز حمتکشان این منطقه را آواره تروسی خانمان تر ساخت .

مردم میگویند که او در تاریخ پنجم اردیبهشت به کارخانه کفش وین مراجعه کرده و سندهای دزدی گذشته خود را سطل نمود و سش از ۲۰ هزار تومان "ظلمهای" خود را وصول کرده است .
در کشوری که مسلبا ردها دلار دوستی تقدیم آمریکا شیوا میشود و اسناد دروا بط خانانسه سران رژیمها امیریا لسمتها نابیده میگردند ، رئیس سپاه پاسداران چرا سندهای دزدی خود را سطل نکنند و با مطلق ظلمها بش را به حساب ببرد؟!

کشانیدن اعتصاب عدل ، دوشن از آنها را سه زندانیهای بندر عباس و زاهدان تصدیس میکند متعاقباً زندانمان سیاسی بند شهرمانی نیز در همستکی با اعتصاب بیون ، دست به اعتصاب غذا زده و از خواستهای سرحق آنها پشتمانی می - نما بند . رئیس زندان دیزل آباد (نوربان) و ما فورین شهرمانی به کمک پاسداران مسزور کوشیدند تا به طرق گوناگون انقلابیون در بند را به تسلیم بکشاند و چون موفق نمیشوند ، به ضرب و شتم اعتما بیون میبردند . زند حتی بکنسی از زندانیان عادی خود فروخته بنام "فریده ون سالاری" را به حان آنها انداخته و اسن مزدور به همکاری پاسداران ، انقلابیون را با لگد و سیلی بنا دنگ میگیرند . اما هیچک از اسن اعمال فحیصع نتوانسته است در عزم اسن اعتما بیون در بند خنثی وارد سازد ، در اثر ادها اعتما ، چند اسن از اعتما بیون به حالت اعتما داده و خنثی مرگ جانان را تهدید میکند ، رژیم همچان سه شکنجه و اعمال فشا روتضییحات بر انقلابیون در بند داده ، به مده و آنها هم به رژیم دلاورانده اسن .
به دفاع از خواستهای سرحق آنها سرخیزیم و حنا بیات رژیم را افشا سازیم .
زندانی سیاسی انقلابی به همت توده ها آزاد ما به گسرد!

تور به جرم فروش نشریه پیکار

عمر روز سه شنبه هنگامیکه رفقای هوادار در رویوی خیابان تفتی رشت مشغول فروش نشریه بودند . کمیته جی ها و پاسداران کلت بدست ما بیامد ، در این هنگام رفیق فروشنده ، نشریه را با شیبسن آورده و میدوید که پاسدار هم بدنمانش میبرد . در همین لحظات پای رفیق ما سر می خورد و پاسدار مزدور هم با کمال بشرمی اسلحه را طرف صورت رفیق ما میگرد و ما شرما می کشد و تیر صورت رفیق اما بت میکند . در همین موقع مردمی که آجا بودند پیکرا غشته بخون رفیق را برداشته که با اتومبیل به بیمارستان برسانند ، که پاسداران جنایتکار ما تهدید را نسنده را از اتومبیل پناه کرده و ما مع زماندن رفیق زخمی به بیمارستان میگردند ، که با لافزه ما فریسا د اعتراض بگیا رجه مردم محصور به عقب نشینی شدند . در سق زخمی هنگامیکه در اتومبیل نشسته بود سر روی تکه کاغذ سیگاری جمله ای نوشت :
"ارتجاع با ترور انقلابیون فقط گور حسود را میکند ."

ترور انقلابیون بحا طرف فروش نشریه بیانگر عجز و رویی جمهوری اسلامی است و ارتجاع به وضوح مرگ خود را می بیند و سه همین خاطر ها زنده است و در روز روشن دست به ترور پیکهای انقلاب میزند .
اما اگر رژیمها هشتا می توانست از طریق ترور و شکنجه زندان جلوی انقلاب را بگیرد ،

کمکی از شهرهای دیگر ، بورش و حشانه آنها به مردم و نیروهای انقلابی و کمونیست ، شدت یافت و شهر حالت خفغان پیدا کرده بود ، اما مقاومت همچنان ادا مدها شد .

۶۰/۲/۲ - پاسداران به غما با سها و محلات حمله کرده و چندین نفر را زخمی و دستگیر میکنند اوج حملات مزدوران رژیم در محلات "اسپه کلا" و "هارون محله" بود و متقابلا مقاومت توده ای هم بدنبالش ، کمونیستها از جمله هواداران سازمان ما ، با نصب بلاکاردهای افشاگرانه و پخش اطلاعیه و دادن رهنمود در جنگی پیشبرد مقاومت و سالا بردن روحیه مقاومت جویانسه مردم نقش بسزائی ایفا کرده و خود نیز شرکت فعالی در این مقاومت داشته ، مزدوران رژیم به هر تجمعی تیراندازی میکردند و در "هارون - محله" چندین تن از خاشین و جاسوسان رژیم بوسیله اهالی تشبیه شدند .

۶۰/۲/۲ - در پی تبلیغات وسیع انقلابیون و کمونیستها مبنی بر دعوت مردم به مقاومت "اکثریتی" های خاشن به تگایوفتا دندتا سا سپاشی علیه نیروهای انقلابی و کمونیست ، مردم را به تسلیم در مقابل ارتجاع بکشاند ، بهمین جهت به خانه های مردم "هارون محله" رفته و آنها را به یک میتینگ دعوت کردند .
هواداران سازمان پیکار نیز با تهیه سبسن بزرگنویسی شده و چسباندن آن به دیوارها ، توطئه "اکثریتی" ها را رسوا ساختند ، این میتینگ که با عده کمی و به همکاری پاسداران برگزار شده بود ، با دادن شمارهای افشاگرانه از سوی توده های انقلابی برهم خورد .

علیه حزب جمهوری ، علیه لبرالها ،
زنده باد پیکار توده ها!

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی انقلابی دیزل آباد (قهرمان شهر)

بدنبال شکنجه های فرزندان دلاور خلق که در سبها هجا لهای رژیم گرفتار هستند توسط دژخیمان جمهوری اسلامی ، اعتراضات و اعتصابات انقلابیون در بند هر روز بیش از پیش بالا گرفته و زندان به سنگری علیه رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی تبدیل شده است :

در روز ۶۰/۲/۲۸ تعدادی از زندانیان سیاسی انقلابی بندها انقلاب زندان دیزل آباد قهرمان شهر (گرمانشاه سابق) ، در اعتراض به انتقال چند زندانی سیاسی به بند اطفال ، بلاتکلیفی تعدادی از زندانیان هوادار ما همدین ، شکنجه و تلاق زندان انقلابیون در بند بدست پاسداران سرمایه ، تبعید زندانیان ، نامسا عدسودن وضع بهداشت ، غذا و ... ، دست به اعتصاب غذای خشک و خودداری از ملاقات زنده ، دژخیمان رژیم برای به شکست

هراس مهندس بازرگان از چیست؟

مهندس مهدی بازرگان برای پیگیری اصلاحات، برای احزاب "ناسون" و "گلوبال" ره بسکند آتسا "ناسون" مورد نظر این پیرلسیرال، جزقانئون سرما به داری است؟

با او حکمیری طوفان خشم توده ها و همزمان با اعتراضات سراسری خلقهای مبارزان علیه جنایات رژیم جمهوری اسلامی، لیسیرالهای خاش که میدانند علی رغم تهم توده ها نسبت به آنان، شعله های آتش خشم زحمتکشان که امروزه بیشتر متوجه حزب مرتجع جمهوری اسلامی است بناگزیر گردیدند آنان را نیز خواهد گرفت؛ نسبتوانند وحشت و درماندگی خود نسبت به آینده محتوم خویش را اینها سازند و بدست و با افتاده اند که "تا دیر نشده قاسون را احرا کنید"؛ قبل از انار رسیدن ننگه که بازرگان و همپالکی هایش عزای چه "قاسونی" را گرفته اند. بهتر است لکاهی گذرا به مقاله "مبارزه قانونی و مبارزه مسلحانه" نوشته مهدی بازرگان (مزارن چهارشنبه نهم اردیبهشت ۶۰) بسفکیم:

بازرگان در ابتدای مقاله اشاره ای به دوران رژیم ناه کرده و صحبت از دست زدن گروهها به مبارزه مسلحانه مینماید و علت آنرا چنین توضیح میدهد: "برای اینکه مبارزه با رولمانی بی خاصیت و از جهت غیرممکن درآمده بود و مبارزه مسلحانه تنها چاره منطقی آمد و رفتی گفته میشود که جلوی ابتکار را هم خواهد گرفت و خفه و ناسودنا می کنند چو با مماندند مگنفررا زیر شکنجه بکشند و بفرازیان مردم خواهند حوشید"؛ بازرگان از یکواغوس سحورد کسبه مبارزه با رولمانی در آنزمان غیرممکن بود والا او طرفدار پررئوس "استفاده" از مزایای قانونی بود که از "علیحضرت" گدائی اش را میگرد (گذشته سیاسی بازرگان و سزدها عاتش در دادگاه نظامی شاه با نگران حقیقت است) از سوی دیگر عا مدانه میگوید که از جمله گمانی که به مبارزین انقلابی میگفتند "ناسود خواهد شد" یکی هم بازرگان خاش بود. او و پیمان نمیکنند که هرگز خواهان تسمیر سیستم ارتحای حاکم و پنا شده شدن آن نسوده است و شکایتش از محمد رضا شاه جلالتنها اینست که چرا اجازه "مبارزه با رولمانی" به امثال بازرگان نداد و موجب شد توده های زحمتکش و روشنگران انقلابی بسوی مبارزه قهرآمیز روی آورند (که دور از خواست خوش خیالان به مبارزه بازرگان مبارزه انقلابی در جامعه ما حریان می یافت و یافت) که نه تنها رژیم شاه سرنگون شد بلکه منافع سرما به دارانی چسبون بازرگان نیز به خطر افتاد. این لیسیرال گسارت گشته میگوید: "... مبارزه با رولمانی مسوع باشد چنان محیطی، محیط ظلم و فساد است و ساین حرف، شیعنی جود راه آنچه که در حواسع سرما به داری امیرالیمتی نظیر فرمانده،

آمریکا و... جریان داردمیان میکند. او از خشم انقلابی توده ها به وحشت افتاده و به رولمانی "مکتبی" خود که فقط بسروجماق و سرکوب هستند "شیرینی" را در کمار "جماعتی" نمی پسندند "هتدار" شده که "تخریم و تعطیل مبارزه" (منظور مبارزه "پارلمانی" و "قانونی" است) کسار را... به مبارزه مسلحانه و آشوب داخلی میسی - کشاند "و در خاتمه آنها با آوری می کنند که: "پس از آن آنا از مملکت و ملت و از روشنفکرو روحایی چیزی خواهد ماند؟ (مدالسته منظوری مملکت سرما به داران و روشنفکران و روحانیون خیانت پشنه می باشد)؛ او افسوس زمان شاه را سزمی خورد و انا فاهه می کند: "ایران بعد از کودتای ۲۸ مرداد در مکتبی و دستگا هایش داشت و حرجها میگشت، اما حالا معلوم نیست چه دارم و چه بکنم"؛ چه خوب این لیسیرال خاش خود را افتسا میکند، آری بازرگان از این تگه دستگا عرض و طویل اداری - نظامی رژیم شاه به آن صورتی که بود در اختیار روی و شرکاش نیست، عمگین است و متاسف است که رژیم نسیموانند و با ره آن "ظلم" ارتحای و سرکبار را حاکم گردانند و رولمانان حزبی می خواهد که: "حالا نسل از آنکه با مبارزه مسلحانه و قیام مستغفین همه شیرازها دیرود... آقا قاسون عزیز، ما شید... دست از انحصار و ادعا بردارید... آری بازرگان نمیتواند

بسیان کند که ترس و هراس او از قسام توده های زحمتکش و با بقول خودش "قیام مستغفین" است که شیرازها و قاسونی را که بازرگان و دیگر سرما به - داران ظالمش هستند از هم خواهد بیا شد.

بازرگان و دیگر لیسیرالها خود نسیمتزمند که در سراسر مردم فرار گرفته اند و اگر از "حزبی" - های مرتجع میخواهد که دست از "انحصار" بردارند برای این است که در کمار هم لیسیرالها و حرسی های خاش - مشترکا به فریب توده ها سرد از ندوبا کتاندن آنها به سوی مسازرات پارلمانی و "قاسونی" در چارچوب نظام حاکم و در محدوده ننگ قوانین ارتحای بسوزواری بیکار همگین توده ها را متحرف کرده و خشم بسوسندند آنا را فرو نشانند.

بازرگان هادام از "قانون" و "مبارزه قانونی" سزنده ولی آنا ن سفته قانونی هستند که مسافع سرما به داران را حفظ نمادند و از "انگشتان" (بخوان مبارزات انقلابی) سوده ها خلوکگیری نمایند. آری! آنا ن بدستال "ارامش" میگری هستند که "آسوده" و "اسخالی" راحت از "خطبر" مبارزه مسلحانه و آشوب داخلی" و "استی باز به سرکوب و استثمارت توده ها ادا شده اند. بازرگان و دیگر لیسیرالها که از او حکمیری مزاینده حننش انقلابی توده ها و حشت مرگ گرفته اند از "حزب جمهوری اسلامی" میخواهد که ما قاطی کسردن "حاشی قانون" به سرکوب و استثمارت خود و دست در دست لیسیرالهای خاش، بحران انقلابی حاکم را سوده تسمیر رژیم ارتحای حاکم بکنند و با تسلیمات وسیع رگسرتده توده های انقلابی را بدستال "مبارزه قانونی" که در واقع سراسی سش نیست بکشند. اما فرما ده ای رژیم توده ها و سروده های خشم آنا ن در کوجه و حیا سانه از قاشمشهرت اسزلی، رشربزتا سسندج، از تهران تا سندر عاس و... دیوارهای تنگ "قانون" بسوزواری حاکم را سکنند و در آسده ای نه چندان دور، در انتظار بازرگان ها و بهشتی ها همان خواهد بود که هم امروز، از نزدیکی آن وحشت سراسر خودشان را گرفته و در مانده و مفلوک فریاد "وا قانونا!" و "وا آزادی!" بلند کرده اند.

فریاد "آزادخواهی" و "قانون طلبی" بازرگان نمیتواند توده ها را بفرسند زحمتکشان ما فراموش نکرده اند که در زمان نخست وزسری بازرگان خاش بود که گردستان قهرمان سورد بورش نخستین قرار گرفت، در زمان صدارت همین بازرگان بود که ژنرال مدنی حلاله - منتخسب بازرگان - خلق عرب خوزستان را سخاک و خون کشید. بدستور بازرگان بود که خلق قهرمان ترکمن سرکوب شد و کارگران بیگار در اندیشک و درود و... بخون کشیده شدند.

آری، مبارزه قانونی "بازرگان" تلاشی است که لیسیرالهای خاش در سهم سری بسشترا ز قدرت سیاسی و "مزایایی" است که سرما به داران برای خود می طلبند. اما طوفان خشم انقلابی توده های زحمتکش "شیرازها"ی را که سرما به داران سرپا کرده اند، در هم خواهد بیا شد.

بخاطر "چی" ها!!

مرحمتسن چه خوب ما هیت خود سوا ستهایشان را افتا میسند. مطلب رسوعین گفته آمد تو کولی "ناسنده سپهر در مجلس اسلامی است". "... وقتی که در گسند زمین ها را تقسیم می کردند، میگفتیم چرا، میگفتند اگر نکنیم چی - ها می کنند، این همان اسیر شرایط و مملحت زود گذردن است "انقلاب اسلامی شسه ۶۰/۲/۵ دونگته مهم در گفته این مرتجع نهفته است

- ۱ - اگر اینها و آنجا کاری با ظاهر "خوب" از ارتجاع سر میزند، بیجا طرنس از "چی" "هایمنی" برای تبلیغات در مقابل عملکردهای انقلابی کمونیست ها و به انحراف کشیدن افکار توده ها است
- ۲ - ارتجاع "مملحت" خود را خوب بخاطر دارد و آن نه حمایت حتی ظاهری و "زودگذر" زده هفتان و زحمتکشان، بلکه حمایت بیدریغ از زمینداران و سرما به داران است

آری حل واقعی مسئله زمین، تنها با حاکمیت جمهوری دمکراتیک خلق و به ره سری طبقه کارگر قهرمان میسر است!



خواندن توده ها به انقلاب و مبارزه با امپریالیسم و دمکراسی و علمبرگها می باشد که در زمینه تکلیف توده ها برداشته اند، در سیاست نقطه انکسار خود را آنجا نمی گزینند که آنها را علمبرگ هر خواست و تمایل آنها، به محدود کردن مسز انقلاب و ضد انقلاب و تبلیغ سازش طبقاتی منحرف میگردند. چگونه و بطور؟

مجاهدین مبنای تاکتیک خود را بر تصاد میان دو بخش از بورژوازی در هیئت خاکم میگذارند. آنان با تکیه بر این مسئله گنجه نما رزات دمکراتیک در راه پیروزی بر سلطه امپریالیسم میباشند، از بورژوازی لیبرال حمایت میکنند و این حمایت آنچنان دامنش گسترده ای به خود میگیرند که مجاهدین نه تنها یک کلمه نیز در امثال این "متحد" که خود آنها را "موقتی" میدانند، نمیگویند و نمی نویسند، بلکه به حمایت همه جا نه از جنبی مدروپا رانش نظیر بازرگان می پردازند. مجاهدین بکس تئوریزه کردن این تاکتیک پرداخته و اصطلاح "میانما بندگی" بورژوازی متوسط رو به بالا و وابستگی را هنوز جز دشمنان خلق محسوب نمی کنند. (۳)

به این ترتیب مجاهدین خلق به دامان انحرافی اساسی درمی غلطند که نتیجه محتوم آن همفکری و همگامی با امپریالیسم ضد انقلابی است. مجاهدین خلق مبارزه برای دمکراسی را از مبارزه بر علیه امپریالیسم جدا میکنند. لیبرالیسم میان پیوسته بورژوازی را "دمکراتیک" جا میزنند و به اتحاد با بورژوازی لیبرال که در واقع کفالت امپریالیسم را در ایران بهمبند دارد (و ما در بحث های گذشته خود ما جهت بکس اصطلاح دمکراتیک آن را روشن و افشا نموده ایم) دست میزنند و به این ترتیب درک "مساوره" طبقاتی و خرده بورژوازی خود را از "دمکراسی" و دمکراتیک به نمایش میگذارند. درکی گسسته پیدا نموده آن در عمل به این سیاست انحرافی و خطرناک می انجامد.

"مجاهدین خلق" ضد انقلاب و ضد انقلاب را در هم میریزند، چرا که بهای اتحاد با کمونیستها و انقلابیون که شرط لازم پیروزی انقلاب دمکراتیک است، بسوی بورژوازی ضد خلقی روی میآورند. چنین اتحادی هر چند موقتی و محدود و مشروط باشد (گرچه مجاهدین آن را بسا هیچگونه انتقاد و افشاگری ما جهت بورژوازی لیبرال، مشروط ننموده اند) در شرایط کنونی ما را به جز خاک پا نشدن در چشم توده و بسط انحراف گناندن زحمتکشان از انقلاب نیست. مجاهدین خلق بدینگونه نشان میدهند که درک آنان از "دمکراسی" و از "امپریالیسم" محدود و سطحی است.

این درک محدود، خود را در جوانب دیگری از سیاست مجاهدین نیز به نمایش میگذارد. بسط

مورد بررسی توجه کنید:

مجاهدین در توضیح دلایل ضد امپریالیسم بودن میگویند: "اگر سرمایه داری و استبداد است در برابر ختن و ملی کردن آن تلاش کند. اگر بهره ای داشته در گوشه و کنار ارتش و با هر دستگاه دیگری در تصفیه آنها تلاش کند."

مجاهدین با این سخنان و بسیاری دیگر از خواسته های که پس از قیام ما کنون در پیش روی دولت ارتجاعی جمهوری اسلامی قرار داده اند و تحقق آن را از این رژیم طلب کرده اند (ما ننشد بر سمیت شناختن ثوراه و ...). مفهوم مبارزه ضد امپریالیستی را در حد "فرم" ها یعنی تقلیل داده اند. تمامی بحثهای گذشته ما نشان داد که مبارزه ضد امپریالیستی از طریق داعیان کردن دستگاه بوروکراتیک - ارتجاعی دولت سرمایه داری که عامل مستقیم حفظ سرمایه داری و استبداد است میگذرد. بدون این داعیان کردن و برقرار نمودن دمکراسی خلقی مبتنی بر ثوراهای مردمی زحمتکش، حتی از قطع دست امپریالیسم نمیتوانند در میان ما باشد. در غیر این صورت "ملی کردن" و "تصفیه" محتوای بورژوازی خواهد یافت و در خدمت امپریالیسم سرمایه داری قرار خواهد گرفت و این چیزی است که نه تنها خواست طبقه کارگر نیست، بلکه مطالبات ما بر زحمتکشان را نیز برآورده نمی - نماید. رژیم جمهوری اسلامی که با استفاده از جنبش خونین کارگران و زحمتکشان، دستگاه دولتی بوروکراتیک - ارتجاعی، رژیم وابسته پهلوی را متصرف شد و از همان فردای پیس از قیام به سرکوب انقلاب توده ها و مبارزانی سیستم سرمایه داری وابسته پرداخت، نمیتوانند دمکرات یا ثوراه ضد امپریالیست، مطالبات دمکراتیک دانش از این رژیم و آب تطهیر ریختن بر سر بخشی از بورژوازی که در قدرت دولتی نیز سهم است (گرچه اگر سهم نباشد در ارتجاعی بودن آن تغییری نمیداد) جز تبلیغ آتش بساطی، چیز دیگری نیست.

منافع انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی کشور ما چنین سیاست انحرافی، کمالو قطعاً در تقابله است. این منافع اتحاد مستحکم کارگران و زحمتکشان را بر ضد کل طبقه بورژوازی ایران که حامل منافع امپریالیسم درجه اول میباشد، طلب میکنند. کمونیستها و انقلابیون کنونی وظیفه دارند که ما جهت واقعی بورژوازی را برای کارگران و زحمتکشان افشا کنند و ما این وسیله از روانه شدن توده زحمتکش بدینسال بورژوازی ضد انقلابی جلوگیری - هرگاه ما باندگان آگاه طبقات کارگران و زحمتکش نتوانند این وظیفه تاریخی خود را به انجام رسانند، انقلاب توده در خون کارگران و زحمتکشان غرق خواهد شد. و نصیب و بهره آن سه بورژوازی خا ش و پیوسته میرسد. امری که مجاهدین انقلابی قطعاً خواهان آن نیستند.

نتیجه گیری کنیم:

۱- خرده بورژوازی به حکم موقعیت اقتصادی - اجتماعی خود، هیچگاه خواهان یا بسودی ما لکت خصوصی نیست بدین لحاظ ما هستند دمکراتیک خرده بورژوازی در حقیقت بورژوازی است.

۲- دمکراتیک خرده بورژوازی را آنجا که حامل مطالباتی است که تنها در صورت سروری انقلاب دمکراتیک میتواند دست یابد - دمکراتیک واقعی است. اما چون خرده بورژوازی به حفظ مالکیت خصوصی دلشسته است و خواهشهای خود را محدود کرده ای جستجو میکند که از مطالبات بورژوازی فراتر نرود، دمکراتیک خرده بورژوازی تا بیگیری است.

۳- خرده بورژوازی بین طبقه کارگر و بورژوازی نویمان میکند. سمت بسوی این نویمان را سزجا بگناه امتدادی - اجتماعی لایه های مسقوت طبقه نا همگون آن تعیین می - نماید (یعنی نزدیکی به طبقه کارگر یا بورژوازی) از این رو دمکراتیک لایه های مسقوت خرده بورژوازی به نسبت نزدیکی به طبقه کارگر یا بورژوازی از درجات محلی تا بیگیری برخوردار است.

۴- خرده بورژوازی را ما در موقعیت بینا بسوی ما همگون خویش نمسوا ندیاست مستقلی را به پیش برد، یا تحریفی بیرونی را با ویا تحت رهبری بورژوازی، شق ناشی وجود دارد. در صورت عدم رهبری طبقه کارگر، خرده بورژوازی سیاست بورژوازی را در پیش خواهد گرفت و اقتصاد سرمایه داری را بار - سازی خواهد کرد.

به این سوالات پاسخ دهید:

- ۱- تا بیگیری دمکراتیک خرده بورژوازی از کجا سرچشمه میگیرد؟
- ۲- نمونه هایی از تا بیگیری خرده بورژوازی را در ایران ذکر کنید؟

بقیه در صفحه ۲۶

پاورقیها:

- (۱) و (۲) - دوتا کتیک سوال دمکراسی در انقلاب روسیه - لنین.
- (۳) - احزاب سیاسی در روسیه - لنین.
- (۴) - از راه و بسیم تا ما رکیسم - لنین.
- (۵) - احزاب سیاسی در روسیه - لنین.
- (۶) - سخنرانی در کنفرانس کشوری کارگران و نقل روسیه - لنین.
- (۷) - سخنرانی در کنفرانس کشوری کارگران و نقل روسیه - مجموعه آثار - لنین.

"بایبی سندز" مشت افراشته و پرگینه خلق ایرلند

"می گویند ما در عصر مدرن سر میبریم
در سال تمدن، سال ۱۹۷۹
ولی آنگاه که اطرافم نظاره میکنم
آنچه می بینم سنگمه مدرن است
رسج مدرن
ورباکاری مدرن .
این عصر مدرن برای کودکان خردسال
مرگ به ارمغان میآورد
آنان اگر سگی از برای میافندند
ولی چه کسی را با رای آنست که سیرد ؟
چرا ؟

ودخترگانی محروم از سی بیوش
در حوض سرخاسته از ما با لقم
در دل شب فریاد بران دور می توند"
ظهور فوق سروده بایبی سندز، رزمنده معروف
ایرلندی است که با لایحه پس از ۶۶ روز اعتصاب
غذا در زندان امپریال لیستهای انگلیسی جهان
سپرد. سالیان دراز است که مبارزات استقلال
طلبانه خلق ایرلند زبا ندرسانه های گروهی
در سراسر جهان است. امپریالیستهای انگلیسی
هوازه تلاش کرده اند همراه با سرکوب و حشانه
این خلق، مبارزات آنان را کار در گروه مذهبی
کا تولیگ و بیرونستان و اسود گند ولی نگاه می
به همین چند سطر شعر که ما نقل کردیم نشان می-
دهد که جوهر مبارزه طبقاتی در حینکنان علیه
استعمارگران چگونه در مبارزات این خلق موج
سپرد و این حقیقت را بیان میکنند که مبارزه ملی
خلقهای تحت سلطه حزبی از مبارزه طبقاتی برتر
علیه امپریالیسم جهانی میباشد .

مبارزات امپریالیسم ایرلند به راه حق
تعمین سر و شتابان بعد از آزادی دارودوا سرورزه
مبارزات قهرآمیز و سیاسی مردم ایرلند و
با یگانا و وسیع "ارتش جمهوری حواء ایرلند"
(I.R.A) در جهان اوجی رسیده که صورت تک
در در "سرگ برای امپریالیسم انگلیس در -
آمده است. "بایبی سندز" فریاد این مبارزات
است. او در رس ۱۶ سالگی کارگر مکانیک شد و از
همان موقع در اتحادیه کارگری به فعالیت
مشغول شد و در ۱۸ سالگی به ارتش جمهوری حواء
ایرلند پیوست. یکسال بعد محرم حمل السلحه به
۵ سال زندان محکوم گشت. شش ماه پیش از
آزادی او زندان در سال ۱۹۷۷ دوباره محرم
حمل سلاح دستگیر و زندانی گردید و به ۱۲ سال
زندان محکوم گردید. او در زندان از هتکام
ورود او بپوشیدن لباس زندان خودداری کرده و
خواستار آن گردید تا به سموان زندانی حاشی
بلکه سموان زندانی سیاسی شناخته شود. در
زندان او رهبری اعتصابات زندانیان سیاسی



را سعه دهشت و در زمین به سرودن شعرو معالسه
سویسی مشغول بود. او در اول ماه مارس برای
بدست آوردن حقوق مساوی با زندانیان سیاسی
دست به اعتصاب غذا زد و در حالیکه از فرما نهان
ارتش جمهوری حواء ایرلند بود در آوریل از
حانب مردم ایرلند به نمایندگی مجلس عسوام
برگزیده شد. "بایبی" مصاصه در راه هدف مبارزاتی
خوبش در مقابل امپریالیسم انگلیسی استادگی
سود و با لایحه امریکای افتخار آمیزه راه آزادی
خلق خویش جان سپرد .

بایبی سندز که برای تحقق خواستهای خلق
خویش به اعتصاب غذادست زده بود برشور و
احساسات انقلابی شده ها افزود. او معتقد بود
که اگر در نتیجه اعتصاب غذا جان خود را از دست
بدهد ختم انقلابی مردم ایرلند چنان ساللا
خواهد گرفت که اسکان آن تا بلبلها مبارزات
خلق ایرلند را فروغ بیشتری خواهد بخشید.
و با لایحه های سندز به شهادت رسید و با مرگ
خود خلق ایرلند و خلقهای جهان را به مبارزات
گسترده شری فرا خواند .

جنایات امپریالیسم امریکا در السالوادور

خلق دلوار السالوادور و انقلابیون مسلح
آن همچنان علیه امپریالیسم امریکا و نوکران
داخلی اش می جنگند. تاکنون جنش مسلحانه
خلق السالوادور ضربات سنگینی بر دشمن وارد
ساخته و رژیم حاکم را به مرگ قطعی خود نزدیک
- تر نموده است. نوکران مزدور امریکا نیز
برای ادامه حیات خود پیش از پیش به دریافت
کمک از امریکایان و کشتار خلق مشغول میباشد .
احیرا امپریالیسم جنایتکار امریکا توانست
کرده است ۲۵ میلیون دلار کمک نظامی و ۹۳
میلیون دلار کمک اقتصادی به رژیم نظامی حاکم
بدهد. امریکا کمک می نماید تا جنایتکاران
حاکم را از سقوط نجات دهد و در کنار این کمکها
مستشاران تنهکار خود را به این کشور ارسال می
- کند تا چونگی قتل و کشتار هزاران کارگر و

دهقان را به مزدوران بومی خود تسلیم دهد. از
سال ۱۹۷۹ تاکنون رژیم نظامی حاکم نزدیک به
بیست هزار نفر را از کار کرده دهقان و کمونیست و
انقلابیون دستکرات را قتل عام کرده است و
هزاران نفر را به زندان انداخته و مورد تیدید -
ترین شکنجه های وحشانه قرار داده است. اما
این جنایات خلق السالوادور را از مبارزه با ز
نمی دارد. خلق السالوادور و خلقهای جهان
هرگز جنایات، تجاوزات و تنهکاری های
امپریالیسم امریکا را فراموش نخواهند کرد و
امریکای جنایتکار را به اندک کارگران و خلقهای
جهان بالاخره در زیر ضربات سنگین انقلابات
خودبا نگی های فاشیست را به گور حواء هند سپرد .

رژیم ارتجاعی یوگسلاوی صدها نفر را به شهادت رساند!

در فروردین ماه امسال کارگران، زحمتکشان
و دانشجویان انقلابی ایالت "کوسوو" در
یوگوسلاوی به مبارزات قهرآمیز و انقلابی دست
زدند. مردم این ایالت عمدتاً آلبانیایی
هستند و تحت شدیدترین تبعیضات سیاسی -
فرهنگی و حقوقی و سرکوب قرار دارند. جمعیت
این ایالت اگرچه ۱/۶۰۰۰۰۰ نفر می رسد و
سومین ایالت را از نظر جمعیت تشکیل میدهد ،
اما این اقلیت ملی فاقد جمهوری میباشد و در
عین حال از بالاترین در صد سیکاری و ففسر و
فلاکت برخوردار است. در سراسر تمام ایالت
محرومیت ها که تا مل اعلی اش رژیم سرمایه داری

یوگوسلاوی میباشد و دست به دست هرت وسیع
زدند. آنها به خیابانها ریخته و در حالیکه شعار
های مسی بر آزادی قلم، تنفیر نیستیم
دانستگانی، تا مین کاروانجا د جمهوری کوسووانی
میدادند به زده و خورد با پلیس فاشیست رژیم
تشنوئی برداختند. آنان قهرمانان در مقابل
آدمکنان رژیم استادگی کردند و مرتجعین حاکم
نیز در ۱۱ فروردین ارتش را به این منطقه گسیل
داشته و تظاهرات را به خون کشیدند. از آن زمان
تاکنون در حالیکه منطقه به اشغال ارتش درآمده
و کارخانه ها تعطیل گشته اند تظاهرات همچنان
ادامه دارد. طی این مدت طبق اخبار رادیسو
آلبانیایی نزدیک به هزار تن به قتل رسیده اند و
صدها تن دستگیر و هزاران تن زخمی گردیده اند .
در حال حاضر حالت فوق العاده در منطقه حاکم
است. هرگونه گردهما می شدیدانه خون کشیده
میشود و مردم سنجو تیدیدی کنترل و بازرسی
میشوند. مردم منطقه شدیداً دارای روحه تفرضی
سوده و در پی ادامه تظاهرات انقلابی میباشد .
آری اینست حقیقت کشورهای بورژوا -
روبیونیونیستی! رویزونیونیستهای خاش می -
سقیبه در صفحه ۲۶

حمله وحشیانه ارتش و سپاه پاسداران به آوارگان زحمتکش فولادشهر

رژیم مدخلی که از انجام هیچ گونه جنایتی در حق آوارگان زحمتکش امانی ندارد، بواسطه حال با سرکوب وحشیانه آوارگان در شیراز، ملک شهر، ما شهر و... ما هیت فدرم می خود را به حوسی نشان داده، اینبار هم در فولادشهر جنایت تازه ای آفرید. جریان واقعه از این فرار است که عصر روز شنبه اردیبهشت تعدادی از آوارگان جنگ زده جهت مهاجرت از فولادشهر و راهی شهر و اردم منطقه میشوند. ارتش و سپاه این آوارگان - های سرکوب رژیم، به قصد جلوگیری از اقدام انقلابی جنگزدگان وارد محله میشوند، اما مقاومت آوارگان آنان را مجبور به عقب نشینی کرده و حدود ۳۰۰ خانوادگی گرسنه و آوارگی شده را به بلوکها میگرداند.

ارتجاع و خست زده از این اقدام انقلابی را در یک روز یکشنبه ۶۰/۲/۶ ساعت ۲ بعد از ظهر، ارتش و سپاه پاسداران را با سلاحهای سنگین و سراسر جنگزدگان میفرستند. پاسداران سرمایه به شروع به ضرب و شتم آواره ها میکنند. پاسداری با لگدهای شکر زنی میگوید: پاسدار دیگری با قنداق تفنگ به سرزن دیگری میگوید که خون جاری میشود، مزدوران رژیم با چاقوبه خوانان حمله کرده وعده ای را نیز دستگیر میکنند. در مقابل این سرکوب وسیع رژیم، جنگزدگان علیه رژیم مقاومت خود، به طاعت نشان تشکیل، پراکنده میشوند و ارتش و سپاه، آنها را از بلوکها بیرون میکنند.

زحمتکشان مبارز، جنگزدگان مبارز و خوزستانی! از همین آغاز جنگ ارتجاعی، مسئله مسکن برای آوارگان مسئله ای اساسی بوده که رژیم مدخلی بدون اینکه بتواند بخواهد به آن پاسخی بدهد، مبارزات آنها را در جهت معادله انقلابی، سرکوب کرده است. سرکوب آوارگان ملک شهر، سرکوب کارگران مبارز شرکت نفت و بالاخره سرکوب آوارگان فولادشهر، نشان دهنده این چهره ارتجاعی رژیم در حمایت گسترده اش از سرمایه داران و هژمنان بزرگ میانساز است.

جنگزدگان مبارز خوزستانی! مهمترین علتی که باعث در هم تنگ شدن مقاومت جنگزدگان فولادشهر شد، نشان اتحاد و تشکیل بود. آوارگان مبارز فولادشهر همچون آوارگان دیگر مناطق، میبایست بی خودی یک شورا از افراد انقلابی تشکیل میدادند تا این شورا، کارها بشان راهها تنگ کند و از طرف دیگر بعداد زور بردن به بلوکها میبایست یک شورای

جنگ و آوارگان

وضعیت آوارگان جنگ ارتجاعی در اردوگاههای شوشتر

با شروع جنگ ارتجاعی و ادامه آن، عده ای از زحمتکشان آواره جنوب علاوه بر مسدود شدن راههای مسافرتی، در اردوگاههای علم الهدی، گمرک، عباسیه و مقیم حسین و... شورشگری کرده اند. وضعیت اس آوارگان همانند سایر نقاط است. این بر طر آوارگان در مصیقه بوده و اینها نسبت حیرت و درمغز من خطرگرستی فرار دارند. آوارگان به علت کمکی درجا در ناچندی پیش از رسیدگی های شد در پنج میباید و اکنون از اردوگاهها که وحشتناک موری و مار و عقرب در عذاب هستند. یکی از آوارگان عرب میگفت که ما طرد را با کمک ما جبر عداوتی و تحت فشار گرسنگی، اما کسی را که در مدرسه دانسته چهار ماه ۱۵ خانواده دیگر ترک گفته و همگی به مسجد کوچ کرده اند. بدسال گرم شدن هوا، ما رو عقرب در اردوگاهها را دهنده و ما بحال آوارگان جدیدین ما در اردوگاهها کشته اند. کشتار، آوارگی، فلاکت، بی مسکنی، بدداشت بهداشت، گرسنگی و خطر مرگ... آری این است ارمان جنگ ارتجاعی رژیمهای جمهوری اسلامی و عرای برای زحمتکشان.

مقاومت در بلوکها موجود ما و در مدتها در مقابل سرکوب ارتش و پاسداران بواسطه مقاومت کنند. بدون داشتن جنس سوراخانی، مطمئنا رژیم آوارگانها پیش سراجی میباید سر حرکتی را سرکوب کنند. ما ما شما منوان خود، مسکن حمایت همه جا شده از هر حرکت انقلابی شما علیه رژیم جمهوری اسلامی، حمایت دیگر زحمتکشان خوزستانی و آبادانی را به طرف شما جلب کرده و فریاد حق طلبانه شان را به گوش آنها خواهد رساند. و از هیچ کوششی در راه پیروزی شما دریغ نخواهیم کرد.

ما بود ما در توطئه های رژیم جمهوری اسلامی بر علیه جنگزدگان! مسکن حق مسلم آوارگان جنگی است! زنده باد دیپکارسوده ها بر علیه رژیم جمهوری اسلامی! بر فراز جمهوری دمکراتیک طلوع! مستقل از اعلامیه "ما زمان بیگانه در راه آزادی طبقه کارگر و تشکیل اینها" ما اندکی تخمین ۱۳۶۰/۲/۸

تشکیل تعاونی توسط آوارگان و توطئه های رژیم

اخبار آوارگانی که خود را در دهکده المپیک ایگان داده اند دست به ایجاد تعاونی زده اند، ما خوار و ما مورد نداشتن را با مسکن کمتر، از طریق این تعاونی و مستقل از رژیم ما مسکن نمائند. اما رژیم مدخلی جمهوری اسلامی که دشمن هر گونه تشکیل و همسنگی آوارگان است چندین بار سعی در دستگیری و سرکوبن سببندگان فعال شورا نموده، که با هشدار آوارگان این توطئه نقش سرآب شده است. از طرف دیگر رژیم که اسناد آوارگان اجاره کتبی اغامب در این ساختمانها را داده است، اکنون با مانع مبارزات حق طلبانه آوارگان، در مدتها سراج آنها از این ساختمانها سرآمده است و بهای بیسها میورد که این ساختمانها را برای خانواده شهدا! میخواهد.

اتحاد و یکپارچگی آوارگان دهکده المپیک حتی کننده توطئه ها و مسکن ارتجاع است.

حرکات فاشیستی پاسداران سرمایه در خوابگاه المپیک

رژیم مدخلی جمهوری اسلامی، پس از سرکوب نخص چند روز جنگزدگان شرکت نفت جنوب در محل و وزارت نفت تهران، دست به یک سری اقدامات سرکوبگرانه در جهت ایجاد ترس و وحشت در میان آوارگان میزند. اسناد ما شس های سپاه که برای افراد مطرح بودند، به رفت و آمدهای مکرر در محل سکونت خانواده های کارگران و کارمندان آواره می - بردارند و سپس با سببگان آوارگان را که برای رسیدگی به خواسته شان به ما حسان مرکزی شرکت نفت رفته بود، مورد هجوم قرار داده و ۲ نفر را دستگیر میکنند. ما ما ما ما سپاه، سنساره آغا رهوم و حنا به سر مردوران رژیم به خوابگاه آوارگان بود.

بعد از چند هفته مردوران رژیم و سپاه، دهکده المپیک را که محل سکونت آوارگان است تحت فشارهای پلیسی و اقتصادی خود قرار داده و برای عقبه در صفحه ۲۶

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق

نگاهی به تجارب و درسهای یک اتحاد عمل

روش شدن وضعیت نیروها و ترکیب کمیته سرگرای و حقوق هریک شما شدم. چرا که از نظرها بحث سر حریفان عمل نیرو، در اتحاد عمل و چگونگی تا شمران در مسائل با نیروها در این حرکت متحد علیه نظام است، چیزی بود که میبایست بعد از آنجا بحث مربوط به پلان هم صورت گیرد و در آنجا که ما شرکت "حاج جبار" با حقوق مساوی و برابر با نیروهای دیگر، درست از راه همین مسئله "نیرو" رد میگردد نمونه ای که آنها را طور کلی رهنما شیم، با سران منضم بودیم که بحث بر سر حقوق آنها در این اتحاد عمل بسیار بسازیم بعد از بحث پلان هم موکول شود. این چیزی بود که

رهنما دهی لازم در نیروهای دمکرات - انقلابی و خودمیدانست، طبیعتا مساوات حان تنظیم گردید که با حفظ اصل انقلابی خود، و با بدرفتاری حداکثر اسطفا با کشتی، نیروهای دمکرات - انقلابی را سر دیگ گردانید و از لحاظ پایه های این اتحاد عمل و همکاری در یک زمینه منحصر، حول یک پلان هم انقلابی و منظم را قوام بخند و وسیع تر پس نیروی ممکنه با محتما ت موی گرد - آوری نماید. لیکن از آنجا که در شرایط مزبور، ضرورتیست که در این اتحاد عمل (و بطور مشخص با زمان ما) در این) با نیروهای کمونیست، همراه شود (و هم اکنون سر سر شده است) و از فصل، روش بود

اتحاد عمل سازمان ما با سازمان چریکهای فدائی خلق به مناسب راهپیمایی روز اول ماه مه، حاوی تجارب، مسائل و دساورهای آموخته و سایر روشی بود که برای عنا حشیدن به اندوخته های حسن کمونیستی، و بهره گیری از آن در حرکت های آینده، جمع بندی آن، ما شرا همت بر او ان است. سوزده آنکه حسن کمونیستی ما، بدلائل متعدد سیاسی، ایدئولوژیک و سیاسی، از این نظر در قزوین و کمون و فراوان سر سر شد. بر روی این اتحاد عمل هم چنین از این نظر اهمیت دارد که حرکت بر سر، در سوع خود حرکتی برین بود که در پی آن سازمان برای اولین بار الیتم همکاری و اتحاد عمل رسمی نیروهای اصلی حسن کمونیستی ممکنه ندو جسم ایدارهای جدیدی از این لحاظ بر روی آن گنوده گردید. جنم - اندازی که نطق آن سازمندان و امین گامهای مثبت از جانب نیروهای حسن کمونیستی، و در یک ضروریات کمونیستی، هم ترا همه ملاحظات گروهی و سازمانی و همه اختلافاتی که میان این نیروها در عرصه های مختلف وجود دارد، مسا شد. از اینرو ما در اینجا میگوئیم ما نفس از این گوارش مختصر روید تشکیل این اتحاد عمل، به جمع بندی مختصری از بهترین حسه ها و اسفادات آن سپرداریم:

الف: روند تشکیل اتحاد عمل برای راهپیمایی اول ماه مه

● تشکیل یک صف متحد انقلابی با شعارهای انقلابی در مقابل رژیم و ریزیونیست های ضد انقلابی، نقطه عزیمت ما برای تشکیل یک اتحاد عمل در روز اول ماه مه، بود.

سواحق ما و رفقای فدائی بود، لیکن مورد بدیرش ما بسنده جناح چپ نبود. بنا اتفاقا ما "حاج جبار" بعنوان یک نیروی دارای هویت معین و شناخته شده تشکیلاتی و سایر با به عامل قبول بوده ای، نمیتوانست با حقوق مساوی نیروهای اصلی، در اتحاد عمل شرکت جوید. لیکن علیه تمام این اعتقاد خود، ما این مسئله را یک مسئله مورد بحث بعد از توافق بر سر پلان هم میدادیم و در این حال تنها با تشکیل به اسطفا بودیم، اگرچنانچه اختلاف سر سران موجب ارهمها شدن کل اتحاد عمل میگردد. این چیزی بود که ما از قبل، بدلیل مصالح مهمترو سیاسی نری که در این اتحاد عمل می دیدیم، آگاهانه بدبیرفته بودیم و آن را در طی نامه ای با اطلاع سازمان چریکهای فدائوسی خلق رسا بدویم.

راه کار رگسرو حجاج چپ اکثریت، نا آنجا که مربوط به بحث ترکیب نیروها میشد، هریک سعی وارد مذاکره شده و با آن کاره گرفته شد، راه کار رگسرو این بها به که با یکبار حاضر به همکاری نیست و مرزها بش محدود میشود وارد مذاکره نشد! و جناح چپ با این پیش شرط که ابتدا باید حقوق سر سرش با نیروهای دیگر تضمین شود سپس حول پلان هم بحث کنند، از مذاکره کناره رفت.

که شرکت آنها در این اتحاد عمل منحصر، منتهی خواهد بود. با سران ما این پلان هم را با توجه به چنین واقعیتی تنظیم نمودیم. حسن آنکه مستقیم نیروهای کمونیست، با بدسازار که ضرورت چنین اتحاد عمل هایی حول مسائل منحصر، از هر نداشت در جهت نامین زمینه های ذهنی اتحاد عمل میان نیروهای دمکرات - انقلابی با نیروهای کمونیست در یک سوز شد. متقابلا از طرف سازمان چریکهای فدائی خلق، یک پلان هم چهار ماده ای پیشنهاد شد که روش آن عبارت بود از:

- ۱- هدف انقلابی دانستن حاکمیت ۴- ضرورت رهبری طبعه کارگر بر انقلاب دمکراتیک ۳- مبارزه برای دمکراسی از طریق مبارزه با اختناق و ایجاد شوراهای انقلابی ۲- شعارهای ما میرا لیبسی.

در مورد ترکیب نیروهای شرکت کننده نیز رفقا مطرح کردند که از طرف آنها راه کار رگسرو اکثریت حجاج چپ سر در چهار چوب نیروهای عامل همکاری می کنند. و از این نظر به آنها نیز پیشنهاد همکاری داده اند.

بعد از این پیشنهادات و سر خوردن آنها، بحثهای زبردست مشترک دوسا زمانی صورت گرفت:

- ۱- در مورد ترکیب نیروها نظریه هدف اصلی ما یعنی تشکیل یک صف انقلابی، اعتقاد ما چنین بود که مذاکره بر سر پلان هم را در ابتدا موکول به

تقریبا بطور همزمان از طرف ما و سازمان چریکهای فدائی خلق، پیشنهادی برای برگزاری یک مراسم مشترک، ارائه گردید. ما در طی نامه ای درونی پلان هم پیشنهادی خود را که در برگیرنده دو بند اساسی، یکی موسیقی سر علیه هر دو جناح هیئت حاکمه و دیگری موضع گیری بر علیه ریزیونیست ها بود، به رفقای فدائی ارائه کردیم و در رابطه با تاکید بر ضرورت تشکیل یک صف انقلابی در برابر نیروهای فوق، در این روز سرگ، هرگونه بحث حول مسائل دیگری از قبیل نام کمیته سرگرای، ترکیب و چگونگی شرکت نیروهای شرکت کننده... را به مذاکره درونی محول نموده و اعلام کردیم که در مورد این قبیل مسائل ما حداکثر اسطفا را جا برداشته و برنا مین نظرات خود در این زمینه ها، در صورتیکه کل همکاری را بر سرشوال قرار دهد، با ما برای نخوا هم کرد. تشکیل یک صف متحد انقلابی با شعارهای انقلابی در مقابل رژیم و ریزیونیست های ضد انقلابی، نقطه عزیمت ما برای تشکیل یک اتحاد عمل در روز اول ماه مه، بود. مضمون دمکراتیک این پلان هم، چنانچه

پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته تر سازیم

در مورد نحوه پیشبرد بحث ها ، ما با سازمان چریکها ، اختلافی ندا شنیدیم و بنا بر این پس از کناره گیری راه کار گرو جناح چپ ، بحث مشترک ما بر سر پلاتفرم آغاز گردید .

توضیح این نکته اهمیت فراوان دارد که از دیدگاه ما ، علت واقعی کناره گیری ، این دو نیروی بویژه راه کار گر ، از اتحاد عمل در تزلزل آنجا نسبت به بحث این تاکتیک و یعنی برگزاری یک راه همپا شی با مضمون انقلابی در این شرایط سیاسی ، ریشه داشت و دلایل بعدی صرفاً توجیهات و علل صوری مسئله را تشکیل میدهد . بعنوان مثال راه کار گرو برای ما نیروی نشا شناخته ای نبود . برای تیک گذشته این نیروی ما حاصل همکاری های پیشین نشان داده بود ، که صرف نظر از اختلاف ما و آنها بر سر مسائل ایدئولوژیک ، چه اختلافات مهمی بر سر ارزشها و اصول و روابط و تاکتیک های مطلوب و متناسب با آن ، وجود دارد . ما تجربه ۲۳ دی را با راه کار گرو از سر گذرانده و عملکرد آنها را مشاهده کرده بودیم . بنا بر این ساده لوحانه میبودا تصور میکردیم که مخالفت راه کار گرو از شرکت در این اتحاد عمل صرفاً بدلیل عدم تمایل به همکاری با پیکار میباشد . دلایلی که راه کار گرو برای این عدم تمایل خویش از همکاری با ما ارائه میداد ، کینه ما نسبت به این کناره گیری را بر روشنی برملا میسازد . راه کار گرو بدلیل عدم موافقت خود از همکاری با پیکار را بطور عمده مخدوش شدن مواضعش در این همکاری میدانست . این به چه معنی است ؟ چرا راه کار گرو از "مخدوش شدن" مواضعش در حرکت مشترکی که قاعدتا میباشد بر اساس فصل مشترک مواضع و به حول مسائل مورد اتفاق و بر اساس سیاست واحد صورت گیرد ، نگران است ؟ و بدتر از آن چرا از شرکت در مبارزه ایدئولوژیک در پروسه بحث روی پلاتفرم این اتحاد عمل ، هراسان است ؟ طبیعتاً است که او هر قدر هم که با ما زمان پیکار را اختلاف داشته باشد ، که دارد - سوار در مشترکی را میتواند همبندگی بر سر آنها اتحاد عمل صورت گیرد ، اما بدون شک راه کار گرو آنقدر کودک نیست که چنین سخن باطلی را بگوید و یا مثلاً از این رو با پیکار رهای اتحاد عمل نشیند که از قبایه پیکار خویش نمیباید . اخیراً آنچه که راه کار گرو در این اتحاد عمل به هراس و می داشت ، تزلزل اونسبت به این سیاست تاکتیک یعنی سیاستی که ما قاطعانه از آن دفاع میکردیم بود و نه چیز دیگر . آن "چیزی" که در اتحاد عمل فوق در صورت شرکت راه کار گرو ، مخدوش میگردد ، با سیفیم سیاسی راه کار گرو دیدگاه راست روانه و با سیفیمستی اونسبت به این نوع تاکتیک ها و حرکت ها بطور کلی در شرایط کنونی است . دیدگاه های که ریشه در تزلزلات ایدئولوژیک راه کار گرو دارد . همان تزلزلاتی که در عین حال راه کار گرو را از قرار گرفتن بطور قاطع ، صریح و بسندون تزلزل در کنار یک خط مشی انقلابی و پیکار و یک نیروی کمونیستی پیکار حاصل آن ، به هراس

و امیداشت ، واقعیت این است که در گننه نظرها - کارگزارین حرکت - یعنی راه همپا شی در اول ماه مه - منابه حرکات قلبی دیگر مثلاً ۲۳ دی ، یک حرکت "چپ روانه" تلقی میگردد . اساساً است این "چیزی" که شرکت راه کار گرو در این اتحاد عمل ، آن را "مخدوش" مینماید . راه کار گرو در وجود "ما" در این اتحاد عمل ، عامل "مزا حسی" را میدید که با افزایش پتانسیل انقلابی این طبیف می توانست ما نمی جدی در سر راه ما نور خط مشی با سیفیمستی و انحلال طلبانه آنها ایجاد نماید . بنا بر این تمادفی نبود که راه کار گرو ، پس از توافق متقابل ما و رفقای فدائی در این همکاری ، و به عبارت دیگر پس از جمع شدن پتانسیل انقلابی این دو نیرو - ما و رفقای فدائی - بطور قطع از این طبیف برتن نمود .

این اختلاف در تاکتیک ، از دیدگاه ما ، درست همان عاملی است که از نزدیک شدن راه کار گرو به این صف ، جلوگیری میکرد و نیز همان عاملی است که راه کار گرو را در بازداشتن رفقای فدائی از شرکت در چنین اتحاد عملی با ما زمان ما ، تا موفق گردانید . در واقع این اختلافی بود که هم میان ما و راه کار گرو هم میان رفقای فدائی و آنها وجود داشت . هر چند که در این حرکت مشخص این اختلاف در پس توجیهات راه کار گرو ، پوشیده ماند .

در مورد جناح چپ نیز به گمان ما چنین جنبان عاملی در عدم شرکت آنها با یدئی نقش بسوده باشد . واقعیت این است که راه کار گرو علیرغم آنکه به لحاظ مواضع جهانی و ایدئولوژیک خویش ، در میانی عامش - با ما زمان چریکها و جناح چپ در یک نظام فکری قرار دارد ، لیکن اختلاف در پیشش سیاسی و تاکتیک آنها ، که البته خود ریشه در جایگاه واقعی متفاوت هر یک از آنها در این نظام موطیف فکری و ایدئولوژیک دارد ، منجر بدان گردید که راه کار گرو از این اتحاد عمل دوری گزیند و ما زمان چریکها در آن شرکت جوید . به بیان دیگر این دو حرکت متناقض ، علیرغم نظام فکری و ایدئولوژیک مشترک از یکسو ، حکایت از پتانسیل رادیکالیسم سیاسی ما زمان چریکها داشت که آنها را در سطح گزینش متحد خویش در این همکاری مشخص سمت ما زمان ما سوق داد ، و از سوی دیگر گواهی ضعف این پتانسیل در راه کار گرو بود که او را از این حرکت متحدگریزان میساخت .

محمول و نتیجه عملکرد این مجموعه تفا و وحدت ها در نهایت ، این بود که علیرغم ظهور تزلزلات و تردیدها شی در زمان انتخابات در ما زمان چریکها ، سرانجام موندلایل نزدیکسی سیاست تاکتیک ، ما زمان ما و ما زمان چریکها ی

فدائی خلق ، در کنار هم قرار گرفتند . و بدین ترتیب به حول این مسئله اساسی در اتحاد عمل ، سرانجام ترکیب نهائی نیروهای شرکت کننده شکل گرفت .

۴- در مورد حکومت و جناحهای آن :
مانایستهای که رفقای فدائی معنی سرزد انقلابی دانستن حکومت ، در پلاتفرم خویش ارائه دادند ، کاملاً موافق بودیم . و از آن استقبال نمودیم . پیشنها ما معنی سر موضعگیری علیه هر دو جناح در درجه اول نظارت بر این داشت که پلاتفرم صرفاً علیه جناح معینی از هیات حاکمه نشا شد . پیشنها "حکومت صدام انقلابی" از این لحاظ نظراً ما را نا مین میگرد . در مورد موضعگیری علیه جناحهای مختلف حکومت توافق بر این شد که اگر همکاری محدود و دو زمان گردید ، این

آنچه که راه کار گرو در این اتحاد عمل به هراس و می داشت ، تزلزل اونسبت به این سیاست تاکتیک ، یعنی سیاستی که ما قاطعانه از آن دفاع میکردیم ، بود و نه چیز دیگر . آن "چیزی" که در اتحاد عمل فوق ، در صورت شرکت راه کار گرو ، مخدوش میگردد ، با سیفیم سیاسی راه کار گرو دیدگاه راست روانه و با سیفیمستی اونسبت به این نوع تاکتیکها و حرکتها بطور کلی در شرایط کنونی است .

موضعگیری در قطن ما راه همپا شی گنجا شده بود که چنین نیز شد .

۵- بحث حول بند ۳ پلاتفرم ما زمان چریکها (مبارزه برای دمکراسی از طریق مبارزه با اختناق و سرکوب و ایجاد شوراهای اخلاقی)
رفقا از این شعار یک شعار تاکتیک مرحله ای را منظور نظر داشتند . صرف نظر از آنکه مبارزه برای تامین آزادیهای سیاسی و شوراهای واقعی ، بصورتی که رفقا آن را تحت یک شعار تاکتیک مرحله ای تصور میزدند و فرمولی میگردند ، درست بود یا نه - که ضرورتی به بحث و توافق بر سر آن در یک آکسیون مشخص وجود نداشت - از آنجا که برای ما هم مبارزه با اختناق و سرکوب و مبارزه برای تامین آزادیهای سیاسی مطرح بود ، اختلافی در اتحاد عمل حصول چنین خواسته ای در یک آکسیون مشترک محسوس در روزی چون اول ماه مه ، سرور نشیمود . و بنا - بر این ما تا کید بر اینکه صورت شعار مرحله ای فرموله نشود و سمت مبارزه آن هم مشخصا علیه رژیم جمهوری اسلامی باشد ، توافق حاصل گردید .

۶- بحث مهم و گنجا در ما رفقا سر پیشنها در موضعگیری علیه حزب شده ، اکثریت و سه - جها سی ها بود . پیشنها اولیه ما چنین بود که ما این نیروها بعنوان نیروهای رومیزیوست ضد انقلابی مرز بندی شود . البته این پیشنها در ما با این کیفیت - یعنی گنجا نیدن صدام انقلابی بودن رومیزیوست ها در پلاتفرم - همچنانکه در دستور سعادا ره خوا هم کرد ، از آنجا که متناسب با وضعیت ذهنی و اونسبت موجود نیروهای حش کمونیستی نبود ، یک برخورد چپ روانه نبود ، اما صرف نظر از این مسئله ، پیشنها ذات بعدی ما نیز (پس از اصلاح موضع اولیه ما) که موضعگیری بر علیه این نیروها ، بر اساس مواضع مشترک

های بینا بینی حداقل تنها یکی است که میتوان از آن نام برد. ما در شرایط موجود حداقل برای این نظر بودیم که فعلا لیت روز اول ماه مه در تهران و بوکان میتواند نسبتا کمیته برگزاری مرکب از ما، گومله و سایر چریکها برگزار شود و این حرکت از جهات مختلفه اش اثرات سیاسی آن وجه از نقطه نظر پیوند جنبش مقاومت با جنبش سراسری وجه از نظر تشکیل هر چه وسیعتر و انقلابی مفید و مثبت باشد.

اما ما زمان چریکها نظردیگری داشتیم و مستعد بودیم که در شرایط فعلی اتحاد عمل را سراسری نمی بینیم و نظرها را برای این بودیم که اتحاد عمل آنها و ما با گومله در کردستان (بوکان) در این روز درست ولی در تهران نادرست است! که طبعا این نظرها طرف مایه و دوانی از زیبایی

هم نظر ما چنین بود که برگزاری یک اتحاد عمل سراسری با گومله، ولو اینکه گومله در تهران نیروی محسوب نشود، نه تنها اشکالی ندارد، بلکه برای پیوند با جنبش مقاومت خلق کرد و جنبش سراسری کارگران و زحمتکشان و همچنین تشکیل یک صف نیرومند انقلابی در برابر ارتجاع و رویزیونیست ها، امری کاملا ضروری است. ما تا کید نمودیم که اتحاد عمل را با میتو اندیمورت منطقه ای صورت گیرد، به این معنی که در مناطق مختلف نیروهای مختلف، متناسب با وضعیت هر یک و با توجه به اصل تناسب نیروها به توده ای با یکدیگر همکاری نموده و در اتحاد عمل مشخص شرکت جویند. طبعا در چنین شکلی از اتحاد عمل، اگر مثلا دو نیرو در تهران بدلیل حداقل با به توده ای و متناسب آن با

● نظرها چنین بود که برگزاری یک اتحاد عمل سراسری با گومله، ولو اینکه در تهران نیروی محسوب نشود، نه تنها اشکالی ندارد، بلکه برای پیوند با جنبش مقاومت خلق کرد و جنبش سراسری کارگران و زحمتکشان و همچنین تشکیل یک صف نیرومند انقلابی در برابر ارتجاع و رویزیونیست ها، امری کاملا ضروری است.

نا صحیح و غیر واقعی این رفقا از وضعیت خود در کردستان و وضعیت عمومی رفقای گومله در جنبش سراسری ایران بود.

● اختلاف در مورد شکل تبلیغات: در مورد تکمل تبلیغات و دعوت برای شرکت در راهپیمایی اختلافی به این صورت بروز نمود. نظرها چنین بود که هرگونه دعوت به راهپیمایی چه بصورت تراکت و تابلو مشترک یا شویا در تراکت و تابلو نویسی یا زمانها، باید با بدنامی برگزار کنندگان را به پیماشی مشخصا قید شده و از تبلیغات به شیوه ای که مستقیم و غیر مستقیم از آن چنین استنباط شود که راهپیمایی توسط این یا آن سازمان به تنهایی برگزار میشود، احتراز شود. ما هر بر خورده ای غیر از این را یک برخورد پورتونیستی دانستیم و مبتنی بر یک رقابت سالم نمیدانستیم ما در همین اینکه تبلیغات مستقل، جهت دعوت به راهپیمایی اول ماه مه را حرا مسلم هرما زمانی میدانستیم، ما آن را گونه ای جایز و موصی می شمردیم که در متن آن نام برگزار کنندگان مشخصا قید شود و نیز در آن این مسئله بطور مستقیم یا غیر مستقیم به این صورت انعکاس نیابد که راهپیمایی وابسته به این یا آن سازمان است ما این عمل را نه تبلیغات مستقل، بلکه یک رقابت سالم و تشنگ نظرها از زیبایی می نمودیم رفقای چریکهای فدائیان نظرها را برای بود که شکل تبلیغات به این صورت که هواداران نشان به امضای سازمان چریکهای فدائی توده ها را دعوت به راهپیمایی اول ماه مه - بدون قید برگزار کنندگان راهپیمایی - نماید درست بوده و آن را در جهت تبلیغات مستقل هرما زمان و مبتنی بر رقابت سالم میدانستند.

سازمانها از برخورد به این اختلاف، نظرها ما مورد تأیید قرار گرفت و توافق گردید که

یکدیگر، بتوانند با حقوق برابر همکاری و اتحاد عمل ببرند. اتحاد عمل و حرکت مشترک با حقوق برابر آنها، در یک منطقه دیگر، چنانچه متناسب نیرو در آن منطقه برقرار نباشد، غیر اصولی و نادرست میباشد.

و با این همکاری و اتحاد عمل میتوان سراسری یا توده ای در این یا آن منطقه بطور کلی در پوشش یک کمیته برگزاری صورت گیرد که اعضا اطمینان مرکب از نیروهای باشد که در کل ایران بعنوان یک نیروی قابل توجه محسوب شوند. در چنین شکلی از اتحاد عمل ضرورتا چنین نیست که اصل تناسب نیرو در سطح این یا آن منطقه مورد ملاحظه قرار گیرد و بر اساس آن همکاری فقط در مناطقی صورت گیرد که نیروهای طرفین از تناسب منطقی در برابر هم در آن منطقه خاص، برخوردارند. در این نوع اتحاد عمل، نیروی تشکل فوق، در مقیاس سراسری جا معده در نظر گرفته میشود. و بر این اساس، بطور مثال اگر گومله در کردستان از یک پایه توده ای برخوردار است و سازمان ما و سازمان چریکها در تهران یا مناطق دیگر نیروی قابل توجه داشته باشند، اتحاد این نیروها در شکل سراسری آن اصولی بوده و غیر از آن مبتنی بر واقعیت یعنی این نیروها نمی باشد.

درواقع این اتحاد عمل، به اعتبار وضعیت عمومی هر یک از اعضا شرکت کننده آن در کل ایران، میتواند صورت گیرد، و بخصوص تشکیل صف مرکزی آن در تهران میتواند تدجلی اتحاد کل نیروهای انقلابی ایران بوده و وجود عدم وجود هر یک در تهران و یا کردستان، گذشته ای بر واقعیت یعنی این صف و اعتبار سیاسی آن، وارد نمیشود. طبعا اثرات سیاسی تشکیل چنین قطبی در سیخ نیروهای انقلابی و متحد نمودن تمامی نیروهای انقلابی حول آن، و جذب نیرو -

موجود، یعنی ارزیابی از آنها بعنوان مبلغین سازش طبقاتی و خائنین به طبقه کارگر و انقلاب و با بعنوان متحدین و حامیان بورژوازی را، ضروری و لازم میسرود، از جانب این رفقا مورد مخالفت قرار گرفت. این رفقا تنها موضعی که پیشنهاد می نمودند، نام بردن از آن بعنوان رفرمیست یا سوسیال رفرمیست - یعنی موضع رسمی آنها در برابر این نیروها، بود. در غیر این صورت آنها سکوت را جایز می شمردند. آنها تا کیدشان در این زمینه تا حدی بود که می توانست همکاری را به زیر سوال ببرد. طبعا از آنجا که سوسیال رفرمیست یا رفرمیست خواندن موضع فدائیان، با مضمون و محتوای آنها در سطح جنبش از آن ارا شده داده بودند، با موضع سازمان ما در تفاد قرار داشت، سرانجام عدم موضعگیری بر سر این مسئله در پلتفرم تصمیم گردید که ما با حفظ موضع انتقادی ما این امر توافق نمودیم. در این مورد بیشتر بحث خواهیم کرد.

● اختلاف بر سر شرکت رفقای گومله: علیرغم پیشنهادی که ما در حدود یک ماه قبل از اول ماه مه مبنی بر همکاری در روز اول ماه مه از طریق کمیته تهران گومله به این رفقا داده بودیم، پاسخ گومله متاسفانه تا مدتی، بدست ما نرسید و پاسخی که در حدود دو روز قبل از اول ماه مه دریافت داشتیم حکایت از عدم آمادگی این رفقا برای برگزاری مراسم مشترک سراسری نبود. طبیعتا ما بنا بر تراجیب قبلی در همین اینکه آمادگی این راداشتم که از هر نیروی دیگر در چنین پیشرفت کارگاملا استقبال کنیم، اما حرکت خود و تدارک امور را موکول به وضعیت و پاسخ نیروهای دیگر ننمودیم و در این رابطه بر آن شدیم که با هر نیروی که آمادها شد، کارها را جلو ببریم. در آخرین روزها حدود ۵ - ۷ روز قبل از اول ماه مه، از رفقای مرکزیت گومله توسط کمیته کردستان سازمان، خبری دریافت شد که داشتیم که گومله پیشنهاد همکاری و اتحاد عمل برای روز اول ماه مه را داده است. از آنجا که ما از قبل نسبت به این امر نظر مشخصی داشتیم از این پیشنهاد استقبال نموده (م) و شرکت گومله را در این اتحاد عمل - که هم اکنون تقریبا به سرانجام خود رسیده بود - پیشنهاد ننمودیم که بدلیل اختلاف نظریه نتیجه نرسید. از او به مسئله به طولی و یک - سیاسی که با توجه به مواضع رفقای گومله، هیچ مشکلی در این جهت وجود نداشت. در مورد مسئله نیرو

(م) - گویانکه بعد از روشن شدن رفقای ما استنباط نادرستی از پیشنهاد گومله نموده اند و پیشنهاد این رفقا مبنی بر یک اتحاد عمل سراسری و اتحاد عمل کامل در کردستان ننموده است. اما از آنجا که خود ما در این رابطه نظرداشتم، لازم دیدیم که این بحث را در اینجا منعکس نکنیم که تا رفقای گومله هم در جریان نظرات ما قرار گیرند.

تبلیغات بصورت فوق الذکر یعنی اولاً بصورت تراکت مشترک به امضای دوما زمان و ثانیاً تبلیغات بصورت تبلیغات مستقل با قید نام مرگسزار - کشندگان راهیمائی در ضمن دعوتنامه بصورت گیرد.

علیرغم چنین توافقی متاسفانه مسأله در تبلیغات بیرونی رفقای فدائی شاهدی این توافقات بودیم. بطور مثال مشاهده کردیم که سه تمهیدات خودمستنی سرانگشتا روپخش تراکت مستترک مطابق تمسکات معین توافقی شده عدول کرده اند و غالباً دعوتنامه را مزین به آرم سازمانی خویش ساخته اند. علاوه بر این در مواردی نیز در تبلیغات تبلیغاتی هواداران این سازمان در روز قبل از اول ماه مه، مشاهده

نگرانی دارند! و مشخصاً در رهبری عملی راه - بیمائی حقوق بیشتری برای خودمان طلب هستند. و در صورتیکه چنین "حق" نامی نبود آنها بیای اس اتحاد عمل بخوانند آمد. و آن را مستفسی خوانند نمود. و عملاً تمیزی را اینکه مذاکرات در این نقطه بین بست رسیدن توافقی طرفین دستور توقف تبلیغات و انتشار رستند عوسا مه داده شد.

این حرکت غیرمترقبه سازمان چریکها آنها در شرایطی که بلا تفرم و دعوتنامه را هیمائی سنی استنار یافته بود، از نظر ما شدیداً قابل انتقاد بود. اولاً به این دلیل که این ادعا بعد از توافقی سررگشتا و اصول همکاری و تشمیسات اتحاد عمل بر مبنای بلا تفرم مشخص مطرح میشد. خیلی روش بود که هیچکدام از طرفین در تمام

● ما معتقد بودیم هنر رهبری که هژمونی خویش را پیش شرط تعیین نماید، در واقع بر سیاست اتحاد عمل خویش استوار نیست، ترازل دارد و دچار محافظه کاری است و در همین رابطه نمیتواند بر خط اتحاد عمل خویش با قاطعیت حرکت نماید.

دعوتنامه، تحت شعار "مرگ بر امپریالیسم جهانی سرگردگی امپریالیسم آمریکا" یعنی شعار سازمانی این رفقا که مورد اختلاف آنها با ما بود و بلا تفرم هم حذف گردیده بود، و با امضای سازمانی آنها، بودیم. بدون آنکه روشن نبود برگزار کنندگان این راهیمائی کیا نند. در واقع امضا و شعار فوق، هیچ معنای جز اینکه برگزار کنندگان این راهیمائی چریکهای فدائی خلق است نمیداد. از نظر ما، این برخوردها، صرفنظر از مضمون غیر کمونیستی و تنگ نظرانه و مکتب پرستی اش با توافقات طرفین کاملاً منافی است و از این جهت قابل انتقاد بود. ۷- آخرین اختلافی که بین ما و چریکهای فدائی بروز نمود و به نقطه حساس و تعیین کننده ای در این اتحاد عمل کشیده شد، بر سر رهبری عملی راهیمائی بود. آنها پیس از اینکه بلا تفرم و دعوتنامه تنظیم شده و انتشار یافت، مطرح کردند که بنظر آنها در موقع بروز اختلاف در رهبری عملی راهیمائی یک سازمان با بد تصمیم گیره آن هم باید آنها باشند. وقتی ما توضیح خواستیم، ابتدا مشکل تصمیم گیری و فرماندهی متمرکز را در شرایط حساس با وجود دو طرف (دو رای) مطرح نمودند که می توانست در صورت اختلاف تصمیم گیری را به بین بست بگشاند. رفقا توضیح دادند که اگر چه نیرو شرکت میکردند، چنین مشکلی وجود نمی داشت و برای حل این مسئله راه حل فوق را ارائه می دادند.

بعد از اینکه ما راه حل های مختلفی را برای حل این مشکل ارائه دادیم که مضمون مسئله تصمیم گیری را حل مینمود، رفقا مطرح نمودند که اما ما مسئله آنها چیز دیگری است و آن اینکه خود را نسبت به ما در وضعیت برتری می بینند و از تجربه بیشتری نسبت به ما برخوردارند و او اینکه در صحنه عمل از آنها با احتمالی مسا

بلائی هوئی اتحادهای را هم طلب نمیکند. در مسا میوانست سازمان دهدهکها این ادعای رفقا را چه حدفاقدما به واسطه عیبی و اسوار است علاوه بر آن، اگر چه اتحاد را بعد از دلایل خود را در آرا ندان سنسپاد، "سی اعتمادی" رهبری عملی ما و به ما تا کمکی ما فراردهند، آنگاه سوال ما این است که چرا این رفقا این استنابای چنین اتحاد عملی آمدند؟ و چرا چنین اتحاد عملی را حاضر نمودند و ما حدفاصل چرا برای رفع سرع خود این مقصده مسئله هوئی را در بلا تفرم همکاری ما مانگنا شد؟ آیا برای این دلیل صرمینواند سوچه را صولی باشد. ما سر - اس آنجکه که مسما شد، و مسای واقعی ایسین بیشها دوپا سازی را فراریدند سرزلنی است که اس رفقا در همکاری از خود ستان میدادند و در قسمت دیگر ستان حوا هم برداخت.

بما بر اس ما این نقطه نظر و حرکت رفقا را غیر اصولی دانستیم و ما امر اتحاد عمل در مقام می نسیم، ما معتقد بودیم رهبری که هژمونی خویش را - آنها در وضعیت مشخص سازمان مسا و چریکهای فدائی خلق - که فاقد هرگونه مسمائی عمسی بود، پیش شرط تعیین نماید، در واقع بر سیاست اتحاد عمل خویش اسوار نیست، سرزل دارد و دچار محافظه کاری است. و در همین رابطه ما به خط اتحاد عمل خویش با قاطعیت حرکت نمیدادیم.

این مسئله ای بود که بعد از (پس از) انتشار اطلاعیه مشترک دعوت نامه را هیمائی سنی در دهان آنها شکل گرفته بود و با بصورت ارجحاً مسا رفقا مطرح گردید. اما ما سر نظر را این سر خورد تا درست که جنبه فرعی استفا در تشکیل میدهد، استفا داخلی آنجا است که این مسئله در حین سرایطی، بصورت یک اصل مطرح میگردد، آنها پیس از بحث بر اصول همکاری و به سوا سنی رسیدن بر سر آنها، هیچ معنای جز استناب - طلبی ما نداشت. از نظر ما حرکت سازمان چریکها در این نقطه، یک عقب گرد بود و با دعوت اولیه و سیاستی که از ابتدا مطرح نموده بودند، کاملاً منافی است و نتایج داشت. هیچ بر سبب انقلابی چنین چیزی را جایز نمی شماریم که با نیرو سنی اتحاد عمل صورت گیرد و توافقی سر بلانده. آن به سرانجام رسیده باشد، دعوتنامه بلا تفرم در سطح جنبش منتشر گشته باشد. آنگاه مسئله فوق تا برابر مطرح شود و بدینتر از همه با فشاری سر روی آن تا تلاشی اتحاد سر رستنی شدن آن نیز جایز نموده شود. استفا دوم سر سر نقش این ادعا بود که خود با سیاست اول رفقا در نتایج قرار داشت. این ادعای رفقا سهیج وجه مستسی بر عینیت مشخص دوشیرو نبود و فقط یک ادعای ناصحیح بود که هیچکدام نمیتوانست مسمائی اتحاد عمل و همکاری ما دیگران فرارگیرد. واقعیت مشخص دوشیرو در سطح جنبش که در آن



برو ز نمود. اولاً در اینکه، سند موضعگیری بر علیه رویزیونیستها را - بعنوان یک اصل در پلاتفرم قرار میداد که طبقاً هرگونه اشکالی را به حوال آن، حتی تا مرحله حذف آن، از پیش ناممکن میشد. و دوم اینکه مضمون تعیین شده در پلاتفرم پیشینها دی (یعنی مرزبندی با افسان نیروها بعنوان نیروی رویزیونیست فلسفه انقلابی) مشتاسب با وضعیت عینی و ذهنی نیروهای جنبش کمونیستی نبود. و از این لحاظ می - باست مضمون نازلتری را مطرح مینمود.

در مورد نکته اول باید گفت که در این شکی نیست که پلاتفرم یک اتحاد عمل انقلابی، آنهم در روزی که پیوند تمام و تمایمی با مبارزه پرولتاریا دارد، می باست حتی الامکان حاوی موضعگیری بر علیه دشمنان و خائنین به طبقه کارگر که هم بریک پرولتاریا و هم سرانقلاب ضربه میزنند باشد. اما قرار دادن این مسئله بعنوان یک اصل، و جابجاشدن انعطاف سر آن، چنانچه منجر به تلاشی اتحاد عمل گردد، به معنای آن است که اصول را مانع برای پیشبرد مبارزه، بلکه برای نفس اصول تقدیس نمائیم. این به معنای آن است که ما طالب آن باشیم که در هر اتحاد عملی ذهن گریا باشد. تلاش کنیم همه اصول و موازین خود را بکنجا نیم و با بگوئیم بر مناسبات عینی نیروها، و شرایط ذهنی مفروض آنها تعمیل نمائیم. بدون آنکه زمینه پذیرش داشته باشد. بدون آنکه تابع ملاحظات و مقتضیات یک تاکتیک در پروسه مبارزه انقلابی، یعنی ضرورت دست زدن به سازشها، مصالحه ها و انعطاف های تاکتیکی باشیم. به همین دلیل علیرغم آنکه در این اتحاد عمل کاملاً ضروری و مطلوب بود که بر علیه رویزیونیست ها بصورت صریح موضعگیری گردد و با فشاری ما در این مورد کاملاً اصولی بود، اما قرار دادن آن را به مثابه یک اصل، برخوردی چپ روانه "ارزیا بی میکنیم. بخصوص اینکه بهر صورت نفس انقلابی بودن پلاتفرم مرزبندی روشی با رویزیونیستها داشت. در مورد نکته دوم نیز، از آنجا که از پیش روشن بود که سطح تکامل و وضعیت عینی نیروهای جنبش کمونیستی، زمینه پذیرش موضعگیری در برابر رویزیونیست ها را بعنوان یک نیروی فدا انقلابی، فراهم نیاورده است، بنا بر این گنجا نیدن آن در پلاتفرم پیشینها دی نیز، نادرست و چپ روانه بود و از ضروریات و ملزومات اتحاد عمل تاکتیکی در شرایط مشخص مفروض، بسدور بود. ارتقاء مواضع ایدئولوژیک در یک اتحاد عمل تاکتیکی نه بطور مکانیکی و از طریق تعمیل مواضع، که لاجرم اتحاد عمل را به شکست می کشاند، بلکه از طریق مبارزه ایدئولوژیک در دستر براتیک انقلابی و از طریق نشان دادن صحت مواضع در جریان عمل و پراتیک (مشترک و یا مستقل) ممکن میشود.

المنه این سیاست، سیاست فدای ما بود و بعد و قبل از اینکه صورت عملی بخود گیرد، از

حانب سا زمان تصحیح گردید. سهمین جهت مادر عمل در راستای این سیاست حرکت نکردیم. اما در پلاتفرم اوله ما، چنانکه گفتیم این امر مورد توجه مرا رنگرفت و این خود مستأشبهایی شد که هشیتم تحریر به سا زمان علیرغم نظرات اصلاح شده مرکزیت که در عمل پیش میرفت، در مقاله پیکار ۱۰۴ دجارش گردید. این درک چپ روانه در واقع انعکاس بی توجهی به ملزومات و مقتضیات یک اتحاد عمل تاکتیکی، عدم درک کافی از ضرورت بسیج هر چو بیشتر نیرو و حوال یک قطب انقلابی و پلاتفرم انقلابی بود. سهمین جهت ما این حرکت و تحریر آن را حداقل برای حدود دسناوردی در جهت فضا بخشیدن به تحسار ب تا کسکی خود میدانیم.

اما چرا پلاتفرم سا زمان چریکها، راست و تقلیل گرایا نه بود؟

به این دلیل ما به که پلاتفرم، علیرغم خلست انقلابی خود، و علیرغم آنکه در مواضع دوسا زمان وجه مضنری در موضعگیری بر علیه حزب تسوده، اکثریت داشته چنانچه وجود داشت، نسبت به افسان خائنین به انقلاب و طبقه کارگر سکوت میکنید. هیچ نیروی نمیتواند حکومت را صداسقلاسی بداند، اما متحدین و مدافعین آنرا در درون جنبش کارگری خائنین به طبقه وتوده ها و متحد سوزواری قلمداد نکنند بحث صرفاً بر سر یک موضعگیری ایدئولوژیک در یک حرکت دمکراتیک و کارگری (نه کمونیستی) نیست. بحث بر سر سک موضعگیری سیاسی یعنی روشن نمودن جایگاه و موقعیت یک نیرو و آرایش قوای سیاسی و طبقاتی جامعه، و در تعیین جهت انقلاب و ضد انقلاب است. اینجا است که پلاتفرمی که نسبت به انقلاب موضع قاطع دارد، هرگز نمیتواند نسبت به فدا انقلاب و خائنین به طبقه کارگر سکوت بماند. مگر اینکه نیروی مزبور خود دچا رتنا قضی - گوئی باشد.

البته در پلاتفرم، یک موضعگیری حداقل در برابر رویزیونیسم و فرقیسم وجود دارد و آن سند مربوط به ضرورت رهبری طبقه کارگر در انقلاب است. این سند که با راه و شد غیر سرمایه داری از یک زاویه سیاسی مرزبندی می نماید، خودی خود برخست انقلابی پلاتفرم می افزاید و سوسه خود دستاوردی در این حرکت در مرزبندی سیاسی خط خیا - سازش و رویزیونیسم است. اما ماضن تا کید سراسر، دستاورد آن را کاملاً ناکافی میدانیم چرا که این موضع گیری از لحاظ سیاسی صریحاً، سندی - نیروهای خائنین به طبقه کارگر و انقلاب - بریزندارد. و از این لحاظ است که ما این عدم موضعگیری را به سکوت تعبیر میکنیم و آن را قابل انتقاد میدانیم.

بنظر ما اگر دچا رتنا قضی نمائیم، روشن کردن موضع صریح در برابر این نیروها و تعیین جایگاه واقعی آنها، در صحنه سیاسی جامعه، احتیاج به کشف و شهود و رمل و اسطراب و تحلیل و تفسیرهای سیاسی پیچیده ندارد. حداقل این نکته عیان است که آنها خود شب و روز از بوق های

تسلیماتی خویش، از همکاری شان با بورژوازی و از حاسات از یک رژیم فدا انقلابی و از خیا نیست صریحاً نه طبقه کارگر و انقلاب (السته روشن است که تحسوش عسارات انقلابی) سخن می - گوید و خود را صریحاً متحد پیروپا قرض بورژوازی و دشمنان انقلاب میداند (السته با ورونه کردن جایگاه انقلاب و فدا انقلاب) پس در اینجا چه چیزی مخدوش میشود، موضعگیری ایدئولوژیک شما یا حاسات اس دا روسته های فدا انقلابی چگونه میشود پلاتفرمی که نسبت به فدا انقلاب موضع قاطع دارد، نسبت به متحدین فدا انقلاب و خائنین به طبقه کارگر نسبتاً موضع بگیرد، شما در حوال میگوئید که موضع گیری شما نسبت به "حزب تسوده" و اکثریت، روشن سودا و آن را سوسال رفرمیست و "خائنین به طبقه کارگر" میدانید. اما زمانیکه پای همکاری با نیروهای دیگری مثل ما سروسه، و شما "سرگ بر امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا" را حذف کنید، دیگری نمیتواند نسبت به این نیروها موضعگیری کند و آنها را خائنین و متحد سوزواری قلمداد نماید. چرا که مرزها میان مخدوش می - شود. شما این مسئله را ضمن توضیح پروسه بحث فی ما بین سراسر این سندنسب ممکن میکنید: "رفقای پیکاری موضع ما در قبال "حزب تسوده" و "جناح راست اکثریت" را خواستار شدند. ما اعلام کردیم که موضع ما بدفعات در "کار" منعکس شده است و آن این است که ما "حزب تسوده" و اکثریت جناح راست را، رویزیونیست و (سوسال رفرمیست) و خائنین به منافع طبقه کارگر میدانیم. از این پس رفقا بر سر منعکس کردن همین موضع در پلاتفرم اصرار می ورزیدند ما با این امر مخالف بودیم زیرا آن جا که ما آگها نه به قصد طلب کلیه سا زمانهای انقلابی به اتحاد عمل و اتحاد مبارزه در روز اول ماه مه در طرح شما "نا سودا دا امپریالیسم جهانی سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پیکاساه داخلی اش" تا حد "نا سودا دا امپریالیسم آمریکا و پیکاساه داخلی اش" در پلاتفرم تقلیل داده بودیم هرگونه طرح مبهم و نا روشن که موجد خسدوش شدن خط و مرزها و بیرونتوهم نسبت به اردوگاه سوسال لیسم شود، موضمان را در پلاتفرم فلسفه با اصول خود میدانیم و همین دلیل اصرار بودیم در این پلاتفرم "حزب تسوده" و "اکثریت" - جناح راست در حد رفرمیسم موضعگیری شود." (کا رتسا ۱۰۴)

در اینجا شما دچا ریک رتنا قضی آشکارا رشتید. سطر ما در این برخورد شما چند اشکال اساسی وجود دارد. اول اینکه بطور کلی موضعگیری نسبت به شما می خائنین به طبقه و متحدین سوزواری، خواه میخواهد بصورت کار رتناقل یا ندبا مشترک یک ضرورت است و با ستنیاط ما نه تنها هیچ نیروی نمیتواند نسبت به این مسئله بی تفاوت باشد بلکه سرعکس باید در این زمینه پیشرو بوده و کوشش نماید سیر و هسای

انقلابی دیگر را هم در جا رجب نظرات مشترکشان به موضعگیری سرعلیه خا شنین به طبقه و انقلاب یکسانند. در اینجا بنظر ما توجیهاتی از این قبیل که در موضعگیری مشترک مررها مخدوش میشود و تحلیل های نیروهای مختلف از این "خباثت" اتحاد با بورژوازی "مختلف بسوده و بنا بر این مواضع آنها مخدوش میشود، بهیچ وجه قابل قبول بسوده و ما ما نا درست است. این دیدگاه با بدعلا به نفعی هرگونه همکاری و اتحاد با دیگر نیروهای انقلابی و کمونیست برسد. اتحاد دپرولتا ربا با حده بورژوازی در انقلاب دمکراتیک و شرکت آنها در یک جنبه واحد مبارزه و فعالیت در چها رجب این جنبه، بهیچ وجه مستلزم داشتن تحلیل واحد کمکراسی، تحلیل و درک واحد از مضامین دمکراتیک انقلاب نیست و آنجا که ما با چنین چیزی نمیتواند مفهوم داشته باشد، هیچگاه مبنی هم رار نمی گیرد. به این ترتیب این استدلال رفا که در موضع گیری مشترک نسبت به خا شنین به طبقه و انقلاب مواضعشان مخدوش میشود، ما ما نا درست و متناقض است. به استنباط ما میتوان و باید با نیروی که انقلابی با شد در مقابل هر نیروی که نسبت به انقلاب ونوده خا شنین است کرده است، در چها رجب مواضع مشترک و با جنبه های مشترک یک موضع، موضع گرفت. و اما این دوگانگی که مواضع شما در یک اتحاد عملی تقلیل میدهد و آن را دچار تناقض میکند، صرف نظر از حرکت متزلزل شما در برخورد با نیروهای انقلابی و صد انقلابی (حداقل بقول شما خا شنین به طبقه کارگر) حکایت از تناقضات ذاتی ایدئو - لوزیک شما و موقعیت ما بر شما از لحاظ ایدئو - لوزیک میکند.

شما با بدیبا سخ گوئید که کدام احساس، کدام گرایش و کدام تناقض شما را به سکوت حتی در برابر حداقل موضع سرعلیه نیروهای خا شنین فوق سراسر جنبه های مشترک مواضع (اگر چنانچه وجود آن معتقد هستید) یکسانند. شما میگوئید که این موضعگیری با توجه به دیگر مواد پلاتفرم باعث "سروژوهم نسبت به اردوگاه سوسیالیسم" میشود. سوال ما این است اگر شما برضا مبین ارزیابی تان از نیروهای رویزیونیست فوق استوار هستید، چگونه طرح این مضامین را و یا حداقل گوشه ای از آن را، مخدوش شدن "اردوگاه سوسیالیسم" مورد ادعای خود میدانید، آیا نباید این هراس و بیم راناشی از تناقضی دانست که میان موضع ایدئولوژیک سیاسی جهانی شما و موضع ایدئولوژیک سیاسی داخلی شما، تناقض میان موضع شما در برابر نیروهای رویزیونیست و حزب نوده و اکثریت و حزب رویزیونیست شوروی و اقامت وجود دارد؟

اگر مرز بندی شما با رویزیونیسم و با حزب نوده و اکثریت، از سنگ سناي مستحکمی برخوردار میباشد و از درک حسی فرا تیر میرفت و به یک درک عمیق ایدئولوژیک انگتاف مینافتا با جای

چنین هراس و سیمی وجود میداشت، ما معتقدیم که نفس حرکت شما در این اتحاد عمل با مفا مین موجود در پلاتفرم، یک گام مثبت و نشانه رادیکال لیم سیاسی و در همان حد ایدئولوژیک شما نسبت به دیگر نیروهای سائرتیستی بود. و این برای ما یک گام قابل تقدیر و ستایش می باشد. لیکن انتقاد ما در این است که شما بدلیل همان التقاط، نتوانستید گامهای بیشتری بردارید. و پس از یک جهش مثبت در نقطه ای از متزلزل و تردید توقف نمودید و این توقف و تردید، حاکی از حد اکثر ظرفیت ایدئو - لوزیک شما در مقطع مورد بحث بود. در واقع متناقض میان رادیکال لیم موجود در مواضع شما، با مجموعه سیستم ایدئولوژیک - شوریک شما، متناقض است. این تردید و متزلزل بود، در یک مقطع شما این تناقض را به نفع رادیکال لیم خود شکستید (درست شما منظور که راه کار گما ز همان ابتدا این تناقض را به نفع موضع راست خویش حل نمود) و شما در عرصه حرکت و در بر خورد به واقعیت سخت، از این رادیکال لیم خویش در جهش ابتدائی نیرو گرفتید. اما در گامهای بعد و در زمانی که لروم تعمیق بیشتر این حرکت صورت، خوشترن را در برابر این تناقض خلق - سلاح بسوده و سکوت را جا بز شمردید. این است آن انتقالی اصلی ما به شما که در واقع در رابطه میان آن سکوت و این تناقض ایدئولوژیک بروشنی می شما یاند.

و اما بعد شما میگوئید ما ده هستید که در یک اتحاد عمل حزب توده را "سوسیال رفرمیست" بدانید. طبیعی است که این موضعگیری شما با مواضع ما منافات داشته و خواناشی نداشت چرا که هر اتر از جنبه های مشترک مواضع دوسا زمان بود و یک مضمون خاص را القا میکرد که به نفع سیاسی و اصول مورد اعتقاد ما می انجامید. اما به استنباط ما در چها رجب یک پلاتفرم انقلابی ما می توانستیم موضعگیری مشترک، که همان تلفی از حزب توده، بعنوان خا شنین به انقلاب خا شنین به طبقه کارگر و با متحد بورژوازی باشد، داشته باشیم، اما متاسفانه هیچیک از این مواضع گیری ها را که تحلیل و تفهیم ما شما نموده و میان یکی با برخی از جنبه های واقعیت عینی این نیروها باشد، ننیدیرفتید. و نتیجتاً از موضع خود نیرتنزل کردید.

نکته دیگری که رفقای فدائی در همین رابطه مطرح نمودند، چنین بود که اگر بخواهند نسبت به حزب توده و اکثریت موضع بگیرند، با بد نیست به تمام انحرافات موجود در جنبش کارگری و از جمله "آنا رکو سندی کالیم" (که گویا منظورشان از انتقادات آنها نسبت به ما باشد)، موضع بگیریم. این دیگر بنظر ما عذر بدتر از گناه بود. این به آن معنی است که ساز نظر رفا، موضعگیری علیه خا شنین به انقلاب ما و متحدین بورژوازی با موضعگیری علیه انحرافات موجود در درون جنبش کمونیستی و انقلابی می همان در نظر گرفته میشود. مگر آنکه از "رفرمیسم"

حزب توده و اکثریت بعنوان انحرافی در درون جنبش کمونیستی و انقلابی و با حداقل در درون جنبه انقلاب، ارزیابی داشته باشد و برای پیش صرف نظر از انحراف مضمونی ترقی خواهانسه قابل با شند، تنها در این صورت میتوانند موضع گیری علیه این نیروها را مستلزم موضع گیری علیه انحرافات نیروهای دیگر بدانند. نفس این استدلال، در واقع خود بروشنی متزلزل و ضلعت تقلیل گرایانه موضع گیری این سازمان را در برابر نیروهای فوق الذکر روشن می سازد. بهر حال اینها سوالاتی است که رفقای فدائی با بدیبا سخ گویند.

فیه و چگونه تحقق عملی پلاتفرم:

همانطور که گفتیم در جریان عمل، مهمترین اختلاف در رهبری عملی را همیشه بروز نمود. در جریان عمل سیاست رفقای فدائی، بر عکس این جنبه از پلاتفرم پیشنها دی آنها که در جهت بسیج هر چه وسیع تر نیروها بود، عملاً به انشعاب - طلبی و سکتا ریسم کشیده شد. بطوریکه اگر بصورت مشخص ما تفا هم لازم را بخرج نمیدادیم، این اتحاد عمل به شکست انجامیده بود. این انشعاب طلبی که روی دیگر که همان پلاتفرم تقلیل گرایانه رفا بود، هر دو از یک نقطه منشأ میگرفت و آن چیزی از همان متزلزل و تردید و عدم قاطعیت رفا در استقبال و پیشبرد یک اتحاد عمل (علیرغم گامهای مثبتی که برداشته بودند) نبود. این متزلزل باعث میشد که رفقای در میان عمل اسعفا لازم را به خرج ندهند. و بهر اختلافی که میرسد، در صورتیکه نظراتشان تا مین نشود راه جدائی پیش گیرند، همگام ریشا را موکول به تا مین همزونی عملی نمایند، و خلاصه عملاً به پای تقص سیاست هاشی که اعلام کرده بودند، بروند. این سیاست در میان عمل با حرکت اولیه رفا تناقض داشت. و سهمین دلیل رفا برای این اتحاد عمل استوار و مصمم نبود و در چا رتنزل بودند. روشن است که قاطعیت و هنر یک سازمان کمونیستی تنها در اتر از یک برنامه و در اینجا برنا ما اتحاد عمل نیست. بلکه مهمترین از آن، ما دیت بخشیدن به آن برنا ما است. این همان چیزی است که بجات میتوان گفت رفقای فدائی نتوانستند بنحو مطلوب بدان جا سه عمل بسوفا ننند و در این زمینه ما دگی لازم را برای فراهم نمودن شرایط مضمون یک اتحاد عمل که لازم اش اسعفا قدمها لعه در چها رجب سیاست مبین انقلابی با شاد خود نشان ندادند.

در مورد مشخص، اگر براساسی چنین بود که بر پلاتفرم و قطعاً ما را همیشه ش سیاست حاکم بر را همیشه ش و با لاف رهبری عملی و دیدگاه این رهبری توافق حاصل شده بود، پس برای این در پیش آمدن هرگونه اختلافی در زمینه حقوق و حقوق، در وضعیت مشخص ما زمان و سازمان چریکها که از نظر نیرو، هرگز در وضعیت نیستند که یکی بر دیگری، آنها در سطح دو حقوق مختلف، برتری داشته باشند، هر راه عملی متنور و قابل بررسی

مجاهدین خلق: باز هم تزلزل در راه انقلاب

سازشکاری در صفوف خلق کردار محکوم کرده و سازمان و مقاومت انقلابی در برابر سرزمین ارتجاعی حاکم را تنها راه رسیدن به خواسته های بحق خود - دوشادوش دیگرزحمتگشان و خلقهای ایران - می شمارد، مهاجدین خلق برای نهادن انقلاب در گردنشان تبلیغ کرده و چهره حرب قاسلسو را بزک می نماید.

ادامه این روش، در کنار برخورد مهاجدین به حوادث اخیر تهران و سویزه سکوت مهاجدین در قبال برتاب نارنجک ارسوی با داران به سوی زحمتگندگان کمونیست و شهادت رفقای بیگناگر ترواسی و مهرعلیان در ۳۱ فروردیسن اسان سنا نه ای از رشد تزلزلات مهاجدین در سرخوردن انقلاب در مقابل ارتجاع حاکم می باشد. در مورد مسئله شکنجه و آزار زندانها نیز مهاجدین همچنان به زندانها می آید سنده کرده و از حمایت از زندانها کمونیست و دیگر زندانها استقلال خیری نیست.

ادامه این سیاست از جانب مهاجدین همچنان ننگه با رها گوشزد کرده ایم، ضررهای حیران - ناپذیری را برای انقلاب خلقهای ایران در - سرخواهد داشت. این حرکات اتفاق نیست اسن حرکات ریشه در گرایشات لیبرالی مهاجدین دارد. آیا اختلاف سیاسی ایدئولوژیک با کمونیستها مانع از محکوم کردن جنایات رژیم حاکم در قبال کمونیستهاست؟ ما زمان مهاجدین به ایس سؤال چه جوابی میدهد؟ حمایت از رژیمی که طرفدار مملکت و سرمایه داران است، حزبی که انقلاب کمونیست را کشتار میکند و عدم حمایت از کمونیستها و محکوم نکردن جنایات ارتجاع در قبال آنها جز سنا تزلزلات و گرایشات لیبرالی، چیز دیگری نمیتواند باشد.

با وجودیکه در هفته های گذشته، سازمان مهاجدین خلق در اعتراض به کشتارها و جنایتهای اخیر ارتجاع به یک سری فعالیتها گسترده شعری از جمله برگزاری تظاهرات تکه همنه تهران دست زد، اما در برخورد به نیروهای صدام انقلابی در دفاع از کمونیستها و در نتیجه در تقویت حسه انقلاب همچنان دچار راست روی است.

ما هیت حزب دمکرات گردن سنا بویزه پس از حملات وحشیانه اخیر بر علیه پیشرو که های بیگناگر و کوله وادامه همدستی اش با زمینداران بزرگ و داشتن روابط پنهانی با رژیم ارتجاعی عراق بیش از پیش برای توده های زحمتکش خلقهای ایران و سویزه خلق قهرمان گرد روشن تر میگردد زحمتگشان کرده بر علیه کشتار کمونیستها بدست عوامل مزدور "حزب دمکرات" فریادها اعتراض بر داشتند و نیروهای انقلابی و کمونیست حمایت های اخراجین حزب را محکوم کردند.

اما سازمان مهاجدین خلق، به تنها به این جنایات حرب اشاره ای نکرد و با سکوت خود سه تا بیخود آنها پرداخت، بلکه در شماره ۱۱۸ مهاجدین نامه "سرگشته های" از "کمیته مرکزی" این حزب خطاب به "خلقهای رژیمه ایران" چاپ کرده - است. مهاجدین خلق با چاپ این نامه، اسن نیروی سیاسی را بعنوان تنها نماینده خلق کرده توده های زحمتکش ایران معرفی میکنند و برای رویزینوستهای حاش حزب توده، حوراک تبلیغاتی فراهم می نماید.

"حزب دمکرات" در این نامه تلویحاً مبارزه و مقاومت قهرمانانه خلق کرد را نفی کرده و از "راه حل مسالمت آمیز" بعنوان تنها راه حل "مسئله گردن سنا" دم زده است و مهاجدین سیزده تبلیغ آن پرداخته است. آری، در زمانی که خلق قهرمان کرد با فرمای خود هرگونه

اشهاد قابل طرح می نماید و تا سنا دلیل و صفت ما دقیق نیروها، در شرایط کنونی معتقد به حداکثر اعطاف در این زمینه از جانب نیروها میباشیم. و برای اختلافات کاملاً ملموس و فاحش از نظر نیرو، اشکال مختلف سنا سنا در این اشهاد عمل را در شکل ۱- سراسری رای ۲- رای متناسب با نیرو-۳ حق مشورتی در رهبری ۴- پشتیبانی سیاسی و عملی از اشهاد عمل، میتوان تعیین نمود.

با این توضیح روشن است که با توجه به وضعیت مشخص دوسا زمان ما و سنا زمان چریکهای فدائی خلق، سخن گفتن از حقوق با رای سراسر تا چه حد بوجوبی می باشد.



اشهاد در قبال گرفته و قبل از هر چیز با زهم تردید و تزلزل آنها را در این اشهاد عمل بر حمت سه می نماید که میخواهد با زمین این پیش شرطها به اصطلاح دلش قرص شود!

و اما در باره اصل سنا سنا نیرو، ما خود به چنین اصلی کاملاً معتقد هستیم، اما ما در منظر از اینکه حرکت اولیه خود رفقا هم چنین نبود خیلی روشن است که وضعیت مشخص دوسا زمان بهیچ وجه حاشی برای طرح این ادعای غیر واقعی و مبتدل، بیسی حقوق سراسری، واقعی نمی گذارد. ما در عین اینکه به اصل سنا سنا سنا نیرو در همکاری بین نیروهای کمونیست و انقلابی معتقد هستیم، اما این اسراراً ولار چه رجوی و لویت پلانفرم و سنا هدف اصلی

بود جز اشهاد بوجدائی!

اگر رفقا اشهاد عمل را از درون یک تحلیل مشخص سیاسی استنتاج میکنند و اگر برای این اشهاد عمل سیاست معینی هم تعیین میکنند، با بدین آمادگی را نیز داشته اند که برای موفقیت این سیاست در عمل و تا زمین نتایج عمومی سیاسی آن، هر نوع مانع و ممانعت را در جریان عمل نشان دهند. اما رفقا متأسفانه در جریان عمل این اصل را در چشمند نقطه بزرگ را گذاشتند. و با طرح مسائل گره دار که عملاً اشهاد را به بین بست می کشانند، در پیشرفت موفقیت آمیز کار رکنده ایجا دمی - کردند. دقیقاً به همین دلیل است که ما میگوئیم این نوع برخورد نمی تواند مبتنی بر یک سیاست استوار برای پیشبرد اشهاد عمل باشد. سیاستی که با در جستجوی چهار میخ کردن همزونی خویش تا جایی است که اصل اشهاد عمل را نیز بزرگ سوال ببرد یا نسبت به هدف اصلی و سیاست حاکم بر اشهاد عمل و آکسیون مشخص دچار تردید و آشفتگی است. و بالاخره با درک نا درستی اشهاد تا زمین همزونی دارد و با هر سه آنها!

و اما بیسیم رفقا در توجیه این سیاست به ما چه میگویند. آنها استدلال می آورند که "خود را نسبت به بیگناگر برتری می بینند"، "تجربه نشان از بیگناگر بیشتر است"، "نسبت به سیاستهای بیگناگری اجتماع دهند"، "نتیجه راهیما می برای آنها جنبه حیثیتی دارد" (نقل به معنی از بحث های رفقای سنا پندیده این سازمان).

صرف نظر از رزیسی های که هر نیروی سیاسی از خویش متن میکنند و ما فعلاً ضروری نمی بینیم و اردا این بحث سویم، آنچه که رفقا ظاهر آنست اصولی میدادند. همان اظهار بی اعتنادی و نگرانی از سرنوشت سیاسی این آکسیون بود که نقش رهبری عملی را در این زمینه ها وارد مینمودند. طبیعتاً بدلیل اختلاف موجود در قضا حق دارند که احساس بی اعتمادی راجع به سیاست و تاکتیک این سازمان داشته باشند. اما تا زمانی که بر سر دیدگاههای اساسی اشهاد عمل و توافق وجود دارد این احساسی از کمترین ارزش عملی برخوردار نمی باشد. به همین جهت میگوئیم طرح این مسئله با پیشنهاد اولیه رفقا در تناقض قرار دارد. چرا که آنها در دعوت خویش از نیروها و نه در پیشنها دشمنان به ما چنین پیش شرطی را (آنهم بعنوان یک اصل) مطرح نکرده بودند. در واقع چنین برخوردی اسما سنا نیز نا درست است. به این دلیل نا درست است که با به اعتماد و اشهاد عمل با بدین اساس روشن نمودن سیاستها و دیدگاهها استوار باشد در صورتیکه به سیاست و دیدگاهها واحدی در یک اشهاد عمل و رهبری راهیما می رسیدیم، خواهیم توانست متحد سویم، در غیر این صورت نخواهیم توانست. بنا بر این مبنا می توانی که رفقا تعیین نمودند، بهیچ وجه نمیتوانند پیش شرط

بزرگداشت اول ماه مه، روز جهانی کارگر، در شهرهای مختلف ایران

آمل:

به مناسبت اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) عید خونین کارگران جهان، در روز پنجشنبه ۱۰ اردیبهشت یک نظرات موصی با شرکت بیش از ۱۵۰ نفر از هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در آمل برگزار گردید. این نظرات با شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" آغاز شده و بدنبال آن رفقای شرکت کننده شعارها را که بیباکترین طبعی طبقه کارگر بود، دادند که استقبال توده‌ها شد که در دو طرف خیابان مسیر نظرات جمع شده بودند، مواج گشت. در طول مسیر، علامه‌ها و تراکت‌های بسیاری در راه با اول ماه مه پخش گردید. نظرات حدود ۲۵ دقیقه طول انجامید و با خواندن چندین توصیه و امنا گراننده در مورد جناح با ارتجاع و اهمیت جشن اول ماه مه با موفقیت پایان پذیرفت.

سقز:

رفقای هواداران سازمان در سقز برای گرامی داشت ۱۱ اردیبهشت، روز همبستگی جهانی طبقه کارگر در این روز دست به یک نظرات موصی زدند. رفقا متحد و یکجا رژه و با کوبندگی هر چه بیشتر شعار میدادند: "هربیزی به کنی، شهیا روزی جینی کریکار" (زنده باد اول ماه مه روز طبقه کارگر)، "دژ به حیزبی جمهوری، دژ به لیسرا له کانه، هربیزی شورش زحمت کیشانی له سه تا سه ی شیران"، (علیه حزب جمهوری، علیه

لیسرا له، رنده ما دینکا رنوده ها در سرا سرایران) شعار و حرکتها: بان، مسکن، آزادی و همجینس شعارها شدی در بستن سالی از حینس مفاومت خلق کرد داده اند. این نظرات پس از ۱۵ دقیقه بدون اینکه مردوران رژیم سوا سندن عکس العمل فعالی نشان دهند به پایان رسید.

اصفهان:

در ساعت ۵ بعد از ظهر روز ۱۱ اردیبهشت، رفقای هواداران سازمان با برگزاری یک نظرات موصی در خیابان وحدت، روز جهانی طبقه کارگر را گرامی داشتند. رفقا با دادن شعارها شدی چون: "اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد، علیه سرما به - دار، علیه امپریالیسم"، "بستی و سی صدر در سرکوب توده ها متحد و برادر"، "بستی و سی صدر، مرگ به سیرنگان، خون شهیدان خلق می جکدا زچنگان"، "زحمتگان ایران سومی - کشنده مرید، دیگرس است گرامی، دیگری است سیکاری"، "رنداسی سیاسی، بهمت توده ها، آزاد ما بدگرده" و... بیباک انقلابی خود را به گوش کارگران و زحمتگان رسانیدند. این نظرات که به مدت ۲۰ دقیقه ادامه داشت مورد استقبال و تشویق مردم قرار گرفت. در ادامه نظرات، با صدای بلند و با تان رژیم ها هدف حرکت نظرات و نیز با شعار و وحشت توده ها شدی که از مراسم استقبال نکردند، با چاقو و چاقو و ز - ۳ شرکت کنندگان در مراسم حمله کرده و تعدادی را راحمی و دستگیر کردند.

کارکنان جنگرده صنعت نفت در اصفهان روز همبستگی جهانی کارگران را گرامی داشتند

سما بندگان کارگران صنعت نفت، برداشت بعد از گذشت ۲ ساعت، با صدای بلند و همراه دیگران و با تان، به مراسم حمله کرده و در تبراندازی و حمله با چاقو و چاقو، تعدادی را زخمی و حدود ۳۰ تن را دستگیر نمودند. شورش و حشانه مزدوران رژیم به مراسم اول ماه مه کارکنان جنگرده صنعت نفت، یکجا ردیگر و حشانه رژیم را از طبقه کارگر و قدرت لاسرا نشان داده و کینه طبقاتی کارگران و انقلابیون کومست را نسبت به رژیم سرما به داران مدجسان کرده، کینه ای که سوسیالیستها از طبقاتی حاطعانه، سوسیالیسم، ره مگنا شد.

بعدهت "نورای کارکنان جنگرده شرکت نفت" (صبح روز ۱۱ اردیبهشت) (اول ماه مه) مراسم در با شگانه کارگران شرکت نفت در خیابان میر، برگزار شد. در این مراسم که مورد استقبال کارگران و نیروهای انقلابی قرار گرفت، چندین از کارگران ضمن سخنرانیهای کوبنده خود، دست به افشای ماهیت صدکارگری و ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی زدند. یکی از کارگران با معرفی روز اول ماه مه و توضیح تاریخچه آن، بیرون نقش کارگران و موقعیت فعلی آنان، سخن گفت و ضمن اعتراض به جناحیات رژیم، بهره ا ز بهره رژیم حایتکار جمهوری اسلامی در رابطه با به بند کشیدن

بقیه از صفحه ۱۶ حرکات

کنترل آوارگان در یکی از بلوکهای خوابگاه مستقر میشوند. مزدوران سپاه گذشته از موضع توانین ارتجاعی برای ساکنین خوابگاه، تمام درودها را بلوکها را از عکسهای سردمداران رژیم جمهوری اسلامی پر کرده و هر کجا که اعلامیه ای انقلابی و یا کمونیستی بر در دیوار می بینند، آنها را به میکنند. مزدوران رژیم علاوه بر اینها، نمایندگان دیگر شوراهای صنعت تمقیب قرار داده و ما سنده گرگهای درنده به دنبال آنان میگردند. آنها درنده خوشی را به حشده رساننده اند که در تاریخ ۶۰/۱/۲۲ به یکی از اتاقهای خوابگاه حمله کرده و با زور میخواستند که اتاق را به آنها بدهای "رفت و آمده های مشکوک" با زرسی نمایند، اما افراد حاضر در مخالفت کرده و از آنها مجوز میخواستند. مزدوران مسلح سپاه نیز در مقابل چشم عده ز سادای از ساکنان بلوک که در آنجا جمع شده بودند با کتک و کلنگدن و ز - ۳ و گذاشتن لوله اطعمه روی سینه افراد خانواده میگویند: "این مجوز ما ست!" سپس به درون اتاق ریخته و تمام آن را زیر و رو میکنند و وقتی چیزی پیدا نمیکنند با برون دو سرخا نوا ده به مقر خود، عمق کینه و دشمنی شان را نسبت به آوارگان نشان میدهند. اما از ترس اعتراض مردم، ناچار میشوند روز بعد آنها را آزاد کنند.

آری با سخ رژیم ضد خلقی به آوارگان سقز سرکوب و دستگیری و زندان و شکنجه آنها نموده و با سخ آوارگان نیز به تشدید مبارزات برحق خود بر علیه سرکوبگران جمهوری اسلامی و پیوند آن با جنبش کارگران و زحمتگان نخواهد بود.

بقیه از صفحه ۱۵ رژیم

کوبیده در این کشورها مبارزه طبقاتی میده است، آنها می - کوبید و ولت های حاکم در این کشورها و ولت های کارگری می - باشند، آنها میگویند کارگران و زحمتگان در راه قسرا دارند و آنها میگویند رژیم مرتجع توتو و حاشینان شرزیم "غیر متعهد و مستقل و انقلابی" میباشد، اما مبارزه کارگران و زحمتگان ماهیت این غلیظت ارتجاعی را بر ملا میسازد. این مبارزه نشان میدهد که دیوگلاوی قدرت سیاسی در دست بورژوازی مرتجع قرار دارد و این طبقه جز استعمار و کشتار زحمتگان کار دیگری نمیکنند. زنده باد مبارزات کارگران و زحمتگان کشورهای بورژوازی - روبرو نیستی و سوسیالیسم امپریالیستی علیه بورژوازی استعمارگر و سرکوبگرها کم!

زنده باد مبارزات طبقه کارگران این کشورها در راه انقلاب سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا!

بقیه از صفحه ۱۴ دمکراسی

۳- دمکراسی پرولتاری با دمکراسی بورژوازی، کدامیک با منافع تاریخی خسرده - بورژوازی در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم بیشتر خوانش دارد؟

۴- "راه سوم" خرده بورژوازی به چه مقصدی منتهی میشود؟ چرا؟

۵- آیا اتوبی خرده بورژوازی، آرزو و تصور ارتجاعی است؟ چرا؟

برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

مباح مناسبات تشکیلاتی بین افراد و گانهای مختلف جستجو میکرد. واضح است، از آنجا که اساس پیش این تدریجاً راجع به تشکیلات دوران گذار قرار داشت، همانند تشکیلات دوران گذار و وحدت تشکیلاتی را راه حل فاش آمدن بهیچان جنبش کمونیستی میدانست. از مناسبات عمده نیز راه حل خروج از بحران وحدت انقلابی را اما با در حیطه تشکیلاتی جستجو میکرد و بعداً پس ترتیب راه حلی انحلال طلبانه بود که نمیتوانست ولو بطور فرمبستی، ذره‌ای بحران وحدت انقلابی را کاهش دهد.

ب: تزسازش سیاسی

این تز علت اساسی بحران را عدم وحدت در بنا کتیک (اختلاف در برخورد به هیئت‌ها که سه قدرت سیاسی) دانسته و وحدت نظری بر سر مسئله قدرت سیاسی و بنا کتیک برخورد به آنرا را حاصل خروج از بحران میدانست.

این تز با قبول تز "دوران گذار" و اعتقاد به اینکه "وحدت ۸ گروه‌گامی مثبت و انقلابی در جهت منافع و آرمانهای کارگران، زحمتکشان و خلقهای ستمدیده ایران است و "وحدت انقلابی" گامی عملی به سمت ایجاد حزب کمونیست ایران برداشته و وحدت را در مرحله جنبش کمونیستی واقعیت بخشیده و... اما اساساً نمی توانست گامی در جهت حل بحران باشد، زیرا روشن است بدون وحدت در ایدئولوژی و سیاست و برنامه، سفلی از وحدت در بنا کتیک (بمعنی مارکسیستی آن) نمی توانست در میان باشد.

ج: مبارزه ایدئولوژیک علنی

این تز که جلوه‌ای از همان پیش انحلال طلبانه‌ها که بر وحدت انقلابی بود، با مطرح کردن همکوشی شوریک، البته به شکلی دیگر یعنی به شکل با اصطلاح مبارزه ایدئولوژیک علنی، مبارزه ایدئولوژیک علنی بین گرایش‌های مختلف را، راه حل خروج از بحران قلمداد میکرد. از آنجا که این راه حل در سطح جنبش کمونیستی انعکاس یافت، لازم بود کمی در این باره بحث کرده و بطور مختصر انحرافات این طرح را با ذکر دهنده نشان دهیم که این طرح در حقیقت ادامه همان پیش انحلال طلبانه، منتها در پوششی نوین بود.

۱- از آنجا که یکی از دلایل وجودی هر تشکیلات کمونیستی شرکت آن در مبارزه طبقاتی است، از آنجا که تز "دوران گذار" عملاً در خدمت نفی شرکت در مبارزه طبقاتی بود، راه حل مبارزه ایدئولوژیک علنی، نمی توانست با سقیم تشکیلاتی را بر طرف کرده و رفقای صادق را در جهت مبارزه طبقاتی رهنمون سازد، و از این نظر یک راه حل انحلال طلبانه بوده و با تکرار "دوران گذار" نتایجی نداشت.

۲- همانگونه که تز "دوران گذار" امرتدوین شوری و با لایح جنبش کمونیستی را از طریق همکوشی شوریک و مطالعات علمی روشنفکران

آگاه نیست، امکان پذیر می‌باشد، راه حل مبارزه ایدئولوژیک علنی نیز با توجه به تی از قبیل آنجا می‌بشود و تدوین مشی و برنامه هر... راه حلی انحلال طلبانه و آگاه نیستی بود که سه بجای اینکه انجما می‌بشود و تدوین شوری همه- جان به راه در جریان مبارزه ایدئولوژیک فضا ل برهمن شرکت در پرا تیک انقلابی جستجو کنند، آنها را اختلاف آگاه دیمک بصورت نشویه منتسک با دیدگاههای مختلف جستجو میکرد. روشن است همزیستی و سازش در دیدگاههای گوناگون نسه انجما می‌بشود و دیدگاه و گرایش پرولتری بلکه انحطاط و انحراف آنهاست

۳- امرترویج و تبلیغ، امرطبقاتی است نه امر علمی و آگاه دیمکی و از اینرو هر تشکیلاتی برای جلب و سازماندهی پیشروان طبقاتی و گروه زحمتکشان، به امرترویج دست می‌زند. بدین جهت واضح است که راه حل مبارزه ایدئولوژیک علنی از آنجا که مرز بین تشکیلات کمونیستی (که امرترویج جزئی از مجموعه فضا لیتها و مبارزه طبقاتی است) و یک میسبه انتحاراتی (که در آن کمیسونی از قلمزنان به بحث و جدال می پردازند) را مخدوش میکند، راه حلی انحلال طلبانه است.

مختصراً اینکه راه حلی موق از آنجا که هیچکدام با انحلال طلبی بعنوان انحراف اصلی و ایدئولوژیک وحدت انقلابی، و علت اصلی بحران، مرز بین تشکیلاتی نگردیده بودند، نمی توانستند راه حل خروج از بحران را نشان دهند.

قبل از نشان دادن راه حل انقلابی و مارکسیستی خروج از بحران و چگونگی شکل گیری و پیرویه رشد جهان ما، لازمست به ارا شته تعویبری از مخطی که مبارزه ایدئولوژیک علنی، بعنوان راه حل خروج از بحران مورد تصویب اکثریت اعضا وحدت انقلابی قرار گرفت (دیسماه ۵۹) بپردازیم:

از نظر سیاسی، ایدئولوژیک در این مقطع دیدگاههای ۱ و ۲ منعکس شده در "ما شیم انقلاب"، بصورت ۲ گرایش سیاسی - ایدئولوژیک در درون وحدت انقلابی شکل گرفته بود، ولی اکثریت قاطع رفقای وحدت انقلابی طبرغم مرز بندی ورده دیدگاههای ۱ و ۲ (دیدگاه نیمه فئودال - نیمه مستمره‌ای که بر غوروی ترجیحی با لیبیرالها داشت و دیدگاه‌ها پوتونیستی ۲ که شوریه کننده دوران گذار بود)، هنوز از انجما سیاسی - ایدئولوژیک برخوردار نبود و خود را در طیف سوم تعریف نمینمود. دیدگاه سوم منعکس شده در "ما شیم انقلاب" بعنوان نظریه‌شنی از طیف سوم مطرح بود. مصلحت حریان بنا فتن یک مبارزه ایدئولوژیک فضا ل و عدم مرز بندی دقیق و روشن بین نظرات موجود، گرایشهای گوناگون درون طیف سوم خود را بصورت سیستمهای نظری مشخصاً آشکار نمائیم بود و بنا نظری تشکیلاتی هیچ نوع روابط و مناسبات

تشکیلاتی مشخصی (حتی به شکل نسبی سابق) حاکم نبود و گرایشات ۱ و ۲ بصورت ۲ فرا کسوس مجزا در درون تشکیلات وحدت انقلابی "سر میسرت مرکزیت وحدت انقلابی، اما با دیگر توریسته ای نداشت و با تصویب طرح مبارزه ایدئولوژیک علنی، بطور کامل عملاً از بین رفت و بجای آن کمیسونی مرکب از ۶ نفر (۲ نفر از دیدگاه ۱، ۲ نفر از دیدگاه ۲، ۲ نفر از دیدگاه ۳) برای نوشتن مقالات و دادن آن به نشریه، تعیین شد

ما بعنوان بخش عمده رفقای طیف سوم معتقد بوده و هستیم که بحران تشکیلات وحدت انقلابی اما سانی از حاکمیت یک انحراف راست رویونیستی بود که بخصوص در عرصه تشکیلات آموزشی م. ل عدول نموده و بسبه انحلال طلبی درمی غلطید. تز تشکیلات دوران گذار که به وحدت انقلابی هویت می بخشید جلوه آشکار انحلال طلبی در تشکیلات بود. واضح بود که بدون مرز بندی ریشه‌ای و قاطع با این انحراف و بصورت مشخص با انحلال طلبی نمیتوان به راه حل م. ل خروج از بحران دست یافت، و از آنجا که تشکیلات وحدت انقلابی اما ساریا به تر اپورتونیستی و انحلال طلبانه دوران گذار بنا شده بود، بنا بر این بدستی با بد مورد نفسی انقلابی قرار میگرفت.

ما بعد از نفی تشکیلات وحدت انقلابی بر اساس مجموعه مواخ سیاسی - ایدئولوژیک - تشکیلاتی ما ن میساست به حرکت خود ادامه میدادیم، و از آنجا که ما بین مواخ خود و سایر بیکار اختلاف اساسی نمی دیدیم بطرف رفقای بیکار رستگبری کرده‌یم و حرکت کمونیستی نیز همین بود، چرا که معتقدیم گرایشات مختلف زمانی حق دارند به فضا لیت مستقل بپردازند و تشکیلات مستقل درست کنند که با نگاه خودشان را در جنبش کمونیستی روشن کنند و مرز بندی خود را با تشکیلهای موجود مشخص نمائند. بدین معنی که اگر بین مجموعه مواخ خود و مواخ نیروهای جنبش کمونیستی اختلاف اساسی داشتند به فضا لیت مستقل بپردازند ولی اگر چنانچه با مواخ سایر نیروهای م. ل اختلاف اساسی و عمده نداشتند با بدر جهت وحدت حرکت کنند. روشن است که فضا لیت مستقل گروهی در

روشن است که ما در پیرویه شکل گیری و حرکت خود، از ابتدا عمیقاً و بطور همه جا سبه با انحلال طلبی و جلوه‌های مختلف آن سر ریندی ننموده و طبیعاً آلوده به گرایشات انحلال طلبانه و آشتی طلبانه بودیم و به همین علت بود که ما در برخورد به طرح مبارزه ایدئولوژیک علنی به آن رای داده و نیز در برخورد به نقطه نظرات دیدگاه ۳ اختلافات خودمان را کم رنگ میدیدیم. روشن است که این انحرافات اما سانی مقابلی همان پیش انحلال طلبانه‌ای بوده که بر کل "وحدت انقلابی" و از جمله خود ما حاکمیت داشت.

این حالت بخصوص با توجه به مرم بودن امر وحدت در رابطه با پیوستگی به نیا زهای مبارزاتی توده ها امری کاملاً نادرست و نشاندهنده سکتا و سبوعقب مانده گی محفلی است. بر اساس چنین اعتقادی و با توجه به مجموعه مواضع سیاسی - ایدئولوژیکمان به این نتیجه رسیدیم که:

۱- دیدگاه اول ضمیمه انقلاب با برخورد نیمه فئودال - نیمه مستعمره ای به ساخت جامعه و اعتقاد به نظام موابسته با ارزیابی از حزب جمهوری و روحانیت مسلمان نماینده مناسبات فئودالی و ماقبل سرمایه داری، به تا کتیک برخورد تدریجی به جناح های مختلف هیئت محاکمه معتقد بوده و با انحلال طلبی و مزدوران گذار مرزبندی نداشت. دیدگاه های راستروانه بسیار گرایشات عمیق روبریونیستی میباشند.

۲- دیدگاه دوم ضمیمه انقلاب با تبلیغ تیز دوران گذار، بانفیی دستاوردهای جنبش کمونیستی و اثبات نظرات با سیفیتی دیدگاه های انحلال طلبانه و با سیفیتی - آکا دمیتسکی میباشند. این دیدگاه در برخورد به ساخت جامعه و قدرت سیاسی نظرات راست روبریونیستی خود را در پس نما رغلبی از آنها مانت و ناسیهای حزبی به نمایش میگذارد.

۳- دیدگاه سوم ضمیمه های انقلاب دیدگاه های است با گرایشات انحلال طلبانه، که علیرغم داشتن مرزبندی با برخی جلوه های انحلال طلبی هنوز به نقد انقلابی و ریشه ای انحلال طلبی دست نیافته است. در عرصه ساخت ویرانه ها و قدرت سیاسی با اعتقاد به اینکه حزب جمهوری نماینده بورژوازی سوداگر میباشند (دیدگاه سوم سرمایه سوداگر را مناسبات ماقبل سرمایه داری میدانند - رجوع شود به ضمیمه انقلاب) در حقیقت نشان به نشان دیدگاه اول ضمیمه انقلاب میساید و گرایشات راست روانه خود را زیر پوشش الفاظ و ابهام و دوپهلوگویی به نمایش میگذارد.

۴- ما با مواضع سایر نیروهای درون جنبش کمونیستی از جمله رفقای کومله، رزمندگان شبرود... مرزبندی های اساسی و مشخص داشتیم. همانطور که ذکر شد از آنجا که ما بین مواضع خود و مواضع رفقای پیکار اختلاف اساسی نمی دیدیم به طرف سازمان "پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" مستگیری کردیم. ولی روشن بود که این مستگیری بدون برخورد دقیقتر به مواضع هم دیگر (هم از طرف ما و هم از طرف رفقای پیکار) نمی توانست به معنی وحدت سیاسی - ایدئولوژیک با سازمان پیکار باشد. بدین لحاظ ما بعد از اینکه با انحلال طلبی مرزبندی کرده و اختلافات اساسی خودمان را با دیدگاه های ۱ و ۲ فرموله کردیم و بدون تمام رفقای طبق سوم بردیم از نظر تشکیلاتی نیز مناسبات معینی بین خودمان برقرار کرده و طی جلسات متعدد با رفقای پیکار و تدقیق مواضع و برخورد دقیقتر به مواضع سازمان پیکار رونیز برخورد همه جانبه تر رفقای پیکار به مواضع ما، روشن شدن پاره ای ابهامات

مؤخره

و اختلافات به وحدت سیاسی - ایدئولوژیک با سازمان پیکار دست یافتیم و در حال حاضر در جریان وحدت تشکیلاتی با سازمان پیکار بوده و میگوئیم تا با اتمام مهروشه وحدت (ادغام تشکیلاتی) در سنگر تشکیلات کمونیستی سازمان پیکار رسد مبارزه خود ادا می دهیم.

پیش بسوی وحدت جنبش کمونیستی بخشی از "وحدت انقلابی برای آزادی طبقه کارگر" ۱۶ اردیبهشت ۶۰

در آخرین لحظاتی که اطلاعیه برای انتشار آماده میشد، اطلاعیه اشعاب! رفقای دیدگاه سوم بدستمان رسید، با عنوان سازمان رزم انقلابی برای آزادی طبقه کارگر. از آنجا که در این اطلاعیه مسائل مورد بحث جبهه وحدت انقلابی و بخصوص طبق سوم به شیوه ای اپورتونیستی تعریف گردیده و رفقای سازمان رزم انقلابی سعی کرده اند با دوپهلوگویی و ابهام بر روی حقایق سرزنش گذاری شده و بدین ترتیب از انتقاد و رسیدن ما دقایق نه خالی کنند ما بطور مختصر به چند نکته اشاره میکنیم.

نویسندگان اطلاعیه ما را متهم کرده اند که صرفاً نقی تشکیلات دوران گذار برای ایجاد یک سازمان جدید گنجی میدانستیم، که وحدت نگردیدیم، ما موتا کتیک و سازمان را فرا میوش میگردیم، که اختلافات خویش را با سایر نیروها کمرنگ کرده و در صدد ابرار شدن به گروه های دیگر بودیم و رفقای سازمان پیکار را متهم کرده اند که در این موارد آنها مدهنده ما بوده اند! نویسندگان اطلاعیه با برخوردی عامیانه خود نشان میدهند که نه تنها به عمق نظرات ما و نظرات رفقای پیکار بی نبرده اند و با شیوه استدی بی بمرند بلکه همتر از آن نشان میدهند که حتی از مقوله انحلال طلبی نیز درک درستی نداشتند و علیرغم تمام عمارت برداری ها با انحلال - طلبی مرزبندی عمیق و ریشه ای ندارند! (بگذریم از اینکه همین ردمینمندان انحلال طلبی نیز محصول مبارزه ایدئولوژیک قاطع مبارز رفقای پیکار میباشند، اسناد مبارزه ایدئولوژیک درونی پیکار فی کوبای حقیقت هستند و ما سعی خواهیم کرد در آینده به آنها برخورد کنیم).

از نظر ما انحلال طلبی بعنوان انحرافی که مخصوصاً نیروهای م. ل. را در عرصه تشکیلات مورد هجوم قرار میداد به هیچ وجه از مجموعه نظریات راستروانه در برخورد به ساخت جامعه و قدرت سیاسی، تا کتیک و... نبوده بلکه همه این انحرافات چه در عرصه تشکیلات بصورت دوران گذار و چه در عرصه سیاست و ایدئولوژی ناشی از کمیت گرایش راستروانه روبریونیستی بروح وحدت انقلابی بود و دقیقاً به همین دلیل است که دیدگاه های ۱ و ۲ که با انحلال طلبی مرزبندی نداشتند و تبلیغ آن هستند در زمینه سیاست و ایدئولوژی دیدگاه های راستروانه و

روبریونیستی دارند. آیا ارتباط درونی این سلسله نظریات هموزیرای رفقای نویسنده روشن نیست؟

نتیجه اینکه نه تنها راه انقلابی و مارکسیستی - لنینیستی تزدوران گذار نمی توانست بدون طرد دیدگاه اشلاف و انحلال طلبی صورت پذیرد و به نقد سایر جلوه های انحلال طلبی از قبیل گفرا نش وحدت، دانشجویان مبارز، هسته های مختلط و... نیز منتهی نگردد، بلکه همتر از آن اگر چنانچه نقد دیدگاه های اشلافی و انحلال - طلبی نه همراه با نقد و طرد دیدگاه های راستروانه در مورد ساخت جامعه ای - اجتماعی جامعه، قدرت سیاسی، تا کتیک، اصول سازمانی و... همراه نمی شد نمی توانست نقدی م. ل. و انقلابی باشد. بدین ترتیب از نظر ما راه انحلال طلبی میسایست همراه با نقد دیدگاه لکتیکی دیدگاه های راستروانه در زمینه های دیگر و چنانچه دید - گاه های درست صورت پذیرد، چرا که همه آنها جلوه های گوناگون گرایش راستروانه و روبریونیستی حاکم بروح و حدت انقلابی بودند.

بدین ترتیب همه نظریات که اسناد مبارزه ایدئولوژیک و قطعنامه های ما نیز نشان میدهد ما همراه با نقد دیدگاه اشلاف و رد جلوه های گوناگون آن، به نقد نظرات راستروانه نیز پرداختیم. مستگیری ما به رفقای پیکار رنیز دقیقاً نتیجه تشکیلاتی نظرات سیاسی - ایدئولوژیک ما بود.

نظریاتی که ما در طی مبارزه ایدئولوژیک درونی در نوشته و قطعنامه مان بیان کردیم، نکته عالی این است که این قهرمانان مبارزه با انحلال طلبی در شکل راست و چپ آن نه تنها در راه انحلال طلبی پیشرو نبودند و نه تنها یک سند تحلیلی نیم بند هم در دیدگاه اشلاف و نقد جلوه های انحلال طلبی؛ ارائه نداشتند! بلکه از ما فمین طرحی از قبیل مبارزه ایدئولوژیک علیه نیز بودند (رجوع شود به ضمیمه انقلاب شماره ۸ - و پیش نویس قطعنامه نویسندگان).

مسئله دیگری که ما بدان اشاره کردیم سلسله قطع مبارزه ایدئولوژیک علیه است. همانطوری که فرقا نیز توضیح دادیم نویسندگان اطلاعیه اشعاب حتی مدتها بعد از قطع مبارزه ایدئولوژیک با طرح مبارزه ایدئولوژیک علیه مرزبندی نداشتند و از آن دفاع میکردند! قطع انتشار ضمیمه های انقلاب نیز نه ناشی از تصمیم مولی! آنها بلکه صرفاً در نتیجه مبارزه ایدئولوژیک از طرف ما و رفقای پیکار، از لحاظ ماسینی بر اینک اگر انتشار ضمیمه های انقلاب ادا میساید ما در سطح جنبش موشه گیری خواهیم نمود، و اعتراض توده های تشکیلات مانده خودداری از چاپ و توزیع و فروش ضمیمه های انقلاب بوده است و اینها عواملی بودند که مانع انتشار ضمیمه های انقلاب شدند.

ما تذکرتکات فوق را در این مختصر کافسی

بعد از صفحه ۲۲ بنی صدر ***

اما اینک "آراد بخواه" شده و سرای دانشگاه
اشک تصاح می ریزد. اخباری هفتگذشته
بنی صدر در "هفته بررسی بحران دانشگاهها" در
دفترها هنگی همکارهای مردم را رئیس حضور
در تهران، سیرنگ بیلاطوس ما سناهای سوبرای
شش دست، بنبرگی کها کنون ما هیاست پس
آردرا قلبیت افتادن در حاکمیت و دردست
گرفتن ارگانهای حاکمیتی بدست جناح
رقیب صورت ساست بنی صدر در آمده است.

اما علیرغم سن تلاش بنی صدر برای نشستن
دستانش از خون دانشجویان انقلابی، در کلمه
به کلمه این سخنرانی وحشت او را از انقلابیون و
دیدگاهارنجایی اش راست به دانشگاه می -
سوان یافت. از یکطرف او میگوید خود را سرکنار
از جنایات رژیم در دانشگاهها و تعطیلی آن
نگاه دارد و از طرف دیگر بنا به پانگه طبقا تیش
سمیتواند خواهان سرکوب انقلابیون در
دانشگاهها نشاند. منتهی او این سرکوب را در
لغات میخواند و در بیان و آشکارا نندردر قیامش
به این سؤال وجواب دقت کند:

"صلی روشن و واضح بگوئید جناحی در
روبریکه سال قبل به دانشگاه آمده بودید، سنا
گروههای سیاسی دفاتر خود را تعطیل کسند
فرمودند که امروز حاکمیت دولت استوار شد.
این حرکت خود را ما سنا امروز خود در رابط
با فعالیت سیاسی در دانشگاهها چگونه توجیه
میکند؟

رئیس حضور: من همین الان هم گفتم که اگر
دانشگاه محل دفاتر حزب شود، خود را نمی
کرده است. آن روز هم همین حرف را زدم و
گفتم که بحث آزاد یک مسئله ای است که میشود
آن را از بین برد. چرا وقتی دانشجویان وارد
دانشگاه میشوند به یکدیگر میگویند چه خبر؟
چه خبر داری؟ نظر شما چیست؟ نظر من این است
و... خوب با این را که نمی شود تعطیل کرد. اما
اگر دانشگاهها در احزاب و گروههای سیاسی شد،
دیگر دانشگاه نیست. برای اینکه آنها با حاکم و -
های ذهنی و معنی خود آنجا حاضرند و آنرا فرق
میکند و دیگر کسی نمی تواند حرفش را بزند.
(انقلاب اسلامی، ۱۴ اردیبهشت ۶۰ - تاکید از
ما ست ۱۰)

پس آقای بنی صدر دانشگاهها را بدون فعالیت
سیاسی نیروهای انقلابی میخواهد. او میخواهد
دانشجویان انقلابی فاقد دفاتر سیاسی و کتابخانه
- ها باشند. او میخواهد دانشجویان انقلابی
نتوانند به فروش نخری تا آگاهها و بو بخش
الامامیه بپردازند و بخاطر همین فعالیت انقلابی
است که توافق میکنند دانشگاهها بخون کشیده
شود و برای بازگشتی دانشگاهها نیز از استادان
تضمین میخواهد که در صورت عدم فعالیت انقلابی
دانشجویان، دانشگاهها ساز شوند. بنی صدر در
این زمینه میگوید:

"آن روز با این کار (یعنی فعالیت سیاسی
- سیکار) مخالف بودم و الان هم مخالف هستم و

گفتم که این کاری است که شما با تصمیم
نکشید، دیروز (جمعه) هم به بعضی ارگانها
همس حرف را زدم. شما نمیتوان استادمینواست
این کار را نکنید و بطور سبب که مگوشتند -
توانیم این کار را کنیم، بلکه میتوانند."
(همانجا).

ارسطو آقای بنی صدر در سخن گفتم
دانشجویان باید بگردان داشته باشند. آنها میتوانند
بیکدیگر بگویند "چه خبر، توجه کرده ای؟" و...
تا رفته اند به این خاطر از دست کفستول
بنی صدر "یک مسئله ای است که سعی شود آن را از
پس برد" و "این را که سعی شود تعطیل کرد."
آقای بنی صدر در حای دیگر روشن تر میگوید:

"اگر دانشگاه محل آزادی بحث است (یعنی
همان که میشود جلوی اش را گرفت) - بیکار،
آیا محل آزادی فعالیت سیاسی هم هست؟ یا حین
ظا هر قضیه ای است که مگوشتم که حیرت گفتم از
ما ست و عمل کردن از دستگاران. (انقلاب اسلامی،
۱۴ اردیبهشت ۱۳۶۰)

پس آقای بنی صدر سعی خواهد داشت که
سرکوب آزادی باشد. سعی خواهد کرد تا سرکوب
آگاهگری در خدمت توده ها باشد. تمام مدعیان
آقای بنی صدر با حاکم رقیب سرگردانگاه،
این است که او میخواهد دانشگاهها برای سرما -
داری وابسته و آنکوبه که لیسرا لها میخواهند،
متخصص تربیت کند. او در فکر بیج و سپهرهای
سرما به داری وابسته است. علاوه بر آن بنی صدر
کذا ز عشق توده ها به دانشگاهها حیرت است. می -
خواهد با حواست بازگشتی دانشگاهها، عوامفریبی
کند و توده ها را بسوی خود جلب نماید. در حالیکه
توده ها، دانشگاهها را بعنوان سرکوب آزادی می -
خواهد، نه دکانی برای تربیت بیج و سپهرهای
سرما به داری وابسته. البته آقای بنی صدر

پیدار رفیق شهید تقی عباسی

رفیق شهید تقی عباسی، عمو ما زمان
رزمندگان آزادی طبعاً و کربودگه در ۱۴
اردیبهشت سال گذشته در جریان حمله وحشیانه
رژیم به کردستان در سنجق به شهادت رسید. در
سزگردا شت او که سزگردا در شهیدش رفیق محمد
با قریبایی در بهشت رهرا بر گزار شد تا سزگردا سنا
رفقا و جمعی ارحا توده های زندانیان و شهدای
ما زمان ما و نمایندگان گروه کمونیستی سرگرد
شرکت داشتند. رفقای ما با نشانار حلقه گل زیبای
بیا دهر و شهید و جوانان سرود شهیدان و...
و قرائت پیمانها در رفیق شهید تقی عباسی و کلیه
شهدای کمونیست و انقلابی را گرامی داشتند
ما در رفیق شهید آذر مهر علیان سزگردا سنا
مرا سم حضور داشت سخنان کوتاهی ایراد کرد
خا سواد های زندانیان و شهدای ما زمان بیکار
سزگردا شت دیگر شهدای جنبش کمونیستی و
انقلابی را نیز وظیفه خود دانسته و تا کسبون در
مرا سم متعدد سزگردا شت شهیدان شرکت کرده اند.
گرامی ما با دبا دشه های محزون هفته خلق!

مدانند که اگر دانشگاهها ساز شوند، دانشجویان
انقلابی سارهم آن را به سرکوب آزادی -
مکند، منتهی او میگوید سنا جلوی اش را
سنا سنا و حتی استفاده از ارگانهای سرکوب،
مسئله را حل کند. او با وفا حاکم فعالیت
دانشجویان انقلابی را ما سنا سنا خاشن فصولی
می نامد:

"این کار یک مقدار حرج دارد که ما بسند
استادان عزیز و گرامی این حرج را حاصل کنند.
السنه دانشجویان هم کمی فصولی خوا صد کرد.
(انقلاب اسلامی، ۱۴ اردیبهشت تا کیداز ما ست)
آری افتا گری جنایات حزب جمهوری اسلامی،
بنی صدر و استادان و همسایه فصولی است و سرای
همین هم هست که سنا سنا در حرکت در کشتار این
"فصولها" که در واقع فرزندان طبقات محکشان
اسرا سنا در اول اردیبهشت ۵۹ به سنا سنا سنا
پشیمانی نمی کند، بلکه آن را در مجموع منبب
ارزبایی میکند:

"اما اینکه از سال گذشته من بنیما نمیانه؟
با بنیگویم که خبر. چرا؟ دلیل اینکه هیچ چیزی
در این حیا بدون ما یعات جنه منعی نمی شود
باشد... پس اگر چه حضور مردم در صحنه ما سنا
دارد، اما اگر بدون مردم، دانشگاهها می بسند
شما چه میگردید؟" (انقلاب اسلامی، ۱۶ اردیبهشت
۱۳۶۰ - تا کیداز ما ست.)

آری هدف سرکوب دانشجویان انقلابی و
جلوگیری از فعالیت سیاسی آنان بود. حال اگر
سنا سنا سنا در سزگردا سنا سنا سنا سنا
رسند و سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
عیبی ندارد، هیچ چیزی بدون ما سنا سنا
نمی شود. سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
را سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
انقلابی سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
میشود و سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا سنا
در این سرکوب اعمال قدرتی کردیم. آری اسنا
است کلام بنی صدر خاشن.

بدین ترتیب هر چند که بنی صدر میگوید
دستانش را بشوید. اما با نگاهار خاشن طبقاتیش
با لاجره "سنا در آب سنا سنا" و پشت سر بنی صدر
"آراد بخواه" و خواهان بازگشتی دانشگاهها
بنی صدر جلا، قاتل دانشجویان اول اردیبهشت
سرکوبگر کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت
سنا سنا میشود که حنایت سال گذشته اش را
تطهیر میکند. دانشجویان انقلابی را "فصول"
میخواند و میخواهد که تضمین کنند اگر دانشگاهها
با زند، دیگر سرکوب آزادی نباشد. سرکوب تربیت
متخصصین برای سرما به داری وابسته باشد.
سرگردانهای خاشن با سنا سنا هر چند که
بنی صدر میخواهد دستانش را بشوید، اما با لاجره
اهداف ارتقا عیش او را لومیده. آرد در عصر
احتما روگند سنا سنا سرما به داری، نمی شود
را حتی بیلاطوس دستان را در آب شست و خود را
تطهیر کرد. بخصوص که بنی صدر لیسرا ل
باشد خود را از جنایاتش میزکند. مجبور است
هر روز دستانش را بشوید!

شنبه‌های کمونیستی:

دریچه‌ای بسوی دنیای زیبای کمونیسم



کمونیسم عبارت است از بهره‌دهی عالی تر (نست به بهره‌دهی سرمایه‌داری) کار کارگران داوطلب آگاه و متحدی که از تکنیک پیشرو استفاده می‌نمایند. شنبه‌های کمونیستی فوق‌العاده گرانها و بی‌مثال به آغاز عملی کمونیسم هستند و این پدیده فوق‌العاده نادری است، زیرا ما در مرحله‌ای قسار داریم که "در آن فقط نخستین گامها برای انتقال از سرمایه‌داری به کمونیسم برداشته میشود" (لنین - استکار عظیم)

یکسال و نیم پس از پیروزی شکوهمند انقلاب سوسیالیستی اکتبر، هنگامیکه بلشویکها و ارتش سرخ برای دفاع از زمین سوسیالیستی و حفظ دستاوردهای انقلاب کبیرا کتیر بر علیه امپریالیستها، وابستگان و نیروهای مرتجع داخلی در حیطه‌های مختلف، قهرمانانه نبرد میکردند؛ در پشت جبهه کارگران قهرمان شوروی با تلاشی خستگی‌ناپذیر برای رهائی از یوغ سرمایه‌بندگ و نیز با ختن جا همه نوین سوسیالیستی حبه دیگری گشودند.

در روز شنبه دهم مه سال ۱۹۱۹، کارگران راه آهن مسکو با کارما فسی و مجانی خود جهت حیران غلبه مانگی ها و شکوفای ختن نیروی کبار در ما ختنان سوسیالیسم و بالا بردن بهره‌دهی کار با استکار قهرمانانه، رسمی نود و شش هزاره کار کمونیستی بپا کردند که کارگران آگاه، متعهد

و حتی معمولی دوشا دوش کمونیستها در شنبه‌های دیگر نیز آنرا بکار بستند. کارگرانیکه رنج و مشقت و گرسنگی و قحطی چهار سال جنگ امپریالیستی را تحمل کرده بودند، برای پیروزی نظام اجتماعی نوین سطح بهره‌دهی را بطرز بی‌سابقه‌ای بالا بردند و مفهومی نوین از "کار" بوجود آوردند و آنرا "شنبه‌های کمونیستی" نهادند. آنان در کاری بدون مزد برای تمام زحمتکشان و به نفع جا همه سوسیالیستی در عمل حلاقت و شکوفای کمونیستی را به نمایش گذاشته و با لابردن سطح بهره‌دهی کار جهت پیروزی بیشتر و استحکام قدرت کارگری، روحیه خلاق کمونیستی را در ساختن جا معمای نوین و نیرومند و وفاداری خود را به آرمان کمونیسم متعلق ساختند.

"شنبه‌های کمونیستی" از این لحاظ استثنایس گرانها می‌باشند، زیرا در این مورد کارگران معمولی و کارگران راه آهن مسکو - نازان ابتدا عملا نشان دادند که قادرند مانند یک کمونیست کارکنند و آنگاه به استکار خود عنوان "شنبه‌های کمونیستی" دادند. (لنین - استکار عظیم) اهمیت تاریخی "شنبه‌های کمونیستی" که اینست که کارگران با استکار آگاهانه و داوطلبانه خود با احساس مسئولیت در قبال جا معمای سوسیالیستی که خود قدرت رهبری کننده آن را در دست دارند با ایجاد شرایطی نوین در اقتصاد و زندگی و کار به استحکام سوسیالیسم تمام بخشیده و گامهای اولیه را بسوی کمونیسم بر میدارند. "شنبه‌های کمونیستی" بر تمام باوه‌های سرمایه‌داری بر علیه کمونیسم خط بطلان

کشیده و به وضوح نشان میدهد که کارگران، زمانه‌ای که خود به سر نوشت خویش جا کمبایند در جهت ساختن جا معمای نوین با شیوه تولید اجتماعی نوین و استقرار تولید سوسیالیستی، داوطلبانه قدم به پیش گذاشته و روزهای استراحت خویش را نیز به تعلق کار دسته جمعی در جهت شکوفایی تولید سوسیالیستی و برای مالیدن بسوز سرمایه‌داران به خاک تبدیل می‌سازند.

"شنبه‌های کمونیستی" همانا از آن جهت جا شایسته تاریخی عظیم هستند که استکار آگاهانه و داوطلبانه کارگران را در رشتنه بهره‌دهی کار و برقراری انطباق نوین در کار و ایجاد شرایط سوسیالیستی در اقصا دوزنگی، بهمان نشان میدهد.

(لنین - همانجا)
در "شنبه‌های کمونیستی" کارگران بسا شیوه‌ای انقلابی و با استکار خود برای از بین بردن تمايلات بورژواشی و غورده بورژواشی و غلبه بر تمايلات شخصی چون ولنگاری، لابیگری و... که کارگران از سرمایه‌داری به ارث برده‌اند بسا خاستند و برای تحکیم "انطباق اجتماعی نوین"، "انطباق سوسیالیستی" و پیروزی آن با نظمی آهنگین و بطور خستگی‌ناپذیر در تحکیم دیگتای توری پرولتاریا رسمی نوین آفریدند که بقول رفیق لنین "جوانه‌های کمونیسم" اند و اگر به پیروزی کامل در آن توفیق یابند، "آنگاه و فقط آنگاه با زکشت به عقب، با زکشت به سوی سرمایه‌داری غیر ممکن و کمونیسم و انحصار شکست نا پذیر خواهد شد."

برای پیروزی کمونیسم لنین در "شنبه‌های کمونیستی" شرکت میکند.

بقیه از صفحه ۲۹ اطلاعیه

دانسته و توضیح مفصل قضا با از جمله جمعیت‌های از تهریات وحدت انقلابی و بخورده مشروح به گرایشات مختلف وحدت انقلابی را به آینه‌سده موکول می‌کیم.

برچم ما را به شولوزیک را بر اشته تر ما زیم!

"شنبه‌سنا مسالمت آمیز دوران سال ۱۸۷۱ تا ۱۹۱۲ ایورتونیس را ابتدا به منا به یک حالت روحی، سپس به منا به یک خط و منی و بالاخره به منا به یک گروه یا قشور کراسی کارگری و با رفیقان نیمه راه غورده بورژوازی پرورش دادا بس منا هر نمیتوانستند جنبش کارگری را تا به خود سازند جز از این راه که سوگندیا دنیا بندگوسا کلیه کارهای "مسالمت آمیز" فقط تدارکی است برای انقلاب پرولتاریا می‌باشند. این تمام مدلی بود که میبایست سوسا زگند و سر هم با زکود. تمام موضوع بر سر این است که آیا به مثل کاشوتسکی و شرکا "سوی کورچک این عمل را بی نام "وحدت" (وحدت با چرک) میدهد و از جنبش کارگری ننسود - با اینکه به منظور کمک به پیگر جنبش کارگری باید این چرک را حتی المقدور سوسیترو بسا سواظیت بیشتری سوسله یک عمل جراحی، علمی - رغم در موقتی شدید که از این عمل ناشی است، از پیگر خارج نمود. (لنین - ایورتونیس وورشکستگی انترناسیونال دهم)

